

نیروهای ترقیخواه باید از اطلاعاتی که داده‌های دادستانی انقلاب استقبال کنند

تأمین و تضمین آزادی‌های سیاسی

ضرورت انقلاب

ارگان سازمان ما وقتی بتواند آزادانه به افشای چهره ضدانقلاب افشای ماهیت سرمایه‌داران لیبرال، افشای توطئه‌های امپریالیسم و زدودن انحرافات دوستان انقلاب بپردازد، قطعاً سود آن برای خلق ما و استقلال و آزادی ما است و زیان آن تنها برای امپریالیسم و دشمنان خلق ما متصور است و وقتی همه نشریات و روزنامه‌های ترقیخواه و همه نیروهای ترقیخواه بتوانند آزادانه در خدمت انقلاب و مقابله با دشمنان انقلاب به فعالیت بپردازند، قطعاً می‌توان با توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا به‌گونه‌ای استوارتر و آگاهانه‌تر به مقابله برخاست.

● ما به مثابه یک سازمان سیاسی کشور مدت‌ها است برای فراهم شدن زمینه‌ای که بتواند آزادی فعالیت‌های سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی تأمین و تضمین کند مبارزه کرده‌ایم.

در صفحه ۲

لاله کبیردازند و اکتوب مرکازند



به مناسبت ششمین سال حماسه شهادت فدائی خلق رفیق بیژن جزنی

وهم رزمان ☆☆☆☆☆☆ بزرگداشت خاطره قهرمانی‌ها و دلاوری‌های این انقلابیون راستین خلق یک وظیفه‌عام انقلابی و میهنی است

در صفحه ۱۳

پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه اقیانوس هند امپریالیسم به سرکردگی آمریکا نیروهای خود را علیه انقلاب ایران و جنبش‌های استقلال طلبانه منطقه تجهیز کرده است در صفحه ۴

کوشش‌های ما
بنا کاش نشین‌ها
در صفحه ۲۶

فصل اول به استقبال اول ماه مه برویم
مروری بر تاریخچه

جنبش سندیکائی در ایران

☆ تاریخ جنبش کارگری ایران مالا مال از تجارب و درس‌های گرانقدری است که طبقه کارگر ایران باید از آن برخوردار باشد تا با گام‌های استوارتری در راه شکل و سازماندهی خود پیکار نماید تلاش در راه اخذ تجارب و آموزش‌های نوین از تاریخ جنبش کارگری ایران در شرایطی که طبقه کارگر سلاح شکل خود را بیش از پیش تیز می‌کند از اهمیت فراوانی برخوردار است.

در صفحه ۶

درانی شماره ۵
جنبش کارگری ایران
معیار وزارت کار برای تعیین حداقل دستمزد چیست؟
در صفحه ۱۸

بلغارستان در راه سوسیالیسم
در صفحه ۸

متحد شویم!
تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

نیروهای ترقیخواه باید از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب استقبال کنند

تأمین و تضمین آزادیهای سیاسی ضرورت انقلاب

آزادی فعالیت‌های سیاسی یکی از اهداف مهم انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهن ما بوده و هست. در نبود آزادی فعالیت‌های سیاسی برای نیروهای مردمی، ترقیخواه و انقلابی‌نه‌تنها اتحاد ضد امپریالیستی توده‌ها دچار آسیب‌های جدی می‌گردد و صفوف نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی دچار تفرقه و پراکندگی می‌شود، بلکه امپریالیسم و ایادی آن آنجا که آزادی فعالیت سیاسی برای مردم فراهم نباشد و یا این آزادی‌ها محدود باشد، فرصت می‌یابند به تحمیل توده‌ها و جلب آنان دست زنند، فرصت می‌یابند توطئه‌ها و نقشه‌های ضد انقلابی خود را به پیش برند و انقلاب را در مخاطره قرار دهند. نبود آزادی فعالیت‌های سیاسی، قطعا مانعی در راه ارتقاء آگاهی توده‌ها و رشد و تعمیق انقلاب است.

محدودیت آزادی‌های سیاسی برای پاره‌ای از نیروهای مردمی، ترقیخواه و انقلابی که به‌ویژه در دومین سال پس از انقلاب شاهد آن بوده‌ایم، آسیب‌های جدی به وحدت نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه میهن به‌وحدت نوده‌ها و بطور کلی به انقلاب وارد ساخته است. این محدودیت‌ها در خارج از میهن نیز در مواردی، چهره‌ای سوای چهره واقعی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق ما ترسیم کرده است.

با توجه به واقعیت‌های فوق بوده و هست که ما همواره دفاع از فعالیت‌های سیاسی و صنفی مردم ایران را از وظایف مهم خود شمرده و در راه آن مبارزه کرده و خواهیم کرد. بر همین اساس بود که ما در پیام نوروزی سازمان چنین نوشتیم:

"آزادی سیاسی نیروهای مردمی همان‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده تأمین و تضمین گـرـدـه و هرگونه گرایش تنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه مخالف گسترش آزادی‌های سیاسی و صنفی نیروهای مردمی، موجب تفرقه و تضعیف جبهه نیروهای وفادار به انقلاب و تقویت

نیروهای مخالف گسترش و تعمیق انقلاب می‌گردد." با انتشار اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب به نظر می‌رسد که تغییری در مشی جمهوری اسلامی نسبت به آزادی‌های سیاسی پدید آمده و این امید را برانگیخته است، که حکومت جمهوری اسلامی در جهت تأمین هرچه بیشتر آزادی‌های سیاسی مصرحه در قانون اساسی اقدامات لازم را به عمل آورد.

ما بمثابة یک سازمان سیاسی کشور مدتهاست برای فراهم شدن زمینه‌ای که بتواند آزادی فعالیت‌های سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی تأمین و تضمین کند، مبارزه کرده‌ایم و بارها اعلام داشته‌ایم که تضمین آزادی فعالیت‌های سیاسی براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، علیرغم نارسائی‌هایی که در این قانون وجود دارد، بخشی از حقوق دمکراتیک توده‌ها بوده و به تقویت جبهه انقلاب کمک می‌کند. اطلاعیه دادستانی انقلاب آزادی فعالیت‌های سیاسی همواره نیروهایی را که بخواهند بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت بپردازند، می‌پذیرد و بدیهی است که چنین اقدامی مورد استقبال همه نیروهای ترقیخواه میهن است.

ما ضمن آنکه اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب را اقدامی امیدبخش در جهت خواست توده‌های مردم و در جهت احترام به حقوق سیاسی مردم ایران می‌شماریم این اطلاعیه را داری ضعف‌ها و نارسائی‌هایی می‌دانیم که بی‌اعتنا بود و با توجه به اهمیت مسئله، آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

از جمله وظایف قانونی دادرها و دادستانی انقلاب، ایجاد شرایط مناسب جهت برخورداری از امکانات فعالیت برابر برای کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی در سطح کشور است. دادستانی کل انقلاب هدف فوق را در اطلاعیه تعقیب نموده و در بند ۱۰ اطلاعیه اعلام می‌دارد:

"کلیه احاد ملت و دستگاه‌های انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و

گروه‌هایی که فعالیت‌شان از طریق مقامات مسئول مملکتی غیرقانونی اعلام نشده، هستند.

و یا در بند ۹ می‌گوید: "کلیه احزاب و گروه‌ها اجازه مناظره و بحث‌های عقیدتی و سیاسی از طریق وسایل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا هستند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه برضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر نداده‌اند."

دادستان انقلاب بدین وسیله سعی در اجرای حکومت قانون و تحقق آزادی‌های سیاسی داشته است. بدیهی است که تأکید بر آزادی‌های سیاسی که به‌وضوح در جملات بالا دیده می‌شود، از نقاط قوت اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب است و مورد استقبال همه کسانی است که می‌خواهند آزادی‌هایی که قانون اساسی به رسمیت شناخته است، تأمین گردد، لیکن اطلاعیه فوق الذکر خود فاقد ضمانت اجرایی علی - الخصوص در قسمت بندهای ۱ و ۲ و ۳ اطلاعیه است. زیرا که تأمین آزادی‌های مندرج در بندهای ۹ و ۱۰ فوق‌الذکر مشروط به اجازه مقامات اجرائی شده است درحالیکه این مقامات خود موظف به رعایت قانون اساسی و تأمین شرایط مناسب برای آزادی‌های سیاسی هستند و چنانچه در قبال این آزادی‌ها همان‌گونه که تا به حال شاهد بوده‌ایم، قصور ورزند و در صدور مجوز تمایلات سیاسی خود را ملاک عمل قرار دهند، باید در برابر قانون مسئول شناخته شوند.

درست آن است که معلوم گردد اگر دستگاه‌های اجرائی برخلاف قانون و به بهانه‌های مختلف از صدور مجوز خودداری نمایند دادستانی انقلاب چه تمهیداتی می‌اندیشد و بطور کلی برای جلوگیری از اعمال نفوذ دستگاه‌های اجرائی و عدم رعایت اصل برابری احزاب چه تدابیری اتخاذ شده است بدون تردید نیروهای مردمی، ترقیخواه و انقلابی آزادی فعالیت‌های سیاسی را تنها در مسیر حفظ دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق انقلاب مردم

مورد تأکید قرار می‌دهند. اعمال خلافی که در بند ۷ اعلامیه دادستانی بدان اشاره شده و آزادی فعالیت سیاسی با آنها محدود و مشروط شده است مشمول جرائم مطبوعاتی است و طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی بایستی در محاکم دادگستری و با حضور هیئت منصفه رسیدگی شود.

و یا در مورد بند ۸ اطلاعیه دادستانی باید متذکر شویم که این درست است که اعتصاب و تحصن‌هایی که در جهت تضعیف استقلال و تضعیف جبهه مبارزه علیه امپریالیسم صورت می‌گیرد، نمی‌تواند مورد تأکید نیروهای ترقیخواه باشد و چنین اقداماتی باید از جانب تمامی نیروهای مردمی، ترقیخواه و انقلابی محکوم گردد لیکن تعمیم آن را در همه شرایط و زمان‌ها مغایر مصالح زحمتکشان دانسته و معتقدیم که اعتصاب و تحصن از

وسایل و ابزار طبقات زحمتکش در دفاع از حقوق خود، در قبال طبقات ستمگر است و در بعضی شرایط دقیقا موجب تعمیق انقلاب خواهد شد و از طرف دیگر اعتصابات و تحصن از حقوق زحمتکشان است و نمی‌توان آن را در ارتباط با آزادی‌های سیاسی احزاب و گروه‌ها نقض نمود و این نوع دیگری از قانون‌گریزی است که به نظر ما در صلاحیت این اطلاعیه نیست.

با همه این ضعف‌ها که شایسته است در جهت رفع آنها اقدام شود، اطلاعیه فوق را چه از جهت محتوی و چه از جهت شکل (قانون - گزاری) در مجموع اقدامی مثبت در جهت تأمین آزادی فعالیت‌های سیاسی می‌دانیم و از آن استقبال می‌کنیم. بعلاوه این اطلاعیه به کاهش تشنج‌ها و درگیری‌های سیاسی میان نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست کمک شایان توجهی می‌کند و قطعا در اصلاح سیاست برخی نیروهای ضد امپریالیست و انزوازی سیاست‌های انحرافی سخت‌موش خواهد بود.

ما بار دیگر در پاسخ به اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب اسلامی

اعلام می‌داریم که سازمان ما سازمانی سیاسی است که در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب، تعمیق انقلاب و ارتقاء آگاهی و شکل طبقه کارگر و زحمتکشان که ضامن حفظ و ادامه انقلاب است، مبارزه می‌کند و خواستار آزادی فعالیت سیاسی بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی است. ما اعتقاد داریم که تأمین آزادی‌های سیاسی برای نیروهای مردمی بدون تردید جبهه ضدانقلاب و سازشکاران را تضعیف خواهد کرد و در حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن نقشی چشم‌گیر خواهد داشت. وقتی "کار" ارگان سازمان ما بتواند آزادانه به افشای چهره ضدانقلاب، افشای ماهیت سرمایه‌داران لیبرال افشای توطئه‌های امپریالیسم و زدودن انحرافات دوستان انقلاب بپردازد، قطعا سود آن برای خلق ما و استقلال و آزادی ما است و زیان آن تنها برای امپریالیسم و دشمنان خلق متصور است، و وقتی همه نشریات و روزنامه‌های ترقیخواه و همه نیروهای ترقیخواه بتوانند آزادانه در خدمت انقلاب و مقابله با دشمنان انقلاب به فعالیت بپردازند، قطعا می‌توان با توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به گونه‌ای استوارتر و آگاهانه‌تر به مقابله برخاست ما پیشنهاد می‌کنیم بجای طرح لایحه احزاب که فعلا در مجلس شورا مورد رسیدگی است، با در نظر گرفتن موارد ضعفی که بدان اشاره کردیم، این اطلاعیه به صورت لایحه قانونی تأمین آزادی‌های سیاسی به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب ارائه شود تا با تصویب قانونی مترقی در سال جدید بتوان به تفاهم و هماهنگی بیشتر نیروهای انقلابی کمک نموده و زمینه را برای رشد و تعمیق هرچه بیشتر انقلاب فراهم ساخت.

تصویب قانونی مترقی بر اساس بندهای ۶ و ۹ و ۱۰ اطلاعیه و موارد فوق‌الذکر می‌تواند به وحدت نیروهای مترقی و ضد امپریالیست میهن یاری رساند و ضد انقلاب را منزوی گرداند.

با انقلاب بیا علیه انقلاب

راه را برای هنرمندان مسئول باز کنید

سینمای ایران از بدو پیدایش باستانهای معدود فیلمهای مرفعی و بیدار کننده که توسط هنرمندان متعهد و مسئول تهیه شده است آکنده و ملو از ساختههای مهوع ، مخدر و ضدانقلابی بوده است نظام وابسته حاکم برجامعه می کوشید تا با اشاعه هنر مومیایی شده و استعماری ، وجدان اجتماعی راز دستیابی به آگاهی و شعور و سنتهای مرفعی باز دارد و همزمان دست سرمایههای امپریالیستی را در چپاول مردم باز گذارد و کیسههای گشاد سرمایه داران و دلالان وابسته را پرتز نماید . تصمیم وزارت فرهنگ و آموزش عالی در اعلام طرح احیای صنعت سینمای ایران می تواند سرآغاز امیدبخشی در خاتمه دادن به این وضع نابسامان چه از لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ فرهنگی و هنری باشد . مهدی کلهر معاون فرهنگی وزارت مزبور طی یک مصاحبه مطبوعاتی رئوس این طرح را که قرار است پس از نظرخواهی عمومی برای تصویب به مجلس فرستاده شود به شرح زیر اعلام نمود :

" تقویت تولید داخلی با تکیه بر این نکته که در آینده گروهی به نام دلال فیلم خارجی و وارد کننده فیلمهای خارجی جدای از تولید داخلی نخواهیم داشت بلکه دولت خود فیلمهای مناسب خارجی را شناسایی کرده و جهت استفاده آنها به تولید کنندگان فیلم داخلی معرفی می کند . "

نامبرده اضافه کرد که :
" در طرح پیشنهادی وزارتخانه ، دولت نظارت بر ارکان فیلمهای سینمایی را بر عهده خواهد گرفت . " وی همچنین اظهار امیدواری کرد که برای جبران کمبود موجود فیلمهای داخلی هیئت هایی را برای دیدن فیلمهای خارجی بخصوص جهان سوم و کشورهای انقلابی به خارج از کشور اعزام کنیم . "

ما ضمن ابراز پشتیبانی از مضمون مرفعی طرح مزبور یادآوری این نکته را ضروری می بینم که پایان بخشیدن به ابتذال و انحطاط موجود در وضعیت سینمای ایران و کوتاه کردن دست آن دسته از تجار وارد کننده فیلم که هم و غمی جز بالا کشیدن سودهای سرشار ندارند علاوه بر اقدامات تصریح شده در طرح مزبور یعنی ملی کردن صنعت سینمای ایران و وارد کردن فیلمهای مرفعی نیازمند استفاده شایان از استعداد های هنرمندان مسئول ترقیخواه و مردمی ایرانی نیز هست . هنرمندانی که با خلق آثار قابل تحسین چه در دوران رژیم دیکتاتوری و چه پس از انقلاب نشان داده اند همپایا مردم و آرمانهای آنها هستند و خلق خود و سنتهای آن را می شناسند

۱۲۰۰ میلیارد سود، ۳۵ میلیارد مالیات

در جلسه دوشنبه ۱۷ فروردین مجلس ، در بحث پیرامون لایحه بودجه ، مهندس عزتاله سبحانی اظهاراتی نمود که چه به لحاظ مضمون آگاهگرانه و چه به لحاظ سمت گیری مثبت ایشان قابل تاکید و پشتیبانی است . اظهارات تکان

حتی از سوی حاکم شرع مبارزه با منکرات بابل " امان نامه " دریافت می کند . " امان نامه " در کف ، قاچاقچی مزبور به شغل سابق ادامه می دهد و مواد مخدر را از مرز افغانستان وارد می نماید .

این خبر بار دیگر نفوذ عوامل فاسد و مزدور را در نهادهای انقلابی به ویژه کمیته ها و سپاه پاسداران نشان می دهد . اینگونه اخبار که کم هم نیست هشداری است به مسئولان تا تصفیه افراد فاسد و ضدانقلابی از درون نهادها را جدی بگیرند ، همچنین هشداری است به کسانی که مانند حاکم شرع بابل که دست در دست چنین کسانی می گذارند ، و بالاخره هشداری است به مسئولان که با مبارزه با ضدانقلابیون افغانی که توسط فتوادلها و زمینداران افغانی تامین و پشتیبانی می شوند ، رفت و آمد آزادانه این عناصر را کنترل نمایند .

انقلاب زنده است

انقلاب بزرگ خلق ما همچنان زنده است ، پیام استقلال و دمکراسی کماکان بر لبان مردم جاری است و " مرگ بر آمریکا " شکوفه خجسته ای است که بر درخت رنج و آگاهی توده های بیشمار لبخند می زند . آری ، انقلاب زنده است و این حیات جانبخش را در فریادهای " مرگ بر آمریکا " ی مردم دزفول بر صفحه تلویزیون به هنگام دیدار هیئت صلح کنفرانس کشورهای غیر متعهد از خرابی های شهرستان به روشنی می شد دید . مردم دزفول ، مردم اهواز ، مردم جنوب و غرب کشور که اکنون بیش از شش ماه است در زیر آتش و گلوله و در کنار اجساد و خونهای جاری شهیدانشان و آوار خانه و کاشانه خود " زندگی " می کنند ، مردمی که علاوه بر همه این مصائب و آلام در زیر فشار تبلیغات مخرب ضدانقلاب متواری و رادیوهای رنگارنگ امپریالیستی و هزاران لیبرال وطنی آنها کوهوار ایستاده اند ، مردمی که گرانی و تورم و ، بیکاری را به خاطر انقلابشان تحمل کرده اند ، مردمی که انحصارطلبی ها و ندامت کاری ها ، اهانت ها و بی - سیاستی ها را ناظر بوده اند و هنوز زمانی که فرصتی می بینند که احساس خود را به خلق های جهان بگویند و شعله مرگ بر آمریکا از حنجره آنها زبانه می کشد ، این مردم زنده اند ، این مردم استوارند و به این دلیل هم انقلاب زنده و استوار است .

مسئله اساسی : صلح و استقلال است

روزنامه انقلاب اسلامی در شماره ۵۰۷ ، هجدهم فروردین ماه ، خود متن مصاحبه اختصاصی خبرنگار این روزنامه با وزیر امور خارجه ویتنام را به چاپ رسانیده است . این مصاحبه که در زمان برگزاری کنفرانس کشورهای غیر متعهد در دهلی نو انجام شده دارای جوانب و نکاتی آموزنده است که باید آموخته شود . ویتنام انقلابی ، چه در دوران جنگ های غرور انگیز و رهایی بخش و چه در دوران ساختمان ویتنام آزاد و دمکراتیک در شمال و پس از آن در جنوب کشور به حق ، الگوی برجسته ای برای جنبش های رهایی بخش و حکومت های ترقیخواه و انقلابی بوده و هست . هیچ جنبش هیچ رزمنده مسئول و ضدامپریالیستی ، هیچ جنبش و جریان پیکارجوی ترقیخواهی و هیچ کشور انقلابی یافت نشده است که بارها قهرمانی ها و واراده آهنبین این مردم آگاه راستایش نکرده باشد و خود را از افق های روشنی که ویتنام انقلابی برای خلق های استقلال طلب و ضدامپریالیست به ارمغان آورده است بی نیاز بداند .
بقیه در صفحه ۲۵

دهنده عزت الله سبحانی از آن رو قابل توجه است که نامبرده پس از انقلاب در مقام مسئول سازمان برنامه فعالیت می نمود و با واقعیتها تماس بیشتری داشته است . وی در بخشی از سخنان خود گفت :

" بخش خصوصی بدون استثناء سودبرده است به اعتراف خودشان در بخش تجارت به خود بنده گفتند سودی که در این ۲ ساله بخش تجارت برده است در تاریخ ایران نظیر نداشته است . . بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است "

نکته قابل توجه اینجاست که در مقابل این سود کلان ، تجارتها ۳۵ میلیارد ریال یعنی چیزی در حدود ۳ درصد مالیات پرداخته اند . در اعتراض به این چپاول آشکار سبحانی اضافه کرد :
" بخش خصوصی در این زمینه به دولت و ملت بدهکار است ، باید امسال از آنها بگیریم . . . باید به طرز انقلابی این وضع اصلاح شود و این تنها کارمندان و کارگران هستند که مالیات خود را می دهند چرا که دولت در حقیقت از آنها بر می دارد از حقوقشان کم می کند و درآمد آنها پایین می آید . "

البته سیستم مالیاتی در جمهوری اسلامی باید به نحو عادلانه ای تنظیم شود اما واقعیت این است که سیستم مالیات عادلانه به تنهایی سد کننده حرص و آز بی پایان تجار نخواهد بود . طعم خوش میلیاردهای یادآورده که از کیسه زحمتکشان ایرانی در آمده است شیرین تر از آن است که تلاشهایی چون تنظیم و استقرار نظام مالیاتی جدید بتواند به تنهایی بر حرص سیری ناپذیر تجار بزرگ و اصحاب سرمایه فائق آید . موثرترین راه برای پایان بخشیدن به باجگیری هنگفت تجار و دلالان بزرگ اجرای قطعی انقلابی و سریع طرح ملی کردن تجارت خارجی است . !

قاچاقچی حرفه ای در لباس پاسداران

مامورین تجسس اداره آگاهی تهران یکی از قاچاقچیان حرفه ای مواد مخدر را که در رژیم گذشته ۷ سال زندانی بوده دستگیر کرده اند . این شخص که " علی اصغر - محمد نجار نام دارد با ۸ کیلو هروئین به دام مامورین آگاهی افتاد . او پس از انقلاب با نفوذ در نهادهای انقلابی به صورت پاسدار کمیته انقلاب اسلامی بابل درآمد و جالب اینکه مسئولیت او نیز در کارت شناسایی اش " مأمور اجرایی " تعیین گشته بود . هنگام دستگیری ، مدارک زیر از قاچاقچی مزبور بدست آمد :

کارت شناسایی از دادگاه انقلاب اسلامی بابل حکم ماموریت به مقصد خرم آباد به منظور حمل مایحتاج آوارگان جنگی حکم امان نامه از حاکم شرع بابل و حکم اجرای ماموریت برای کشف مواد مخدر از قاچاقچیان از سوی حاکم شرع منکرات شهرستان بابل و سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر . این شخص در اردیبهشت ماه سال گذشته به جرم حمل ۸ کیلو هروئین تحت تعقیب قرار می گیرد ولی از دایره مبارزه با منکرات بابل تقاضای عفو !! کرده و عفو وی پذیرفته شده

پایگاههای استراتژیک امپریالیزم امریکا

در منطقه اقیانوس هند

استراتژی ایالات متحده آمریکا در منطقه اقیانوس هند که طی سالهای دهه هفتاد در جهت افزایش قدرت نظامی تدوین گردید ، در این اواخر با ایجاد شبکه پرشاخه پایگاههای نظامی آمریکا که عملاً تمام پهنه اقیانوس هند و بخشهای مجاور آن را دربر گرفتهاند توسعه بیشتری یافته است .

ایالات متحده آمریکا حکمرانی در منطقه اقیانوس هند را وظیفه اساسی خود دانسته و از هیچ کوشش نهان و آشکاری برای جلوگیری از جریانهای اجتماعی - اقتصادی " نامطلوب " در کشورهای ساحلی (مثلاً در ایران) که به لغو تسلط و نفوذ آمریکا می انجامند و انحصارات آمریکایی را از امکان غارت ثروت های ملی دول رو به رشد نوبنیاد محروم می سازند ، فروگذار نمی کند بطور کلی در مجموعه وسایلی که ایالات متحده آمریکا در نظر دارد برای اجرای مواد اساسی دکترین سیاست خارجی خود در منطقه اقیانوس هند مورد استفاده قرار دهد . به موازات ایجاد " نیروهای واکنش سریع " و جلب متحدان آمریکایی برای شرکت در تامین منافع آمریکاییها در منطقه ، توسعه پایگاههای نظامی در اراضی کشورهای ساحلی و همجوار آن مقام مهمی دارد . بطوری که معادل ۲۵ - ۲۰ میلیارد دلار از بودجه نظامی آمریکا طی پنج سال آتی اختصاص به تامین تدابیری جهت تشدید حضور نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند خواهد یافت .

آمریکا برای تامین مادی و فنی و سیاسی این سیاست تدابیری جهت ایجاد پایگاهها و تکیه گاههای نظامی جدید اتخاذ نموده که به نیروهای دائماً در حال فعالیت هوایی و دریایی آمریکا و همچنین در صورت " بحران " به نیروهای گسترش سریع خدمت نمایند .

به موازات این ، سردمداران استراتژی پنتاگون فعالیت خود را در استفاده از پایگاههای نظامی کشورهای مجاور اقیانوس هند ، شدت بخشیدند در نتیجه چند سلسله پایگاههای مهم استراتژیک بوجود آمدند که شبکه پرشاخه پایگاههای نیروهای هوایی دریایی را در منطقه تشکیل می دهند . یکی از این سلسلهها یا خط تجاوزی از ساحل غربی اقیانوس هند می گذرد و تکیه گاههای آمریکا را در کشورهای نظیر کنیا ، سومالی و عمان دربر می گیرد ، دیگری که این بخش را از شمال غربی می پوشاند از ترکیه ، مصر ، اسرائیل و عربستان سعودی می گذرد ، و سومی قدرت مانور ایالات متحده آمریکا را در بخش خاوری حوزه اقیانوس هند - استرالیا و فیلیپین تامین می نماید . در جنوب ، پایگاههای نظامی جمهوری آفریقای جنوبی در اختیار پنتاگون قرار داده شده و در جزیره دیاگوگارسیا بزرگترین پایگاه نیروهای هوایی و دریایی آمریکا در این منطقه قرار دارد که نه تنها برای هماهنگ ساختن و هدایت واقعی کلیه عملیات نیروهای مسلح آمریکا در منطقه اقیانوس هند در نظر گرفته شده ، بلکه در عین حال به سیستم ارتباط سراسری پنتاگون نیز متصل گردیده است .

الف - خط اول : تجاوز بخش غربی

آنچه که به خط غربی تجاوز مربوط است آن است که ایالات متحده آمریکا در نتیجه تشدید بحران روابط آمریکا و ایران ، ایجاد آن را تسریع

کرد . در اواخر سال ۱۹۷۹ آمریکا هیتهایی مرکب از نمایندگان رسمی واشنگتن و همچنین کارشناسان فنی را به کنیا ، عمان ، سومالی و نیز عربستان سعودی گسیل داشت که درباره مسائل گوناگون مربوط به استفاده از نیروهای مسلح ایالات متحده از این پایگاهها مذاکراتی انجام دادند . در زیر به پایگاههای آمریکا در خط غربی اشاره رفته است :

۱- عمان

متخصصین استراتژی آمریکا برای عمان مقام ویژه ای قائلند . موافقتنامه آمریکا و عمان که در اوائل ژوئن سال ۱۹۸۰ به امضاء رسید واگذاری پایگاههای هوایی و دریایی واقع در عمان به واشنگتن را پیش بینی می کرد . بر اساس این موافقتنامه ، پنتاگون تعدادی از نظامیان خود را برای انجام کارهای مربوط به گسترش واحدهای نظامی به این کشور گسیل داشت .

" سلطان قابوس " با امضای این موافقتنامه همان اختیاراتی را که انگلستان در زمینه همکاری نظامی داشت (انگلستان تجهیز کننده سنتی ارتش عمان بود و همچنین این ارتش را از لحاظ فرماندهان و کارشناسان فنی تامین می کرد) در اختیار آمریکا قرار داد .

مجله آمریکایی " تایم " ضمن اشاره به اهمیت استراتژیکی پایگاههای عمان و اعتراف به تلاش آمریکا در تبدیل عمان به " محافظ " تنگه هرمز نوشت :

" یک آتشبار توپخانه و یا موشک در ساحل عمانی تنگه هرمز کافی است که حمل و نقل نفت راز طریق آن کاملاً زیر نظارت بگیرد

این نخستین بار نیست که از طرحهای تجاوزکارانه آمریکا این چنین مقام مهمی به عمان و پایگاههای نظامی آن واگذار می شود . در سال ۱۹۷۴ عمان در عوض کمکهای نظامی موافقتنامه ای با آمریکا امضاء کرد که به موجب آن آمریکا استفاده منظم از فرودگاه عظیم جزیره " مصیره " را برای پروازهای اکتشافی بر فراز خلیج فارس و اقیانوس هند را آغاز کرد و ناوهای جنگی آمریکا حق ورود به بنادر عمان را جهت سوختگیری و توقف بدست آوردند . علاوه بر این در پائیز سال گذشته عمان به دستور آشکار کاخ سفید به اصطلاح " طرح فنی حفاظت از امنیت در منطقه خلیج فارس " را پیشنهاد کرد . به موجب این طرح " سیستم امنیتی " با شرکت آمریکا انگلستان ، جمهوری فدرال آلمان غربی و برخی رژیمهای محافظه کار عرب بوجود می آمد . مطابق این طرح کشورهای سرمایه داری حق استقرار نیروهای مسلح خود در کشورهای ساحلی خلیج فارس را بدست می آورند و در واقع صحبت از تلاش استتار شده ای جهت سرهم بندی یک پیمان نظامی امپریالیستی در میان بود . به کشورهای عربی پیشنهاد می شد نه تنها داوطلبانه به اشغال اراضی خود رضایت نه بلکه هزینه های مربوط به آن را نیز بپردازند . " طرح عمان " رد شد .

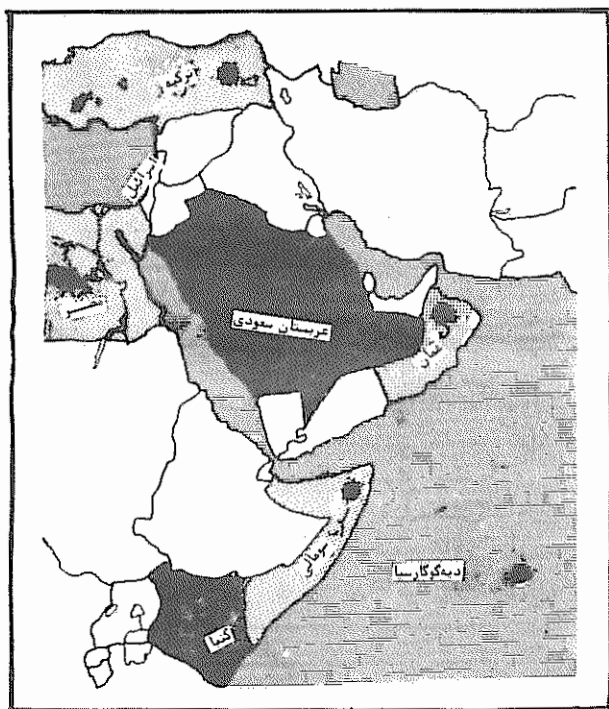
به هنگام عملیات راهزانه ای که پنتاگون در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ به بهانه نجات دیپلماتهای آمریکایی (ولی در حقیقت به منظور حمایت از ضدانقلابیون ایرانی که سرگرم تدارک کودتا بودند) علیه ایران انجام داد ، عمان از جانب نظامیان آمریکایی به مثابه یکی از سرپلها برای توسل به

این تجاوز برگزیده شد . روزنامه " بوستون کلوب " در ارتباط با این مطلب نوشت که :

" ۶ هواپیمای سی - ۱۳۰ با ۹۰ چترپاز برای تکمیل سوختگیری در جزیره مصیره فرود آمدند " هرچند ظاهراً این عمل با شرایط موافقتنامه آمریکا و عمان میبایست داشت معزداً به زودی ، بعد از آنکه کاخ سفید به سرعت نماینده خود را با وعده افزایش کمک نظامی و اقتصادی برنامه ریزی شده به میزان ۱۰۰ میلیون دلار به عمان گسیل داشت ، مطلب پرده پوشی گردید .

۲- سومالی

استراتژی آمریکا به سومالی نقش مهمی واگذار می کند به عقیده پنتاگون ، شاخ آفریقا از این که نظارت بر تنگه باب المندب (متصل کننده دریای احمر به اقیانوس هند) را تامین می نماید از اهمیت استراتژیکی زیادی برخوردار است . در نوشته استراتژی آمریکا ، به شاخ آفریقا همانند بخشی



از ساحل اقیانوس هند و دروازه های به آفریقای مرکزی نظر افکنده می شود که از طریق آن می توان سیاست تجاوزکارانه نواستعماری را به مرحله اجرا درآورد .

در اوت ۱۹۸۰ ایالات متحده قراردادی با سومالی منعقد کرد که به موجب آن به نیروهای مسلح آمریکا اجازه داده می شد از بندر بربره و برخی دیگر از نقاط سومالی برای تامین اکتشافات دریایی ، سوختگیری ، استقرار به موقع مهمات جنگی و همچنین برای خدمات مادی و فنی در صورت عملیات احتمالی نیروهای هوایی و دریایی آمریکا در بخش خلیج عدن و دریای احمر استفاده نمایند .

در برابر حق استفاده از این پایگاهها دولت سومالی ابتدا کمکهای نظامی و اقتصادی به میزان دو میلیارد دلار طلب کرد که البته در نظر داشت آن را اساساً به مصرف خرید جنگ افزارهای آمریکایی برساند بر اساس موافقتنامه ای که میان آمریکا و سومالی منعقد گردیده ، آمریکا حق استفاده از

کردستان در سالی که گذشت

قسمت دوم

خواسته های عادلانه مردم کردستان همچنان بی پاسخ مانده است

ب- کومه له :

این گروه همزاه دیگر گروه های دورو برش در سالی که گذشت همچنان به ماجراجویی در کردستان ادامه دادند . در کمتر شهری بود که آنها آشوب بپا نکنند و جان مردم بیگناه را به خطر نیاندازند . کومه له در طی این سال همواره و در همه حال تلاش کرده است که در حرکات ضدانقلابی از برادر بزرگ خود عقب بماند و بدین جهت این گروه که در دسیسه چینی ها و ساخت و پاخت با محافل وابسته و رژیم های ارتجاعی به منظور ضدیت با انقلاب و جمهوری اسلامی به پای برادر بزرگ خود نمی رسید ، این کمبود را با حرکات آنارشیستی و جنگ افروزانه جبران کرده است .

کومه له که از اتهام وابستگی به رژیم صدام در انظار مردم ترسان است ، عموماً امکانات تسلیحاتی خود را از طریق فتوئدال ها و شیوخی که با رژیم صدام تماس مستقیم داشتند دریافت نموده و گاه نیز برنامه نمایشی خلع سلاح این شیوخ را اجرا می کرد . از جمله مزدورانی که امکانات نظامی از رژیم صدام گرفته و در اختیار کومه له می گذاشتند می توان از " شیخ جلال حسینی برادر شیخ عزالدین " ، " شیخ الاسلامی " نماینده مجلس شاه ونیز " حامد بیگ " معدوم نام برد .

کومه له که از آغاز جنگ ایران و عراق اعلام کرده بود هر دو رژیم ایران و عراق ضد خلقی هستند و باید با هردو مبارزه کرد ! در جریان جنگ حملات خود را به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در حال نبرد با ارتش مزدور صدام بودند تشدید کرده و عملاً در کنار مزدوران صدام قرار گرفت . درباره عملکرد گروه های متحد کومه له نظیر " پیکار " ، " رزمندگان " و ... در یک سال گذشته جز اینکه همه آنها اعضای شرمگین ارکسری بودند که رهبری آن در دست امپریالیسم آمریکا بود و بارها آهنگ سرنگونی جمهوری اسلامی و شکست انقلاب را خواندند چه چیز دیگری می توان گفت ؟ باند قاسملو که از دخالت های این گروه ها در امور " اجرایی " ناراضی است در طول سال گذشته بارها آنها را گوشمالی داده است و این گروه ها نیز خجولانه و با عجز و لایه از قاسملو نقاضا کرده اند که " دموکراسی " را محترم شمرده و به آنها نیز اجازه بدهد علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنند آخرین نمونه نقض " دموکراسی " از جانب باند قاسملو ، حمله آنها به مقر گروهک " پیکار " در بوکان بود که طی آن سه نفر پیکاری کشته و تعدادی مجروح و خلع سلاح شدند .

ج - شیخ عزالدین حسینی و دوستان !

در طول سال گذشته نیز مانده سابق از موضع کومه له حرکت کرد . در طی این سال " شیخ بارها مردم را به سرنگونی جمهوری اسلامی دعوت کرده است . شیخ معتقد است که آمریکایی

در کار نیست و گفته است که :

" من در کردستان امپریالیسم نمی بینم !! " شیخ عزالدین بر طبق تحلیل های کومه له ! هر " دوجناح هیات حاکمه " را ضد خلقی می داند لیکن بدش نمی آید هر از چند گاه یکبار از طریق " حزب خلق مسلمان " با لیبرال ها تماس برقرار کند .

شیخ عزالدین پس از مدت ها شهرت یادکنی که به وسیله محافل چپ - لیبرال به هم زد ، در طی سال گذشته تا حدودی به انزوا کشیده شد . این امر مربوط به پاره های افشاکری ها که حکایت از روابط مشکوک وی با رژیم سابق می کرد و نیز عدم استقلال فکری و وابستگی او به کومه له بوده است . علاوه بر شیخ عزالدین : سال گذشته شکل های ضد انقلابی حول شیوخ ، فتوئدال ها و برخی مزدوران رژیم سابق در منطقه فعالیت وسیعی را علیه انقلاب ایران آغاز کردند خود فروختگانی چون " پالیزبان " ، " اویسی " ، " صیادیان " بر خرابکاری خود با اسنخدام تعداد بیشتری مزدور بخصوص در مناطق پاوه ، نوسود و اورامانات افزودند . فعالیت های ضد انقلابی خوانین ، فتوئدال ها ، شیوخ و روسای عشایر مانند : دارو دسته مزدور رزگاری ، دارو دسته مزدور حامد بیگ معدوم و حسن آغای جوانمردی معدوم ، دارو دسته مزدور شیخ جلال حسینی ، شیخ محمد کرچنه عوامل و پایدی وابسته به خان های مزدور سنجابی ، دارو دسته مزدور جهانگیرخان دری ، خورشید بیگ ، رشید بیگ و ... نیز بیش از پیش با همکاری باند قاسملو کسرش یافت .

علاوه بر دسناجات ضد انقلابی خوانین ، فتوئدال ها و شیوخ افسران فراری ارتش شاهنشاهی و عناصر فراری ساواک و وابسته به رژیم شاه مخلوع نیز کردستان را محیط مناسبی برای فعالیت های ضد انقلابی خود تشخیص داده و تاکنون در اشکال گوناگون و به نام های مختلف دست به توطئه زده اند . مزدورانی چون سرهنگ سمکو ، علیار ، سرگرد کریم علیار ، سروان حاتم ، سرهنگ قادری و دهها افسر فراری دیگر که با باند قاسملو رابطه نزدیک دارند ، شکل هایی چون " ارتش آزاد ایران " ، " ارتش ملی ایران " ، " افسران دموکرات " و ... را بوجود آورده اند این تشکل های ضد انقلابی با برخی عناصر و افسران ضد انقلابی که در پادگان ها ظاهراً مشغول خدمت به مردم هستند رابطه داشته و سال گذشته ما شاهد فرار و پیوستن عده ای از این عناصر به باندهای ضد انقلابی بودیم . همچنین در تابستان ۵۹ در پادگان پیرانشهر یک شبکه براندازی از این عناصر برای دست زدن به حرکات ضد انقلابی و خرابکارانه تشکیل شده بود که با هوشیاری پرسنل انقلابی کشف و خنثی شد علاوه بر اینها از عناصر و محافل ضد انقلابی دیگر که اکثراً از ساواکی ها و عناصر وابسته به رژیم سابق بودند ، از جمله دارو دسته " علی

قاضی " ، معروف به کوری رهش ، باند معبودی محرر و مراد قطاری توفیق مریوانی و ... می توان نام برد .

د - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

(اکثریت)

و مسئله کردستان

بدون شک نقد سیاست های سازمان کردستان نمی تواند جدا از نقد بینش عمومی حاکم بر سازمان و بررسی پروسه تصحیح خطا و جهت گیری اصولی به سوی مواضع پرولتری باشد ما دیدگاه ها و بینش گذشته را مورد نقد و بررسی قرار داده و مواضع اصولی خود را در سطح جنبش اعلام کرده ایم .

سال گذشته سال تغییرات مهم در سیاست های ما در برخورد با مساله ملی در کردستان بود . ما شعار صلح را که در پائیز ۵۸ مطرح ولی عملاً حرکتی جدی در جهت تحقق آن نکرده بودیم . در سال گذشته با تمام امکانات خود در سطح کشور و در بین توده های مردم کردستان تبلیغ و ترویج کردیم . ما ضرورت برقراری صلح را بویژه در شرایطی که توطئه های فراوانی برای نابودی انقلاب از جانب امپریالیسم امریکا صورت می گرفت بخوبی درک کرده بودیم و تلاش فراوانی از طرق مختلف برای دستیابی به یک راه حل عادلانه برای مساله کردستان مبدول داشتیم . ما در این جهت جدا از توضیح و تشریح ضرورت برقراری صلح در کردستان ، اقدامات جدی و عملی دیگری از جمله : خارج کردن نیروهای سازمان از صحنه درگیری های کردستان و شرکت فعال در مبارزه علیه تجاوز رژیم صدا ، آزادی بدون قید و شرط کروگان هایی که در اختیار داشتیم ، تماس با مسئولین دولت جمهوری اسلامی و تشریح اهمیت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان و تامین خواست های خلق کرد در چهارچوب جمهوری اسلامی و همکاری در جهت جلوگیری از تشدید مخاصمات با حزب دموکرات قبل از اینکه باند قاسملو کاملاً مسلط شده باشند .

پس از اعلام این سیاست باند قاسملو و سایر گروه های آشوب طلب بشتت با سیاست اصولی سازمان به مقابله برخاستند و علیه ما دست به توطئه زدند . که در جریان یکی از توطئه ها رفیق " رضا پیرانی " توسط باند قاسملو - دسنة او باش سرگرد ضد انقلابی " کریم علیار " به شهادت رسید . البته باند قاسملو و سایر گروه های مشابه ، این سیاست اصولی سازمان را که در جهت منافع انقلاب ایران و تامین حقوق

بهبه در صفحه ۲۴

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



(قسمت اول)

به استقبال اول ماه مه برویم

مروری بر تاریخچه جنبش سندیکائی در ایران

● بررسی تاریخچه جنبش سندیکائی ایران از جمله وظایف خطیری است که در مقابل پیشروان طبقه کارگر ایران قرار دارد. این بررسی به ویژه در شرایط کنونی که جنبش کارگری میهنمان پس از یک ربع قرن تشتت و پراکندگی سرانجام در پرتو دستاوردهای شکوهمند انقلاب، در آستانه پی‌ریزی تشکلهای سندیکائی راستین خود قرار گرفته است، حائز اهمیت است. کارگران ایران که در جریان مبارزات صنفی - سیاسی روزمره‌شان بتدریج ضرورت تجهیز به سلاح شکل را دریافته و درمی‌یابند، ضروری است این نکته اساسی را نیز بیاموزند که باید این سلاح را در گوره تجارب تاریخی و سنن مبارزاتی گذشته آبدیده گرد تا صلابتش صدچندان شود.

بررسی تجارب تاریخی جنبش کارگری ایران به طبقه کارگر میهنمان می‌آموزد که در مبارزات صنفی - سیاسی خویش از کدام بیراهه‌ها باید حذر کند و در کدامین راه‌ها باید گام گذارد. پاسخ به این ضرورت مبرم وظیفه‌ای است که بیش از همه برعهده انقلابیون کمونیست و به‌ویژه سازمان ما قرار دارد. آنچه که در این مقاله می‌آید، مروری است بر جنبش سندیکائی ایران و گوششی است مقدماتی در راه اخذ تجارب و آموزش‌های نوین از آن.

حزب کمونیست ایران عمدتاً از این مراکز کارگری سر برآوردند. در این سالها دهها هزار کارگر ایرانی در صنایع نفت باکو، بندرگاه‌ها، معادن و کارخانجات قفقاز به کار اشتغال داشتند. آشنائی و تماس مداوم آنها با جنبش کارگری و سوسیال - دمکراتیک روسیه و شرکت فعالانه بخشی از آنان در جنبش‌های اعتصابی کارگران، انتقال این تجارب مبارزاتی از طریق آمد و رفت آنها به ایران، به تدریج در ارتقاء آگاهی و سازمان‌یابی صنفی کارگران ایران و اعتلای جنبش نوپای کارگری میهنمان اثر بسزائی نهاد.

در سالهای پیش از انقلاب مشروطیت سالیانه در حدود ۲۰۰ هزار نفر از نقاط مختلف به خصوص آذربایجان، گیلان و خراسان برای کار به روسیه می‌رفتند. در حدود ۵٪ مجموع کارگران موسسات قفقاز و ۵۰٪ کارگران نفت باکو را کارگران ایرانی تشکیل می‌دادند که در کلیه جنبش‌های کارگری نیز شرکت فعال داشتند. در آستانه انقلاب مشروطیت، در نتیجه اعتصابات وسیعی که در این مراکز صنعتی رخ داده بود، تعداد بسیاری از کارگران ایرانی که در این صنایع کار می‌کردند، اخراج شدند و به ایران مراجعت نمودند. بخشی از آنان که در مکتب مبارزات کارگری و سوسیال دمکراتیک روسیه پرورش یافته بودند، در انقلاب مشروطیت نیز فعالانه شرکت جستند و منشاء تأثیرات مهمی در جنبش‌های دمکراتیک و کارگری میهنمان شدند. انقلاب مشروطیت نیز که نقطه عطف درخشانی در مبارزات دمکراتیک توده‌های مردم علیه استبداد قاجار و سلطه‌جویی استعماری انگلیس و روسیه تزاری بود، بنوبه خود توانست چشم‌انداز نوینی از اعتلای مبارزات دمکراتیک و کارگری را پیش روی زحمتکشان قرار دهد. با شکاف بزرگی که دیوار ارتجاع قاجار در اثر انقلاب مشروطیت برداشت، موازین حقوقی و رشکسته فتوئالی نیز جای خود را به ضوابط انقلابی نوینی داد که در آن فیان می‌توان از حق برگزاری اجتماعات و تجمعات صفوف و اقشار مردم را نام برد. این حق انقلابی، روند عینی شکل‌گیری نخستین تشکلهای کارگری ایران را بنوبه خود تسریع کرد.

تحت چنان شرایط عینی و ذهنی بود که نطفه‌های وحدت سندیکائی کارگران ایران شکل گرفت و بارور شد. بدین ترتیب در دومین سال پیروزی انقلاب مشروطیت اولین سندیکای کارگری در تاریخ جنبش کارگری ایران ایجاد می‌گردد.

دوره اول (۱۳۰۴ - ۱۲۸۷) جنبش سندیکائی در آغاز راه خود

انقلاب مشروطیت بنوبه خود زمینه مساعدی بعه در صفحه ۱۱

مقدمتاً زمینهای تکوین جنبش کارگری و سپس شرایط عینی شکل‌گیری سندیکاها را بررسی و اجمالاً شرح دهیم:

۱- انحطاط و فروپاشی روابط فتوئالی (که با شکل‌گیری تدریجی مناسبات بورژوازی نیز همراه بود) تشدید بحران‌های اقتصادی و فشارهای کمرشکن مالیاتی، فقر و فلاکت توده‌های وسیع دهقانان و زحمتکشان شهری را به دنبال داشت. بخش وسیعی از توده کشاورزان و به‌ویژه پیشه‌وران جزء به تدریج در اثر تشدید بحران مقروض و ورشکست شده و وسائل تولیدشان را از کف دادند به عبارت دیگر از صف فروشندگان کالا و محصول کار، خارج شده و به صفوف فروشندگان نیروی کار (یعنی کارگران) پیوستند. بدین ترتیب در نیمه دوم قرن نوزدهم دو عامل اولیه و ضرور در شکل‌گیری طبقه کارگر فراهم شد:

۱- جدا شدن تولید کننده از ابزار تولید (تبدیل بخشی از پیشه‌وران و دهقانان به کارگر).
۲- انباشت اولیه سرمایه (توسط تجار و صاحبان صنایع کارگاهی).

روشن است که پیدایش و تکامل مناسبات سرمایه‌داری، محصول پیوند سرمایه با نیروی کار یا به عبارت دیگر استثمار کار مزدوری توسط سرمایه است اما از آنجا که به دلایل متعدد تاریخی و سیاسی (که در اینجا مجال بحث آن نیست) بورژوازی ایران نتوانست به بورژوازی متکی بر صنایع بزرگ تحول یابد، به تبع آن پابپای افزایش کمی کارگران، حجم سرمایه‌های صنعتی افزایش پیدا نکرد از این رو سرمایه‌ها قدرت جذب نیروی کار وسیع را نداشتند و ناگزیر بخش وسیعی از توده کارگران در جستجوی کار به ممالک دیگر (هندوستان، عثمانی، زنگبار، مصر و به‌ویژه روسیه تزاری) مهاجرت نمودند و علیرغم آنکه با ایجاد نخستین صنایع ماشینی و گسترش برخی کارگاه‌های تولیدی در ایران، به تدریج توده‌های کارگر به مفهوم جدید آن در شهرهای بزرگ مثل تهران، تبریز، اصفهان، انزلی و... به وجود آمدولی ثقل جنبش کارگری ایران در ابتدا عمدتاً در خارج از مرزهای ایران و به‌ویژه در معادن و کارخانجات باکو و قفقاز بود. نخستین پیشگامان جنبش کارگری و بنیان‌گزاران

جنبش سندیکائی ایران را از آغاز شکل‌گیری تا کنون می‌توان به پنج دوره متفاوت تقسیم کرد:

- ۱- از ۱۲۸۷ تا ۱۳۰۴
- ۲- از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰
- ۳- از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲
- ۴- از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷
- ۵- از ۱۳۵۷ تا کنون...

در دوره اول، نخستین سندیکاها و اتحادیه‌ها شکل می‌گیرند و به تدریج به مرحله اعتلاء و رونق خود گام می‌گذارند که نقطه اوج آن سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ است. دوره دوم با آغاز دیکتاتوری رضاشاه و غیرقانونی شدن تشکل و مبارزه اتحادیه‌های در سال ۱۳۰۴ آغاز می‌شود و از هم‌پاشیدگی اتحادیه‌ها و رکود مبارزات سندیکائی را به دنبال می‌آورد. این دوره تا سال ۱۳۲۰ طول می‌کشد. در دوره سوم که با سقوط دیکتاتوری رضاشاه آغاز می‌شود، جنبش کارگری - سندیکائی ایران پابپای جنبش دمکراتیک توده‌ها جان تازه‌ای می‌گیرد. سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در مقیاسی به مراتب وسیع‌تر از گذشته شکل می‌گیرند و پایه‌هایشان را تحکیم می‌نمایند در دوره چهارم با کودتای امپریالیستی ۱۳۳۲، باردیگر با سرکوب جنبش دمکراتیک و کارگری ایران توسط رژیم شاه، جنبش سندیکائی به حالت رکود در می‌آید و جای تشکلهای کارگری را سندیکاهای ارتجاعی آریامهری می‌گیرند و تشکیلات فرمایشی "سازمان کارگران ایران" به عنوان یک فدراسیون و اتحادیه ملی کارگری به کارگران ایران تحمیل می‌شود و بالاخره در دوره پنجم که با سرنگونی رژیم مزدور شاه و پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ آغاز گر مرحله نوینی در جنبش کارگری ایران می‌شود، چشم‌انداز امیدبخشی را در راه تکامل تشکلهای صنفی - طبقاتی پیش روی طبقه کارگر ایران می‌گشاید. در این مقاله ما خواهیم کوشید تا مختصات و ویژگی‌های عمده هر یک از مراحل فوق را اجمالاً بررسی نمائیم. لازم به تذکر است که محور اصلی بررسی ما بیش از آنکه جنبش کارگری بطور اعم باشد، مشخصاً جنبش سندیکائی کارگران ایران است. ولی قبل از آنکه چگونگی تکوین و اعتلای جنبش سندیکائی در ایران را بررسی کنیم، ضروری است

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

آذربایجان - میاندوآب :

توقف بند (ج) موجب افزایش فشار فئودال های میاندوآب بر هیئت های ۷ نفره و انحلال شوراهای روستائی گشته است

آذربایجان - ارومیه :

روستائیان زحمتکش (جلبر) خواهان خلع سلاح فئودال ها و اجرای بند (ج) می باشند

هیئت هفت نفره میاندوآب از آغاز اجرای اصلاحات ارضی همچون دیگر هیات های واگذاری در سراسر ایران ، دست به اقدامات وسیعی ای در جهت خلع ید از فئودال ها و بزرگ زمینداران زده است . حوزه عملکرد هیات واگذاری زمین در میاندوآب مناطق صاعین دژ ، تکاب و برخی دیگر از روستاهای میاندوآب بوده است . این هیات تاکنون ۱۵۰۰ هکتار از زمین های مراتع کنار رودخانه زرینه رود ، ۳۵۰ هکتار از زمین های حومه صاعین دژ ، و صدها هکتار زمین دیگر را از مالکین مصادره و در اختیار روستائیان زحمتکش قرار داده است . از جانب دیگر در روستاهای اطراف میاندوآب پس از انقلاب شوراهایی بوجود آمده اند که تاکنون اقدامات موفقی در جهت نیاز های اساسی روستائیان زحمتکش به عمل آورده اند . این شوراها به علت همکاری با کمیته تقسیم زمین سازندگی ، هیئت واگذاری زمین و سایر نهادهای انقلابی و تلاش های خستگی ناپذیر در جهت تقسیم کوپن و ارزاق عمومی و جمع آوری کمک برای جبهه های جنگ مورد حمایت وسیع دهقانان منطقه به عمل آورد .

روستای "جلبر" یکی از روستاهای منطقه "دیژ چلدل" است منطقه دیژ چلدل تقریباً در ۴۰ کیلومتری شهر ارومیه و در امتداد جاده ارومیه - مهاباد واقع شده و دارای تعدادی روستاهای گردنشین و ترک نشین می باشد . در روستای "جلبر" حدود ۶۰ خانوار ترک زبان سکونت دارند . گرچه زمین های این روستا در زمان شاه خانی مشمول "اصلاحات ارضی" شده بود ، با این حال ۵۰۰ هکتار از زمین های دیمی و ۱۰۰ هکتار از زمین های آنها همچنان در اختیار فئودال های وابسته به رژیم سابق باقی مانده بود . در بهار سال ۵۹ شورای روستا با همکاری جهاد سازندگی زمین ها را مصادره نموده و در اختیار دهقانان قرار دادند . ولی متأسفانه روستائیان فقیر که از توانایی کمی برخوردار بودند ، قادر به کشت زمین ها نگردیده و قسمت بیشتر زمین های

مصادره شده نصیب کسانی شد که قبلاً نیز صاحب زمین بودند . در این میان فئودال ده "بهرروز نادری" نیز که زمین های مصادره گردیده بود توانست ۲۵ هکتار از زمین های آنها را دوباره در اختیار بگیرد . در پی این تلاش ها وی موفق می شود به کمک "عزیزخان ارشدی" یکی از مزدوران معبودی

درگیری هایی با حزب دمکرات پدید آورد و گناه آن را به گردن مردم روستا بیاندازد . افراد حزب نیز متعاقباً به روستا حمله کرده و دونفر از روستائیان را به قتل می رسانند . بدین ترتیب محیط ناامنی در روستا پدید می آید . هدف "بهرروز نادری" این بوده است که روستائیان از ترس حمله حزب خانه و کاشانه خود را ترک کنند و وی موفق به تصاحب زمین ها شود . دولت جمهوری اسلامی نیز با کمال تأسف به جای مقابله اصولی با حرکات

با مصادره زمین های فئودال های خوزستان و حمایت از کشاورزان زحمتکش ، جبهه انقلاب را تحکیم بخشیم

هیات هفت نفره به کمک شورای ده زمین های "آقایی" و "امیر جعفر امیری" را به نحو عادلانه ای بین کشاورزان بی زمین و کم زمین تقسیم نمودند به این ترتیب که به هر خانوار ۵ نفره یک سهم و خانواده های ۶ نفره به بالا یک ونیم سهم و به هر دهقان زحمتکش مجرد نیم سهم تعلق گرفت . پس از تقسیم زمین ها ، فئودال های نامبرده که دستشان از غارت و چپاول دسترنج کشاورزان کوتاه گردیده است هرروز با تهدید و ارباب مبنی بر به آتش کشیدن محصولات کشاورزان

در روستای جعفر صادق از توابع شهرستان رامهرمز که قبل از انقلاب هزاران هکتار از زمین های زراعی و قابل کشت آن تحت تملک فئودال ها و زمینداران بزرگ از جمله فئودال های معروفی چون "آقایی" و "امیر جعفر امیری" که با ساواک و ایادی رژیم گذشته نیز روابطی داشتند ، قرار داشت سرانجام هیات هفت نفره واگذاری زمین به این روستا آمده و پس از تشکیل شورای ده به تقسیم زمین ها و اراضی بی حساب زمینداران و فئودال ها مبادرت نمود .

● برای انجام "کمک های بیش از پیش به کشاورزی و کشاورزان باید هیئت های هفت نفره بطور همه جانبه مورد حمایت و پشتیبانی مسئولین قرار گیرند و اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" آن هرچه سریعتر اجرا گردد .

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



بلغارستان در راه سوسیالیسم

پیش از انقلاب

نهم سپتامبر ۱۹۴۴ درخشانترین روز در تاریخ قهرمانانه و برجسته مردم بلغارستان است. مردم بلغارستان مدت پنج قرن تحت سلطه امپراتوری عثمانی بودند و تحت تابعیت سیاست جذب و انهدام جسمانی آن قرار داشتند. جنگ روس و ترکیه رهائی مردم بلغارستان را به ارمغان آورد. آنها با درپیش گرفتن راه تکامل مستقل دموکراتیکترین قانون اساسی را برای خود تدارک دیدند ولی این زندگی دیری نپایید و آنها بزودی قربانی یک رژیم استبدادی تزاری شدند.

در اوایل قرن بیستم یک نهضت سوسیالیستی به سرعت در بلغارستان در حال گسترش بود و روحیه انقلابی را در توده‌ها برمی‌انگیخت. این نهضت به‌ویژه در طول جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۴۵) که محافل ارتجاعی حاکم بلغارستان این کشور را به عنوان یکی از متحدین آلمان نازی وارد جنگ ساختند، اوج تازه‌ای یافت. مقاومت ضدفاشیستی سراسر کشور را فرا گرفت.

در ژوئیه ۱۹۴۲ "جبهه میهنی" به ابتکار حزب کمونیست بلغارستان تشکیل شد تا همه نیروهای میهنی را برای مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی سلطنتی و اشغالگران نازی به زیر پرچم خود گرد آورد. برنامه این جبهه بر پایه ایده‌های لنین درباره رابطه مبارزه برای دموکراسی و مبارزه برای سوسیالیسم و اتحاد طبقه کارگر با تمام زحمتکشان و نیروهای مترقی استوار بود.

گئورگی دیمیتریف شخصیت برجسته نهضت بین‌المللی کارگری و جنبش کارگری بلغارستان این ایده‌ها را در گزارش خود به هفتمین کنگره انترناسیونال کمونیستی در ۱۹۳۵ تشریح کرد. مبارزه ضدفاشیستی زمینه را برای انقلاب دموکراتیک خلقی آماده ساخت. در ماه اوت ۱۹۴۴ وضعیت انقلابی در کشور به وجود آمد و نضج یافت. پیروزی‌های ارتش شوروی قیام ضد فاشیستی خلق بلغارستان را توان بازهم بیشتری بخشید و این قیام در نهم سپتامبر ۱۹۴۴ دیکتاتوری فاشیستی سلطنتی را سرنگون کرد و حکومت خلق را جایگزین آن ساخت و بدین ترتیب حرکت درجهت دیکتاتوری پرولتاریا را آغاز نمود.

خصوصیات ویژه انقلاب

پس از قیام پیروزمندانه و طیفه بلاواسطه‌ای که در مقابل "جبهه میهنی" قرار داشت پیوستن به ائتلاف ضدفاشیستی و مبارزه در راه شکست آلمان نازی بود. حکومت خلقی پس از تجدید سازماندهی ارتش و تصفیه عناصر هوادار فاشیسم از صفوف افسران آن سه لشکر خود را به جبهه جنگ علیه آلمان نازی فرستاد و این لشکرها در جبهه سوم اوکرائین به ارتش شوروی پیوستند. انقلاب سپتامبر مسئله دیگری را مطرح ساخت. این مسئله انتخاب راه تکامل آتی بلغارستان بود. کمونیست‌ها از راه تکامل سوسیالیستی طرفداری می‌کردند زیرا تنها سوسیالیسم قادر بود مسائل دشوار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بلغارستان را حل نماید. گئورگی دیمیتریف گفت:

" ما صرفا طرفدار هر نوع جمهوری نیستیم. آنچه مردم ما می‌خواهند جمهوری بطور کلی نیست. آنها یک جمهوری واقعا خلقی می‌خواهند."

به نظر دیمیتریف، کارگران، دهقانان، صنعتگران و روشنفکران خلقی نیروهای اصلی این جمهوری را تشکیل می‌دادند.

حزب کمونیست بلغارستان با توضیح گسترده نظرات و مواضع خود زحمتکشان را به سوی خود جلب کرد. مسئله اساسی - سلطنت یا جمهوری - از طریق یک referendum سراسری در ۸ سپتامبر ۱۹۴۶ حل شد. در این referendum ۹۲/۷۲ درصد رای‌دهندگان به نفع جمهوری رای دادند. در انتخابات "مجلس ملی" در پایان سال ۱۹۴۶ "جبهه میهنی" ۷۱٪ آراء را به خود اختصاص دادند.

بدین ترتیب دیکتاتوری پرولتاریا در شکل دموکراسی توده‌ای و در حالیکه نمایندگان احزاب خرده‌بورژوازی و حتی بورژوازی در حکومت شرکت داشتند در بلغارستان استقرار یافت. تئودور ژیوکف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در هفتمین کنگره حزب در سال ۱۹۵۸ گفت:

" خصوصیت ویژه تکامل انقلابی کشور ما آن است که طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست، دیکتاتوری خود را در اتحاد با دهقانان زحمتکش مستقر ساخت و تحکیم بخشید و این کار را نه یک‌روزه بلکه به تدریج و در جریان یک مبارزه طبقاتی خاد (و نه جنگ داخلی) که به ملی‌کردن صنایع در سال ۱۹۴۷ منجر شد، انجام داد."

بازسازی و تجدید سازمان سیاسی اقتصاد

واقعیات و ارقام زیر وضعیت اقتصادی بلغارستان را پس از سرنگونی رژیم فاشیستی سلطنتی نشان می‌دهند: ۷۹/۸٪ جمعیت فعال کشور در بخش کشاورزی شاغل بودند ۱/۱ میلیون ملک جداگانه دهقانی که از ۱۲ میلیون حصه زمین تشکیل می‌شدند و ۵۰۰/۰۰۰ خیش چوبی در کشور وجود داشتند در روستاهای کشور بیش از یک میلیون کلا یا جزئا بیکار بودند مجموعا ۲۴۰۰۰ گدا (یک نفر از هر ۲۹۰ نفر) در سراسر کشور پراکنده بود که از جمله زنان و کودکان را در بر می‌گرفت. تولید برق سرانه کشور در مجموع ۴۵ کیلووات ساعت و تولید فولاد سرانه ۰/۷ کیلوگرم بود. نیروی کمی طبقه کارگر چندان چشم‌گیر نبود و تنها ۱۰۰۰۰۰ نفر از مجموع ۶/۹ میلیون نفر را تشکیل می‌داد.

حکومت جبهه میهنی تدابیر فوری و قاطعی برای بازسازی اقتصاد و کشاورزی اتخاذ نمود. کنترل کارگری در بنگاه‌ها معمول شد و بدین ترتیب فعالیت سرمایه‌داران محدود گردید و به کارگران کمک شد تا مدیریت بنگاه‌ها را در دست خود گیرند. در بخش کشاورزی به تدریج از دهقانان ثروتمند که به استثمار دهقانان فقیر می‌پرداختند خلعید شد. قانونی برای سازماندهی تعاونی‌های کشاورزی به تصویب رسید حکومت خلقی در سال ۱۹۴۷ یک برنامه تکامل

اقتصادی دو ساله را تصویب نمود که نشانگر مرحله مهمی در حرکت به سوی اداره طبقه نقشه کل اقتصاد ملی بود. دولت گام‌های قابل ملاحظه‌ای در جهت محدود کردن بنیان اقتصادی سرمایه‌داری برداشت. از جمله دولت ثروت غصبی بورژوازی را ملی کرد و انحصار خود را بر تولید و فروش تنباکو و نوشابه برقرار ساخت.

در پایان سال ۱۹۴۷ "مجلس ملی" قانون اساسی جدید جمهوری را که دستاوردهای حکومت خلقی را تثبیت می‌نمود، تدوین و تصویب نمود. تغییرات دامن‌دار که در تمام عرصه‌ها انجام گرفت و در قانون اساسی نیز ضبط گردید توازن قوای طبقاتی و سیاسی را در کشور تغییر داد و شرایط مناسب را بر پیشروی پیروزمندانه بلغارستان در راه سوسیالیسم فراهم ساخت.

کنگره پنجم حزب کمونیست بلغارستان در اواخر سال ۱۹۴۸ پی‌آمدهای مبارزات حزب و مردم بلغارستان را علیه استثمار سرمایه‌داری، امپریالیسم و جنگ، اشغالگران نازی و دیکتاتوری فاشیستی سلطنتی مورد بررسی دوباره قرار داد و خط مشی عمومی حزب را برای ساختمان سوسیالیسم طرح‌ریزی کرد.

سوسیالیستی کردن صنعت و تعاونی کردن

کشاورزی

وظیفه بزرگ حکومت خلق در زمینه اقتصادی تبدیل بلغارستان از یک کشور کشاورزی به یک کشور صنعتی - کشاورزی بود. تنها از طریق پایه‌ریزی یک صنعت مدرن بود که شکوفای ساختن همه بخش‌های اقتصاد ملی، بالابردن بازده کار، گسترش و تقویت بخش دولتی و افزایش کمی طبقه کارگر و بدین طریق گسترده‌تر ساختن پایه اجتماعی حکومت امکان‌پذیر می‌گشت.

گئورگی دیمیتریف این وظیفه را با این کلمات توصیف کرد:

" از طریق صنعتی کردن و الکتریفیکاسیون کشور و مکانیزه کردن کشاورزی در عرض ۱۵ تا ۲۰ سال به سطحی برسیم که کشورهای دیگر در شرایط متفاوتی برای رسیدن به آن به یک قرن کامل نیاز داشته‌اند."

جمهوری خلق بلغارستان با در اختیار داشتن مواد خام مناسب، برای تخصص‌های معین و تکامل بخش‌های معینی از صنایع سنگین اولویت قائل شد. صنعتی کردن به پیش رفت. صدها پروژه صنعتی اجرا شد و صنایع نوینی در سال‌های حکومت خلقی پدیدار گشت.

از آنجا که ساختمان سوسیالیسم با کشاورزی فوق‌العاده عقب‌مانده غیرممکن بود، حزب تجدید سازمان کشاورزی بر اساس اصول سوسیالیستی را آغاز کرد. در انجام این امر، حزب تجربه شوروی در زمینه پیاده کردن روابط تولید سوسیالیستی در کشاورزی را به نحو خلاقانه‌ای به کار بست. تجدید سازمان کشاورزی در بلغارستان خصوصیات ویژه خود را به همراه داشت برای اینکه در بلغارستان زمین ملی نشد.

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

(قسمت نهم)

در جهان امروز نمی توان داشتن هرگونه رابطه اقتصادی با جهان خارج را نفی کرد . نمی توان تصور کرد اقتصاد ایران به دور از اقتصاد جهانی قرار گیرد و هرگونه رابطه اقتصادی با جهان خارج قطع شود مبارزه برای قطع وابستگی ، مبارزه برای قطع روابط متقابل اقتصادی نیست . بلکه مبارزه های است برای قطع روابط سلطه آمیز روابطی است که تابعیت از سرمایه های امپریالیستی را دربر دارد . روابطی که استثمار و ستم امپریالیستی به همراه دارد . روابطی که فقر ، گرسنگی ، خانه بدوشی ، بیکاری مزمن ، بیماری و ... برای توده ها بیار می آورد . روابطی که اقتصاد را در وابستگی روزافزون ، عقب ماندگی فزاینده نگه می دارد . و روابطی که برای انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران وابسته سودهای کلان از ثمره کار کارگران و زحمتکشان به ارمغان می آورد . این است مضمون وابستگی . هدف این مبارزه برچیدن و درهم کوبیدن این روابط و جایگزین کردن روابط متقابل اقتصادی با جهان خارج است . آنان که وابستگی اقتصادی را به معنای داشتن هر نوع رابطه اقتصادی با جهان خارج می دانند ، دانسته یا ندانسته ، پای در کوچه بن بست نهاده اند ، که پایان آن جز کوبیدن بر در انحصارات امپریالیستی سرانجامی ندارد . بنا بر این ، مساله در داشتن یا نداشتن رابطه اقتصادی با جهان خارج نیست . مساله در این است که رابطه با اقتصاد جهانی نه براساس استثمار و ستم امپریالیستی ، نه بر پایه تابعیت از انحصارات امپریالیستی و مشارکت در تقسیم کار جهانی تحمیلی از سوی امپریالیسم جهانی ، بلکه بر اساس روابط متقابل میان ملت ها قرار گیرد . بدیهی است چنین رابطه ای نمی تواند با کشورهای امپریالیستی که سرمایه های انحصاری آنها در پی کسب سود هرچه بیشتر هستند برقرار گردد . و تا این روابط و این پیوندها با این انحصارات برقرار است نمی توان انتظار داشت از قید وابستگی که نتیجه وجود این پیوندها است رهایی یافت .

قطع وابستگی اقتصادی مستلزم ایجاد روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان است . با ایجاد روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی است که می توان بدون قرار داشتن در بندهای تابعیت به انحصارات امپریالیستی ، از دست آوردهای علمی ، فنی و تکنولوژیکی که دست آورد قرن ها تلاش انسانی است ، بهره جست . تا صنایع وابسته ایران در جهت قطع وابستگی به راه انداخته شود ، تولید افزایش یابد ، بیکاری کاهش گیرد ، فشار گرانی بر کارگران و زحمتکشان تقلیل یابد ، و بطور خلاصه با بحران تشدید شونده کنونی مقابله شود . تا دیگر مخالفان پیشرفت و تعمیق انقلاب نتوانند عوام فریبانه بگویند " ما برای گرانی انقلاب نگرديم " تا نتوانند ایچ فکر باطل را

رواج دهند که مبارزه ضد امپریالیستی یعنی گرانی یعنی بیکاری . تا نتوانند راه مقابله با گرانی و بیکاری را تحکیم مجدد روابط اسارت بار با انحصارات امپریالیستی در میان توده های ناآگاه تبلیغ کنند .

نمایندگان سرمایه داری این نظر را رواج می دهند که گسترش روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی به معنای " وابستگی به شرق " است . اینان ، دانسته یا ندانسته با مبلغان توجیه گر امپریالیسم هم آواز می شوند و کار را بدانجا می رسانند که می گویند در جهان هیچ کشوری مستقل نیست . آنان می گویند ، همه وابسته اند ، حال اگر نه به " غرب " ، به " شرق " وابسته اند . ما در آغاز بحث ، وابستگی را قرار گرفتن اقتصاد کشور در تابعیت انحصارات امپریالیستی تعریف کردیم و نشان دادیم که مفهوم وابستگی از مفهوم امپریالیسم جدا نیست . نشان دادیم که جریان یافتن سرمایه امپریالیستی به اقتصادهای زیر سلطه کنونی نتیجه گزیرناپذیر رشد پر تضاد سرمایه داری از کشورهای امپریالیستی است و انگیزه اساسی حرکت آن کسب سود بیشتر از طریق تصاحب ثمره کار کارگران و زحمتکشان و غارت منابع طبیعی این جوامع است . این پروسه ای است که همان طور که نشان دادیم در جهت تشدید وابستگی و قرار گرفتن اقتصاد وابسته تحت تابعیت فزاینده انحصارات امپریالیستی است .

در بحث هایی که گذشت نشان دادیم که انحصارات امپریالیستی می کوشند رشد نیروهای تولید ملی را در جهت تشدید وابستگی سمت و سوی دهند و امکانات رشد مستقل و برپایی اقتصاد و صنعتی مستقل را نفی کنند . این نتیجه انکار ناپذیر وابستگی است و این حاصل از حرکت ذاتی سرمایه انحصاری برای کسب سود هرچه بیشتر در شبکه جهانی انحصاری امپریالیستی است . مبلغان توجیه گر امپریالیسم می کوشند بر این واقعیات پرده انکار و استتار بگسترانند و به این منظور وجود هر نوع رابطه متقابل میان کشورها را وابستگی قلمداد کنند . اینان نیک می دانند که بهره جویی اقتصادهای وابسته از امکانات گسترده اقتصادی ، فنی و تکنولوژیکی کشورهای سوسیالیستی کمکی است بس ارزنده در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی خلق های جهان و از این رو است که می کوشند قلب واقعیت کنند ، و آن را جز آن چه هست جلوه گر سازند . چرا که گسترش روابط اقتصادی میان کشورهای سوسیالیستی و اقتصادهای وابسته امکان گریز این اقتصادها را از تقسیم کار جهانی امپریالیستی هرچه بیشتر مهیا می سازد . و عاملی اساسی در جهت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی خلق های تحت ستم جهان است .

بحث را در صنعت اتوموبیل سازی ادامه می دهیم . مثالی مشخص در این مورد تفاوت

میان دونوع رابطه اقتصادی با جهان خارج را برای ما روشن می کند .

پس از پیروزی قیام پرشکوه بهمن ۵۷ ، کارگران و مهندسان متعهد و انقلابی کوشش های برداشته ای برای مبارزه با وابستگی صنایع کرده اند از آن جمله است طرحی که کارگران و مهندسان شرکت جنرال موتورز (سابق) تدوین کرده اند . بر اساس این طرح ، کارخانه جنرال موتورز (سابق) که در مقالات گذشته به چگونگی پیدایش و رشد آن اشاره کردیم ، طی هفت سال خواهد توانست اتوموبیلی عرضه کند که تقریباً تمامی آن توسط کارگران و مهندسان ایرانی تولید شود . این طرح را در وهله نخست مدیران کارخانه با انحصارات اتوموبیل سازی اروپا و ژاپن در میان گذاشتند . هیچیک از این انحصارات حاضر به پذیرش این طرح و اجرای آن نبودند . این امری بدیهی بود . هدف انحصارات امپریالیستی برپا کردن صنعتی مستقل در کشورهای جهان نبوده و نیست . هدف کسب سود هرچه بیشتر است که تنها در شرایط وابستگی هنگامی که صنعت تحت تابعیت انحصار امپریالیستی است ، بدست می آید . به کلامی خلاصه خواست آنها این است که اقتصاد کشورهای زیر سلطه در تقسیم کار جهانی امپریالیستی شرکت داشته باشند .

یکی از دولت های سوسیالیستی آمادگی خود را برای اجرای این طرح اعلام داشت . در این طرح طی پنج فاز پیایی ، اتوموبیل با شرایط مورد نظر ایران ، به طور کامل و بدون وجود پیوند وابستگی در ایران تولید خواهد شد . در فاز اول خط تولید فعلی جنرال موتورز تغییر داده شده و قطعات منفصل برای ۱۴ هزار دستگاه اتوموبیل در ظرف یکسال از کشور مزبور وارد خواهد شد . تولید در سال دوم به ۲۷ هزار دستگاه خواهد رسید . از اواسط سال سوم ۱۰۰ درصد قطعات بدنه اتوموبیل در ایران تهیه خواهد شد .

در فاز دوم ، طرح و برنامه ریزی ساخت شاسی و توسعه پیرس با افزایش پرس های جدید برای تولید بیش از ۳۵ هزار دستگاه در سال ، انجام خواهد شد . در فاز سوم عملیات مونتاژ موتور و ساخت قطعات موتور انجام خواهد شد . در فاز چهارم ، گیربکس و آکسل در ایران ساخته خواهد شد . و بالاخره در فاز پنجم نواقص و کمبودهای عمومی برطرف خواهد شد . در این فاز ظرفیت تولید کارخانه برای تولید اتوموبیلی که تمامی آن در ایران ساخته خواهد شد به ۸۰ هزار دستگاه خواهد رسید .

به موجب این طرح ، هر قطعه ای که در داخل تولید شود باید بلافاصله از لیست بسته بندی های ارسالی از خارج (بسته بندی های " اس. کی. دی " و " سی. کی. دی ") حذف شود . همانطور که در مقالات گذشته اشاره کردیم انحصارات امپریالیستی برای حفظ و تداوم بخشیدن به وابستگی صنعتی که در تابعیت خود دارند حاضر به پذیرش این نکته مهم در قراردادهای خود نبوده و نیستند .

کشور سوسیالیستی که حاضر به انجام این طرح بوده موافقت کرده که کلیه نقشه ها و طرح ها را بطور کامل در اختیار شرکت ایرانی قرار دهد و شرکت ایرانی می تواند هر تغییری را که لازم تشخیص می دهد در آنها بدهد این کاملاً مغایر با سیاست انحصارات امپریالیستی

بقیه در صفحه ۱۰

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بلغارستان ...

بقیه از صفحه ۸

تعاونی‌های کشاورزی اساس تجدید سازمان سوسیالیستی را تشکیل می‌دادند. تعداد و میزان اعضای تعاونی‌ها به سرعت فزونی گرفت. در سال ۱۹۵۰، ۲/۵۰۱ تعاونی وجود داشت که ۴۷/۹ درصد زمین‌های دهقانی را در بر می‌گرفت. در سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۵۷ جریان تعاونی کردن با متحد ساختن ۹۷٪ مزارع فردی در تعاونی‌ها بطور عمده پایان یافت.

سوسیالیسم برای مردم بلغارستان چه دستاوردهائی داشته است

در سال ۱۹۷۸ درآمد ملی بلغارستان ۹ برابر این رقم در سال ۱۹۳۹ بود. تولید ۵ روزه صنعت در این سال با تولید کل کشور در سال ۱۹۳۹ برابری می‌کرد. تولید کشاورزی به میزان سه برابر تولید زمان قبل از جنگ رسید و این در حالی بود که نیروی شاغل در کشاورزی به یک سوم سال ۱۹۳۹ تقلیل یافته بود. در سال ۱۹۷۸ تولید سرانه برق به ۳/۷۵۰ کیلووات ساعت رسید که به ۸۳ برابر تولید سرانه قبل از جنگ بالغ می‌شد و از تولید سرانه بعضی از کشورهای صنعتی اروپا و از جمله ایتالیا بیشتر بود. تولید سرانه غلات در حال حاضر حدود ۱۰۰۰۰ کیلوگرم است. در بیست سال گذشته واگرد تجاری ۱۸ برابر افزایش یافته است. بلغارستان برای هر ۴۵۵ نفر یک پزشک دارد و چیزی نمانده است که از این لحاظ مقام اول را در اروپا به دست آورد. این کشور از لحاظ تعداد دانشجویان (۱۱۸ دانشجو از هر ۱۰۰۰۰ نفر) در بین ده کشور اول است. زنان بلغارستان از مزایا و امکانات بسیاری برخوردارند. آنها از مرخصی دوران بارداری و زایمان با استفاده از حقوق استفاده می‌کنند و به‌علاوه تا رسیدن کودک به سن ۱۰ سالگی می‌توانند از مرخصی‌های با حقوق فوق‌العاده‌ای نیز بهره‌مند شوند.

سطح زندگی در حال افزایش مردم، ترقی فرهنگ و علوم ملی را سرعت می‌بخشد. در ده سال گذشته بلغارستان ادبا، دانشمندان،

چگونه ...

بقیه از صفحه ۹

است که حق کنترل بر طرح‌های تولید، برپروسه تولید، بر نحوه استفاده از تکنولوژی تولید را برای خود محفوظ نگه می‌دارند. علاوه بر این، این شرکت قیمت قطعات را بطور جداگانه تعیین و محاسبه خواهد کرد و به محض آن که قطعه‌ای در شرکت ایرانی، یا در واحدهای جنبی آن تولید شود، آن قطعه از لیست بسته‌بندی‌ها خارج شده و به ازای قیمت آن از قیمت بسته‌بندی کاسته خواهد شد. شرکت‌های امپریالیستی برای تمامی بسته‌بندی، بطور یکجا قیمت تعیین می‌کنند. بدین ترتیب حتی در مواردی که قطعه‌ای از بسته‌بندی خارج شود، آنها به‌دلخواه مبلغ ناچیزی را از قیمت بسته‌بندی کسر می‌کنند و با این کار حتی به سود شرکت امپریالیستی می‌افزایند.

از جنبه‌های مهم دیگر این طرح آن است که قطعات منفرجه، علاوه بر تولید اتوموبیل سواری برای ساخت چهار محصول دیگر یعنی جیب وانت، استیشن و آمبولانس می‌تواند، بر حسب نیاز، مورد استفاده قرار گیرد. این امکان فنی نه تنها در واحدهای تولیدی وابسته وجود

نویسندگان، هنرمندان و بازیگران و موسیقیدانان با استعداد بسیاری را به همه جهانیان معرفی کرده است.

با پشتیبانی برادرانه

قدرت‌های سرمایه‌داری وقتی مشاهده کردند که بلغارستان در راه تکامل سوسیالیستی گام نهاده است، سعی کردند این کشور را مثل سایر دموکراسی‌های توده‌ای با توسل به یک تحریم اقتصادی خفه سازند. دولت آمریکا در سال ۱۹۴۸ صدور تجهیزات صنعتی به این کشورها را ممنوع ساخت و در سال ۱۹۵۱ این تحریم را تقریباً به تمام کالاها تعمیم داد. در ژوئیه ۱۹۵۱ آمریکا بطور یکجانبه قرارداد تجاری خود با بلغارستان را که در سال ۱۹۳۲ منعقد شده بود لغو کرد. بطور کلی بین سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۲ کشورهای سرمایه‌داری حدود پنجاه قرارداد و معامله تجاری را که قبلاً با بلغارستان منعقد نموده بود، لغو کردند.

مردم شوروی در این دوره تیره، بلغارستان را یاری دادند. اتحاد شوروی در اولین مرحله تکامل اقتصادی بلغارستان میلیون‌ها تن محصولات نفتی، فلزات، مواد خام برای صنایع شیمیائی و نساجی، وسایل حمل و نقل، ماشین‌های کشاورزی، غلات و علوفه دام به این کشور عرضه نمود. در مرحله صنعتی کردن گسترده، اتحاد شوروی در ساختمان پروژه‌های صنعتی بزرگ به بلغارستان کمک کرد.

اتحاد شوروی بلغارستان را در امور نقشه‌برداری، ارائه طرح‌های صنعتی و پیاده نمودن آنها، تربیت کادرهای ملی یاری رسانید و تجهیزات کامل صنعتی و مهندسی برق به این کشور ارسال کرد و بالاخره متخصصینی به این کشور گسیل داشت. بطور کلی اتحاد شوروی در دوره ساختمان سوسیالیسم، بلغارستان را در اجرای ۳۰۰ پروژه بزرگ که اساس اقتصاد سوسیالیستی آن را تشکیل می‌دهند یاری داد. به‌علاوه ۱۳۰۰۰ بنگاه صنعتی با ماشین‌ها و تجهیزات ساخت شوروی مجهزند. این بنگاه‌ها ۹۵٪ تولیدات فلزات آهنی و ۸۵٪ فلزات غیر آهن را تولید می‌کنند.

ندارد، بلکه طبق قرارداد مقدار هر یک از محصولات کارخانه زیر نظر انحصار امپریالیستی تعیین می‌شود.

اینها جنبه‌های مهم طرح یاد شده است و جای تعجب نیست که انحصارات امپریالیستی حاضر به پذیرش و اجرای این طرح نباشند، چرا که در این طرح اساساً پیوندهای وابستگی به انحصار امپریالیستی قطع شده‌است و صنعت اتوموبیل - سازی می‌تواند به صورت صنعتی مستقل درآید. بدین ترتیب می‌توانیم ببینیم تفاوت رابطه با اقتصادهای امپریالیستی و با اقتصادهای سوسیالیستی از کجا تا به کجا است. و نیز می‌توانیم ببینیم، چرا مبلغان توجیه‌گر امپریالیسم این‌همه سرسختانه می‌کوشند تا در مورد رابطه با اقتصادهای سوسیالیستی قلب واقعیت کنند و رابطه‌ای را که می‌تواند کمکی بس ارزنده در مبارزه مردم میهن برای قطع وابستگی به امپریالیسم باشد جز آن چه هست بنمایانند.

مدتهاست که مذاکره برای عقد قرارداد با دولت سوسیالیستی که حاضر به اجرای طرح فوق است ادامه دارد. لیبرال‌ها تا توانسته‌اند کارشکنی کرده‌اند در این میان هیات‌هایی برای مذاکره به ژاپن رفته‌اند. لیبرال‌ها می‌کوشند قرارداد با انحصارات امپریالیستی را جانشین قرارداد با کشور سوسیالیستی مذکور کنند این

اتحاد شوروی در ساختمان ۶۰٪ نیروگاه‌های بلغارستان (بر اساس میزان ظرفیت تولید) و از جمله در ساختمان اولین نیروگاه اتمی در اروپای شرقی با این کشور همکاری کرده است.

عامل مهم دیگر در تکامل اقتصادی و ساختمان سوسیالیستی بلغارستان، همکاری این کشور در انتگراسیون (هم‌پیوندی) اقتصادی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی (کمکون) بود. امروزه ۸۰٪ صادرات بلغارستان به کشورهای عضو کمکون می‌رود. این امر بلغارستان را قادر می‌سازد تا بنگاه‌های مدرن عظیم احداث نماید و به تولید سریال انبوه و تخصصی بپردازد. امروزه بلغارستان در بین کشورهای عضو کمکون در تولید بیش از چهارصد نوع ماشین و تجهیزات از جمله ماشین‌های تخلیه بار، کشتی بعضی انواع تراکتور و ماشین‌های کشاورزی و انواع معینی کامپیوتر تخصص دارد. صنایع نوینی که بطور وسیع از دستاوردهای علمی و فنی استفاده می‌کنند در حال ساختمان هستند استانداردهای فنی و توان رقابت کالاهای مصنوع بلغارستان در حال افزایش است. در نتیجه بلغارستان با موفقیت تمام با بیش از ۱۰۰ کشور همکاری می‌کند تجارت آن با شوروی افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد بطوری که از ۱۱۲ میلیون روبل در سال ۱۹۳۹ به ۶۰۰۰۰ میلیون روبل در سال ۱۹۷۹ رسید. اتحاد شوروی ۹۸٪ ذغال سنگ، ۹۳٪ نفت و ۱۰۰٪ شمش فولاد مورد نیاز بلغارستان را تامین می‌کند. سهم محصولات مهندسی در صادرات بلغارستان به شوروی از ۵۶٪ در سال ۱۹۷۰ به ۵۹٪ در سال ۱۹۷۷ رسید.

دستاوردهای سوسیالیسم در بلغارستان واقعیاتی انکار ناپذیرند. زحمتکشان بلغارستان از سیاست حزب کمونیست بلغارستان حمایت می‌کنند، برنامه‌های آن را مورد تأکید قرار می‌دهند و سیاست آن را در اتحاد سوسیالیستی کشورهای سوسیالیستی برادر و با پشتیبانی آنها عملی می‌سازند. در واقع مردم بلغارستان کاملاً حق دارند که روز نهم سپتامبر، روز وقوع انقلاب سوسیالیستی در کشورشان را درخشان‌ترین روز در تاریخ کشورشان بنامند.

روشن‌است که انحصارات ژاپنی به هیچ‌روی حاضر به انجام طرح فوق نیستند. در این ضمن کارخانه ایران ناسیونال و رنو که هنوز در روابط وابستگی به انحصارات امپریالیستی قرار دارند به تولید اتوموبیل سواری ادامه می‌دهند و بحثی پیرامون تغییر در وضع این کارخانه‌ها مطرح نشده است.

اما درباره سربوشت طرح فوق و پیشنهاد اجرای آن توسط کشور سوسیالیستی، در وزارت صنایع و معادن ذکر نکته زیر جالب توجه است: آنچنان که در چنین مواردی مرسوم است، دومیون از اتوموبیلی که کشور سوسیالیستی پیشنهاد تولید آن را در ایران داده است توسط کارشناسان فنی وزارت صنایع و معادن مورد آزمایش قرار گرفته است. در آزمایش‌های اتوموبیل مذکور به دور ایران گردانده شد و امتحان را با موفقیت گذراند. اما مدیران لیبرال این آزمایش را کافی ندیدند. آنان اتوموبیل‌ها را با باری اضافی و بسیار سنگین به مسیر تله‌کابین توجال فرستادند و با فشار غیر عادی که به اتوموبیل‌ها وارد آورد هر دو دستگاه مورد آزمایش آسیب دید خوشحال از "پیروزی" خود، مدیران لیبرال به‌سراغ وزیر صنایع و معادن رفتند و او را برای بازدید اتوموبیل‌های آسیب‌دیده به تپه‌های تله‌کابین توجال بردند!

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۶

مروری بر تاریخچه...

برای رشد و اعتلای جنبش کارگری فراهم نمود. نخستین واحدهای تولیدی و خدماتی که کارگران آنها پیشاهنگان جنبش کارگری ایران و پرچمداران مبارزه سندیکائی بودند، عبارت بوده اند از:

کارگران چاپخانه‌ها، نساجی‌ها، چیت‌سازی‌ها، کارگران دواساز، پست و تلگراف، بندرگاه‌ها (به ویژه انزلی)، ماهیگیران، کفاش‌ها و... و در این میان کارگران چاپخانه‌های تهران پیشگامان جنبش سندیکائی بودند. این کارگران از آگاهی طبقاتی بالنسبه بالاتری (در مقایسه با کارگران دیگر) برخوردار بودند. اولین سندیکای کارگری به وسیله "چاپخانه کوچکی" تهران در سال ۱۲۸۷ ایجاد شد و نخستین اتحادیه کارگری نیز به وسیله کارگران چاپخانه‌های تهران در سال ۱۲۹۰ به وجود آمد. در همین زمان در شهرهای تبریز، انزلی و مشهد نیز اتحادیه‌هایی تشکیل شد. محور اصلی مبارزه اتحادیه‌های کارگران در این زمان عبارت بود از:

۸ ساعت کار، بهبود شرایط کار، رسمیت دادن به اتحادیه‌ها و تثبیت قانونی حقوق اتحادیه‌ای، مبارزه با استعمار و ارتجاع داخلی، ایجاد جمهوری و حمایت از مبارزه زحمتکشان دیگر، بخصوص دهقانان به خاطر زمین.

شواهد تاریخی حاکی از آن است که کارگران ایران در همان نخستین گام‌های انقلابی خود، وحدت سندیکائی صفوف خود را از مبرم‌ترین وظایف خویش می‌شمردند. طی سالهای نخستین انقلاب مشروطیت جنبش کارگری ایران در جهت پیشبرد مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری خویش گام‌های موثری به جلو برداشت و جنبش اعتصابی کارگران در مبارزه با ارتجاع قاجاری اولین تجارب پیروزمندانهاش را به دست آورد. در فروردین ماه ۱۲۸۶ ملوانان خط دریائی انزلی - باکو دست به اعتصاب زدند. چندی بعد کارگران گمرک و مستخدمین پست تبریز نیز - اعتصاب کردند. در ۶ آبان ۱۲۸۷ کارگران کارخانه‌های چرم‌سازی تبریز که بالغ بر ۱۵۰ نفر بودند، دست به اعتصاب زدند. خواست‌های کارگران عبارت بود از:

بالا بردن دستمزد برای هر واحد محصول به مبلغ یک شاهی و نیم، بهبود شرایط کار، استخدام و اخراج کارگران با موافقت نمایندگان کارگران، پرداخت مزد برای روزهای اعتصاب، عدم اخراج کارگران اعتصابی و عدم نعویض آنها به وسیله کارگران دیگر به هنگام اعتصاب. کارگران طی این مبارزات، وحدت بی‌سابقه و چشم‌گیری از خود نشان دادند و ضمن تشکیل صندوق اعتصاب، کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان انتخاب نمودند. این اعتصاب با موفقیت پایان یافت. مزد کارگران افزایش یافت و کارفرما پذیرفت که کارگران اعتصابی را اخراج نکند.

طی سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۴ جنبش سندیکائی ایران در اثر رکود عمومی جنبش انقلابی ایران و خیانت بورژوازی سازشکار به انقلاب، بطور موقت دچار یک افت نسبی شد ولی با شروع جنگ جهانی اول و اوج‌گیری جنبش دمکراتیک و

رهائی‌بخش در ایران به‌ویژه در گیلان، تبریز، مشهد و شکست تزاریزم و پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و به‌ویژه تاسیس حزب کمونیست ایران در خرداد ۱۲۹۹ جنبش سندیکائی ایران نیز به‌تدریج رو به احیاء و اعتلاء نهاد و پایه‌های آن بیش از پیش تحکیم و تقویت شد.

در سال ۱۲۹۷ تحت رهبری اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران یک اعتصاب چهارده‌روزه در چاپخانه‌های تهران به وقوع پیوست. این اعتصاب با موفقیت پایان یافت. از نتایج این اعتصاب هشت ساعت‌کاردر روز و پرداخت مزد اضافه‌کاری بود. این پیروزی که تحت هدایت و سازماندهی اتحادیه صورت پذیرفت، به عامل موثری در تسریع تشکیل اتحادیه‌های کارگری بدل گشت.

در اواخر سال ۱۲۹۸ اولین انتخابات اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران انجام گرفت. محمددهگان به سمت مدیر اتحادیه انتخاب گردید. محمد دهگان یکی از رهبران طراز اول و از پیشوایان اولیه جنبش کارگری - سندیکائی میهنمان بود که نقش شایان تقدیر او در برپائی اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران و تأمین وحدت صفوف کارگران ایران قابل ذکر است. شکرالله مانی در کتاب "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" در توصیف شخصیت انقلابی و مبارز دهگان می‌نویسد:

"شادروان دهگان اصلاً در وادی قفقاز تحصیلات خود را تحت سرپرستی مرحوم عبدالرحیم طالب‌اف که از نویسندگان بنام و آزادیخواهان بزرگ صدر مشروطیت بود، به پایان رسانده تمام کتب و آثار مرحوم طالب‌اف به قلم دهگان نوشته شده و چاپ گردیده است."

جنبش کارگری - سندیکائی ایران در این سالها دوران اعتلاء و رونق خود را سیر می‌کرد. گسترش کمی جنبش سندیکائی در این زمان تا بدان حد رسید که تا پایان سال ۱۲۹۸ پانزده اتحادیه کارگری در تهران به وجود آمده بود که نزدیک به هشت‌هزار عضو را در بر می‌گرفتند. اتحادیه‌های کارگران چاپخانه‌ها، نانوايان، رفتگران، پارچه‌بافان، قنادها و بزازها از آن جمله بودند. در سال ۱۲۹۹ "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران تهران" (اتحادیه مرکزی) تشکیل گردید که ۱۵ اتحادیه را در بر می‌گرفت این موضوع خود نشانه تحول کیفی جنبش کارگری سندیکائی ایران در این سال بود. تحول جنبش سندیکائی در تداوم خود منجر به وحدت اتحادیه‌های کارگری سراسر ایران و تشکیل "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" (اتحادیه مرکزی کل کارگران ایران) در سال ۱۳۰۰ شد. اتحادیه مرکزی کل علاوه بر اتحادیه‌های کارگری تهران، اتحادیه‌های شهرهای تبریز، رشت، مشهد، انزلی و قم را نیز در بر می‌گرفت و شامل اتحادیه‌های کارگران چاپ، کفاش، نانوائی، دواساز، ساختمانی، دخانیات، چیت‌ساز، نساج حامی، ماهیگیر، رفتگر و کارگران پست و تلگراف و شاگردان نجار می‌شد. تعداد اعضای این اتحادیه‌ها تا سال ۱۳۰۴ بالغ بر ۳۰/۰۰۰ نفر می‌شد و عده نمایندگان اتحادیه مرکزی بین ۳۰ الی ۴۰ نفر بود. اتحادیه مرکزی نقش خود را در سازماندهی و رهبری جنبش کارگری - سندیکائی آن روز ایران به شایستگی ایفاء می‌نمود و عاملی قاطع در پیشبرد مبارزه کارگران به‌خاطر بهبود شرایط کار و زندگی و احقاق حقوق صنفی و رفاهی آنها بود. مبارزه سندیکایها برای تأمین حداقل شرایط رفاهی در آن روزها اهمیت مبرم و اساسی داشت. چه وضعیت زندگی و کار کارگران بسیار اسفبار بود. کارگران از بام تا شام کار می‌کردند و در مقابل ۱۴ ساعت کار شبانه‌روزی ماهانه بطور متوسط ۸ تومان دریافت می‌داشتند. دستمزد به

قدری نازل بود که کارگران به سختی می‌توانستند نان روزانه خود را تأمین کنند. مسکن بسیاری از کارگران بی‌گوله‌های حوالی کارخانه‌ها، طویله‌های مخروبه و شترخانه‌های گوشه کاروانسراها بود. شکرالله مانی که از جمله نخستین مبارزان جنبش اتحادیه‌ای بود، می‌نویسد:

"هیچیک از کارگران قادر نبودند لباس یا کفش و کلاه برای خود تهیه نمایند. ظاهر ما مثل گدایان کوچه‌گرد بود."

اتحادیه مرکزی کارگران برای بیان مشکلات و نظریات توده کارگران و طرح مسائل زحمتکشان و به‌ویژه دفاع از حقوق صنفی و منافع سیاسی کارگران ایران در سال اول تاسیس خود (۱۳۰۰) اقدام به انتشار روزنامه‌ای تحت‌عنوان "حقیقت" نمود که در واقع ارگان اتحادیه مرکزی محسوب می‌شد. این شعار در بالای صفحه روزنامه نقش بسته بود:

رنجبر روی زمین اتحاد

این روزنامه در نتیجه توجه مستمر به مسائل مبرم مردم و سبک خاص نگارش، به‌زودی یکی از کثیرالانتشارترین روزنامه‌های مرکز شد. "حقیقت" پس از مدت کوتاهی به انتشار روزانه پرداخت و دارای تیراژی در حدود ۴۲ هزار نسخه در روز بود. "حقیقت" و همچنین خود اتحادیه نظر به نفوذ روزافزون سیاسی - اجتماعی‌شان بطور مداوم مورد هجوم ارتجاع و دسته‌های اوباش و مزدور قرار داشت بطوریکه مانی می‌نویسد:

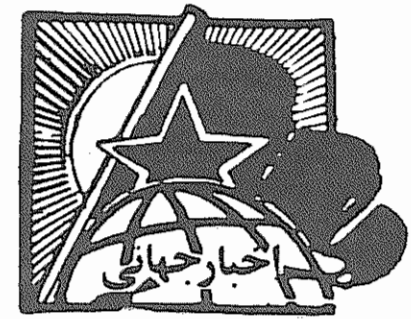
"ارتجاع، عده‌ای از اوباش و مردمان بی‌سواد و بافروشه‌های میدان و جمعی از گسبه مرتجع بازار را جمع کرده، اتحادیه "پنج‌محل" تهران را علیه روزنامه حقیقت تشکیل دادند. مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنامه حقیقت تحریک و تشجیع می‌نمودند و تهیه حمله به اتحادیه مرکزی را می‌دیدند."

در چنان شرایطی تنها اتحاد مبارزاتی کارگران و مقاومت جمعی و متشکل آنها از طریق تجهیز به سازمان‌های سندیکائی و اتحادیه‌ای و دفاع قاطعانه از ارگانی که زبان‌گویایان بود می‌توانست وثیقه مطمئن دفاع از حقوق و منافع صنفی - سیاسی کارگران باشد. با وجود آنکه دولت وقت حقوق سندیکائی کارگران را به رسمیت نمی‌شناخت و ورود به اتحادیه‌ها را برای کارگرانی که در موسسات دولتی کار می‌کردند ممنوع اعلام کرده بود، کارگران همچنان در اتحادیه‌ها شرکت می‌جستند، اتحادیه‌های نوین تشکیل می‌دادند و برای تثبیت قانونی حقوق سندیکائی و اتحادیه‌ای خود پیکار مینمودند.

کارگران ایران علیرغم رشد کمی و کیفی محدود خود و با وجود آنکه پرولتاریای صنعتی در کشور ما آنچنان که باید تکوین نیافته بود با تجهیز به سازمان‌های صنفی - طبقاتی و تقویت سازمان توده‌ای، سراسری و گسترده خود یعنی اتحادیه مرکزی، در راه بهبود شرایط کار و زندگی طاقت‌فرسای خود مبارزه می‌کردند و به کامیابی‌های جدیدی نیز دست می‌یافتند. از آن جمله است اعتصاب ۷ روزه کارگران چیت‌سازی تحت رهبری اتحادیه کارگران چیت‌ساز در سال ۱۳۰۰ و اعتصاب کارگران نفت جنوب به خاطر افزایش دستمزد و به دست آوردن حق تشکیل اتحادیه در سال ۱۳۰۱. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اتحادیه‌های کارگری و بخصوص اتحادیه مرکزی برگزاری جشن اول ماه مه، روز نمایش همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان بود که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ انجام گرفت.

اتحادیه‌های کارگری و بخصوص اتحادیه مرکزی در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه حضور و مشارکت فعال داشتند و نه تنها به خاطر افزایش

بقیه در صفحه ۱۲



دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

● دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان که از تاریخ ۱۱ تا ۱۵ فروردین ماه در صوفیه جریان داشت با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره نمایندگان ضمن تایید گزارش کمیته مرکزی حزب که به وسیله رفیق تئودور ژویوکوف دبیر اول کمیته مرکزی حزب قرائت شده بحث پیرامون سیاست داخلی و خارجی حزب و خط مشی آن مبنی بر بهبود هرچه بیشتر سطح زندگی مردم و همکاری نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی پرداختند. در این کنگره نمایندگان بسیاری از کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و جنبشهای رهایی بخش شرکت نمودند. کنگره پشتیبانی خود را از ابتکارات صلح آمیزی که در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شد اعلام نمود.

شانزدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی

با موفقیت به کار خود پایان داد

● شانزدهمین کنگره حزب کمونیست چکسلواکی که در پراگ پایتخت این کشور تشکیل شده بود با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره که با حضور نمایندگان یک میلیون و پانصد هزار کمونیست چکسلواکی و نمایندگان کشورهای سوسیالیستی تشکیل یافته بود "گوستاو هوساک" دبیرکل حزب کمونیست چکسلواکی در گزارشی که تقدیم کنگره کرد به پیشرفت های عظیم چکسلواکی

در فاصله سال های ۸۰ - ۱۹۷۶ اشاره نمود و متذکر شد که در سال ۱۹۸۰ درآمد ملی کشور نسبت به سال ۱۹۷۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

گشایش دهمین کنگره حزب سوسیالیست

متحد آلمان

● دهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان در برلین گشایش یافت. شرکت کنندگان در کنگره پس از استماع گزارش "اریش هونگر" دبیرکل حزب سوسیالیست متحد آلمان به بحث و تبادل نظر پیرامون آن پرداختند. جمهوری دمکراتیک آلمان تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد این کشور با گام های استوار در راه پیشبرد ساختمان جامعه سوسیالیستی به موفقیت های بسیاری دست یافته است.

ادامه تشنج در لبنان

● نبرد خونین لبنان علیرغم پیشنهادهای مکرر آتش بس همچنان ادامه دارد. جنگ در لبنان هنگامی آغاز شد که نیروهای راستگرای لبنان که از جانب آمریکا و اسرائیل پشتیبانی می شوند به نیروهای بازدارنده عرب حمله ور شدند. آغاز درگیری های لبنان که مصادف با ورود ژنرال "هیگ" وزیر امور خارجه آمریکا به منطقه - خاورمیانه بود، به خوبی نقش امپریالیسم را در این درگیری ها برملا می سازد.

تاکنون عده زیادی جان خود را از دست داده اند و همزمان با تشدید درگیری در لبنان نیروهای صهیونیستی نیز بر شدت حملات خود به جنوب لبنان و دهکده های فلسطینی افزوده اند هم اینک اوضاع در لبنان شدیداً بحرانی است و گسترش و ادامه جنگ به شکل وسیع تر آن کاملاً ممکن می نماید. از سوی دیگر سازمان آزادی بخش فلسطین اعلام کرد که تشدید تشنجات و درگیری های اخیر

لبنان به منظور منحرف کردن افکار عمومی جهان از تهاجم جدید اسرائیل به نیروهای فلسطینی صورت گرفته است. این سازمان متذکر گردیده است که نیروهای صهیونیستی قصد دارند با استفاده از جو ایجاد شده دست به اشغال جنوب لبنان بزنند.

اخبار کوتاه

* هزاران نفر از مردم اسپانیا در مخالفت با شرکت این کشور در پیمان نظامی ناتو دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان همچنین خواستار برچیده شدن پایگاه های آمریکا در اسپانیا شدند.

* انقلابیون السالوادور برای پنجمین بار در سال جاری سفارت آمریکا در این کشور را مورد حمله قرار دادند.

* ۲۳ نفر از مردم السالوادور در یک شهرک کارگری توسط نیروهای نظامی به قتل رسیدند.

* هزاران تن از معدنچیان سیاه پوست افریقای جنوبی در اعتراض به افزایش اجاره بها مسکن دست به تظاهرات زدند.

* آمریکا ۱۵ هواپیمای اف - ۴ به ترکیه می فروشد.

* یکصد تن از کلاه سبزه های آمریکایی برای انجام مانور مشترک یک ماهه ای با ارتش لیبریا وارد این کشور شدند.

* به هنگام ورود "هیگ" وزیر امور خارجه آمریکا به انگلستان تظاهرات گسترده ای به منظور محکوم کردن جنایات امپریالیسم آمریکا صورت پذیرفت.

* وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که بودجه نظامی این کشور در سال آینده ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت.

بعد از صفحه ۱۱

مروری بر ...

دستمزدها، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط دشوار کار خود مبارزه می کردند، بلکه پیگیرانه در مبارزه علیه سلطه جوئی استعمار و ارتجاع داخلی و بخاطر آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک نیز شرکت می جستند. از جمله هنگامی که ۱۴ روزنامه ترقیخواه که از جمله شامسل روزنامه های "حقیقت" و "کار" ارگنان اتحادیه های کارگری مورد یورش ارتجاع قرار گرفتند و در حدود ۵۰۰ نفر از کارگران چاپخانه ها بیکار شدند، اتحادیه کارگران چاپ در یک جلسه فوق العاده تصمیم به اعتصاب عمومی گرفت. این اعتصاب نه تنها به خاطر بیکار شدن عده زیادی از کارگران چاپ بلکه در عین حال به منظور دفاع از آزادی های دمکراتیک انجام گرفت. دولت نیز متقابلاً دستور دستگیری و بازداشت رهبران اتحادیه کارگران چاپ: باقر نوایی، عبدالحسین گوشه ای و سید عبدالله امام را صادر نمود، در مقابل، اتحادیه مرکزی کارگران طی جلسه فوق العاده به ریاست محمددهگان همه اتحادیه ها و کارگران عضو آنها را به اعتصاب عمومی دعوت نمود. دولت وقت در برابر این تصمیم قاطع که بیانگر عزم استوار و وحدت اراده

و عمل کارگران اتحادیه ها بود، مجبور به عقب نشینی شد و ضمن آزادی نمایندگان بازداشت شده، عموم جراید توقیف شده را آزاد اعلام نمود. اعتصاب موفقیت آمیز کارگران چاپخانه های تهران تحت رهبری اتحادیه کارگران چاپ و حمایت متشکل و موثر اتحادیه مرکزی از این اقدام انقلابی موجب افزایش اعتبار سازمان های اتحادیه های طبقه کارگر و بخصوص اتحادیه مرکزی در حیات سیاسی جامعه گشت. این امر به سهم خود موجب عقب راندن ارتجاع و تحکیم نسبی آزادی های دمکراتیک شد و یکبار دیگر ضرورت و اهمیت اتحاد مبارزاتی کارگران را به ثبوت رساند.

از جمله مهم ترین پیروزی های اتحادیه کارگران ایران، تقویت پیوند انترناسیونالیستی آن با جنبش جهانی کارگری و سازمان های اتحادیه ای آنان بود.

در سال ۱۳۰۳ از سوی بین الملل سندیکاهای سرخ (پروفینترن) از اتحادیه مرکزی کارگران ایران دعوت به عمل آمد تا در کنفرانس چهارم بین الملل سوم شرکت جوید. از سوی اتحادیه مرکزی محمددهگان برای شرکت در کنفرانس انتخاب شد. در همین کنفرانس بود که اتحادیه مرکزی به عضویت بین الملل سندیکاهای سرخ پذیرفته شد و به این ترتیب همبستگی بین المللی کارگران ایران با کارگران و زحمتکشان جهان تحکیم و استوار شد. محمددهگان پس از بازگشت خود در گزارشی که به اعضای اتحادیه مرکزی

کارگران ایران داد، چنین گفت: "اتحادیه مرکزی در کنفرانس چهارم بین الملل سوم به رسمیت شناخته شد. اوضاع فلاکت بار کارگران ایران را در کنگره کارگران جهان به تفصیل شرح دادم برای مساعدت به کارگران ایران موافقت نمودند که سالی چند نفر از کارگران برای مطالعه و تحصیل در رشته صنایع مربوطه خود به روسیه بروند، پیشرفت صنایع جدید را با وضعیت فعلی کارگران روسیه از نزدیک مشاهده کنند و مدتی مشغول کارآموزی باشند." دهگان در نطق خود در کنفرانس بین الملل سندیکاهای تمام خصوصیات زندگی توأم با فقر و فلاکت کارگران ایران را ابتداء به زبان فارسی و سپس به زبان روسی بیان کرد و تحکیم همبستگی استوارتر کارگران ایران و جهان را در راه محور ریشه های ستم و استثمار آرزو نمود.

شرکت مصمانه اتحادیه مرکزی در کنفرانس بین الملل سوم و به هیچ گرفتن همه آزار و تعقیب ها و رنج و مصائبی که از جانب دولت به دنبال داشت و به ویژه تاثیر این شرکت در تحکیم پیوندهای انترناسیونالیستی جنبش کارگری جوان ایران با جنبش جهانی کارگری و کمینترن، حاوی ارزنده ترین آموزش های انترناسیونالیستی برای جنبش کارگری - کمونیستی ایران است. ما باید این سنت های گرانقدر را صمیمانه ارج گذاریم و در پاسداری و تحکیم این سنن انقلابی بکوشیم.

ادامه دارد

به مناسبت ششمین سال حماسه شهادت فدائی خلق رفیق بیژن جزنی و هم رزمان

لاله؟ بدارند و آفتاب مگر کارند

۹ زندانی در حال فرار

کشته شدند

امروز مقامات انتظامی اعلام کردند ۹ زندانی که قصد فرار داشتند کشته شدند. طبق اعلام مقامات مزبور تعدادی از زندانیان ماجراجو در داخل زندان مادرت بهمریک سایر زندانیان نبودند. مقامات زندان تصمیم گرفتند آنها را به زندان دیگری منتقل نمایند. هنگامی که اتوبوس حامل زندانیان وارد بچه‌هاستانال آنان به زندان دیگر در حرکت بود زندانیان ضمن حمله به مأمورین مستقر در اتوبوس زندانیان بر مأمورین کربن دونه از آنان موفق میشوند از اتوبوس خارج و مادرت به فرار نمایند که در این موقع مأمورین مستقر در اتوبوس متعاقب اتوبوس

که مأموریت مراتب و حفاظت از اتوبوس را بر عهده داشتند تا به تیراندازی به طرف زندانیان فراری نموده و در نتیجه ۹ نفر از زندانیان به فرار نیز کشته شدند. هیچکس موفق به فرار نگردیدند. وضع مزاجی دونه از مأمورین که یکی از آنها مورد اصابت گلوله سایر مأمورین قرار گرفته رضایت بخش است. اسامی زندانیان یاد شده به شرح زیر است:

- ۱- محمد جوان زاده ۲-
- ۳- احمد جلیل افشار ۳-
- ۴- سمرندی ۴-
- ۵- حسین ضیا ظریفی ۵-
- ۶- کمالی
- ۷- مصطفی جوان
- ۸- شرف کلاتری
- ۹- عباس موری

با نزدیک شدن ۳۰ فروردین، ۶ سال از ترور جنایتکارانه رفیق بیژن جزنی و همزمان در تپه‌های اوین می‌گذرد.

ترور وحشیانه و جنایتکارانه فدائیان خلق رفقا بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورگی، عزیزسرمدی، افشار، چوپانزاده، سعید گلانتری و مجاهدین خلق خوشدل و کاظم ذوالانوار توسط دژخیمان امپریالیسم و مزدوران دستگاه جهانی ساواک چهره ددمنش، ضد مردمی، جنایتکارانه و ضد بشری رژیم امریکائی شاه و درحقیقت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا را برملا ساخت. شهادت دلاورانه این فرزندان راستین خلق حماسه شورانگیزی از پایداری، مقاومت و تسلیم - ناپذیری انقلاب بیون ایران در برابر دشمنان مردم و جلوه درخشانی از وفاداری و پابندی آنان به مردم و آرمان استقلال و آزادی میهن و رهائی زحمتکشان از بند و بار غارت و استثمار امپریالیسم است.

ما در شرایطی خاطره پایداری و وفاداری بیژن جزنی و همزمانش را گرامی می‌داریم که انقلاب شکوهمند مردم، نظام پوسیده شاهنشاهی و ترس و نکبت دستگاه جهانی ساواک را به گورستان تاریخ سپرده و ضربات مرگباری بر پیگر امپریالیسم وارد آورده است.

اکنون در میهن ما نظام جمهوری اسلامی مستقر است. قدرت سیاسی امپریالیسم و ارتجاع داخلی که رژیم پهلوی نماینده آن بود، سرنگون شده است. این دستاورد عظیم انقلاب مردم، مقدم‌ترین هدف رفقای شهیدمان بود. آنها برای تحقق این هدف بزرگ با فداکاری پیگار کردند و شورانگیزترین حماسه‌های بشری را آفریدند.

بزرگداشت خاطره قهرمانی‌ها و دلاوری‌های این انقلاب بیون یک وظیفه انقلابی و میهنی است. همه کسانی که در راه استقلال و آزادی و رهائی زحمتکشان پیگار می‌کنند، در گرامی‌داشت ۳۰ فروردین یاد همه شهیدان انقلاب را بزرگ می‌دارند.

آنچه که در زیر می‌خوانید، خاطراتی است از رفیق فرخ‌نگهدار قدیمی‌ترین هم‌رزم سازمانی جزنی. باشد که نقل این خاطرات گوشه‌هایی از زندگی و شخصیت سرشار از مبارزه و ایمان رفیق بیژن جزنی و هم‌زمان را برای خلقهای قهرمان ایران روشن‌تر کند.

مبارزه را به‌کار گیرد. هم مبارزه علنی، هم مبارزه سیاسی مخفی و هم مبارزه مسلحانه. عزیز می‌گفت باید با این گروه همکاری کرد و من از این پیشنهاد استقبال کردم.

من موضوع را با رفیق همکلاسی که روحیه مبارزاتی بسیار نیرومندی داشت، در میان گذاشتم و ما هردو تقریباً از اواسط تابستان سال ۴۲ بود که به عضویت گروه رفیق شهید بیژن جزنی درآمدیم.

تا سال ۴۴ فعالیت عملی گروه کار انتشاراتی بود. اعلامیه‌ها و نشریاتی از قبیل پیام دانشجویان را به صورت پلی‌کپی چاپ و پخش می‌کردیم.

سال ۴۴ رفیق جزنی دستگیر شد و اتهام او انتشار مجله "پیام دانشجویان" بود. این ارگان توسط کمیته دانشگاه جبهه ملی چاپ و منتشر می‌شد. رهبری جبهه ملی سالها بود که مبارزه را کنار گذاشته بود و این ارگان تحت رهبری جبهه ملی نبود.

وقتی بیژن دستگیر شد، تازه من متوجه شدم که بیژن چه نقش بزرگی در پیشبرد کار گروه بر عهده داشته چرا که در ماه‌های بعد ما تنها فقط موفق شدیم یک شماره نشریه "پیام دانشجویان" را که از قبل مطالب آن آماده شده بود، به چاپ برسانیم. با دستگیری رفیق بیژن می‌شود گفت که تقریباً کارهای گروه متوقف شد.

رفیق جزنی را به اتهام اقدام علیه امنیت کشور محاکمه و به ۹ ماه حبس محکوم کردند. علت این محکومیت انتشار مقاله‌ای بود در نشریه "پیام دانشجویان" که می‌گفت ما باید در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دیکتاتوری از خلق ویتنام درس بگیریم.

نوروز سال ۴۵ بیژن از زندان آزاد شد و گروه جان تازه‌ای به خود گرفت. این بار بیژن بعد از فرصتی که در زندان برایش پیش آمده بود، با طرح‌های جدیدی فعالیت دوباره را آغاز کرد. او خط مشی‌ای را در گروه به اجرا گذاشت که فعالیت مبارزاتی گروه را عمدتاً در دو مسیر جهت می‌داد. اول و با حفظ اولویت، تدارک مبارزه مسلحانه بود هم در کوه و هم در شهر و مبارزه سیاسی - صنفی را در محیط‌های علنی برای پشتیبانی از این مبارزه برای رهبری فعالیت‌های توده‌ای توصیه می‌کرد. تقریباً می‌توانم بگویم که کارها دوباره از صفر آغاز شد. حتی عضوگیری‌ها و تقسیم مسئولیت‌ها.

در تمام این سالها نظرات دیگری هم در گروه مطرح بود. از جمله اینکه شرایط سخت است و ما نمی‌توانیم مبارزه عملی را در این شرایط پیش ببریم، باید فعلاً مطالعه بکنیم. یک نظر دیگر

نمی‌کنند. در آن زمان رهبران جبهه ملی اظهار با رژیم شاه ابراز مخالفت می‌کردند اما همین که رژیم شاه به اصطلاح آن روی خود را نشان داد و آنها را تهدید به دستگیری و زندان کرد که ابراز مخالفت نکنند، آنها اعلام کردند که باید سیاست صبر و انتظار پیش گرفت. زیرا در شرایط فعلی دیگر مبارزه فایده‌ای ندارد.

اوایل سال ۴۲ بود که جبهه ملی عملاً به مبارزات خویش پایان داد و من از طریق دانشجویان می‌شنیدم که عده‌ای از دانشجویان مبارز می‌گویند:

"می‌توان به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه داد و اینکه رهبران جبهه ملی می‌گویند دیگر مبارزه فایده‌ای ندارد، درست نیست. آنها بر اثر زیاد شدن فشار، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند و نمی‌خواهند مبارزه کنند."

رفیق شهید بیژن جزنی از شناخته‌شده‌ترین افرادی بود که چنین اعتقاداتی داشت.

اولین سال‌های فعالیت گروه

در روزهای بعد از ۱۵ خرداد بود که رفیق شهید عزیزسرمدی مطرح کرد که در شرایط جدید وقتی که رژیم شاه مردم را در خیابان‌ها به مسلسل می‌بندد، مردم هم باید شیوه‌های جدیدی را در مبارزه خود در پیش گیرند. او گفت گروهی تشکیل شده و می‌خواهد تمام اشکال

نخستین دیدار

● سال ۳۸ بود. جنبش مردم کم‌کم داشت اوج می‌گرفت. من همراه با نوجوانانی که هم سن و سال من بودند، کم‌کم متوجه مسائل سیاسی می‌شدیم و روز به روز علاقه بیشتری پیدا می‌کردیم که در جنبش مردم شرکت داشته باشیم.

رفیق شهید عزیزسرمدی آن زمان از دوستان فامیلی ما بود و برای من تعریف می‌کرد که دوستی دارد که خیلی چیز می‌داند و هر سئوالی داشته باشد از او می‌پرسد. او به من گفت که دوستش در دانشکده ادبیات تحصیل می‌کند. من تا مدت‌ها تحت تاثیر عزیز قرار داشتم و خیلی کنجکاو بودم که بدانم این دوست خوب عزیز کیست. او به من نگفته بود که دوستش کیست. تقریباً یک سال بعد، یک روز ما با عزیز به خانه یکی از دوستان رفته بودیم که او بیژن را به من نشان داد و گفت "آن دوست خوب من بیژن جزنی است که اکنون اینجا است."

این نخستین دیدار من با بیژن بود.

شنیده بودم بیژن یکی از رهبران جنبش دانشجویی است که از کارگران و مردم زحمتکش جامعه طرفداری می‌کند. شنیده بودم که همه رهبران جنبش دانشجویی مثل بیژن نیستند. همه آنها از کارگران و زحمتکشان پشتیبانی

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

بمه از صفحه ۱۳

لایحه بیدارند...

هم می‌گفت که شرایط سخت است و ما نمی‌توانیم هیچ کاری از پیش ببریم. حداکثر کاری که می‌توانیم انجام بدهیم این است که چند نفر را بکشیم و خود را هم به کشتن بدهیم. رفیق بیژن موکدا با این نظرات مخالفت می‌کرد و می‌گفت که اینکه می‌گوئید هیچ کاری از دست ما ساخته نیست، این ناشی از روحیه یاس و سرخوردگی است. اگر ما عزم مبارزه داشته باشیم حتما راه‌های آن را هم می‌توانیم پیدا کنیم. این یک درس بسیار بزرگی است که آن زمان رفیق بیژن به گروه و امروز به تمام انقلابیون خلق داده است. رفیق بیژن با این نظرات که می‌گفت مبارزه عملی نمی‌تواند جریان پیدا کند، به شدت مخالف بود و آن را ناشی از تسلیم در برابر شرایط می‌دید. از سوی دیگر رفیق با این فکر که ما فقط باید چند نفر را بکشیم و خود را به کشتن بدهیم هم به شدت مخالف بود و این را از سر یاس و سرخوردگی که در قالب ماجراجویی ظاهر شده، می‌انگاشت. رفیق می‌گفت اگر ما امروز نتوانیم گروه را به درستی هدایت کنیم، فردا هرگز نخواهیم توانست خلق را هم به درستی رهبری کنیم. رفیق می‌گفت اگر ما درک کنیم که این ما هستیم که باید رهبری مبارزات خلق را علیه دیکتاتوری، امپریالیسم و سرمایه‌داری به دست بگیریم، آن وقت بهتر درک خواهیم کرد چه اهمیتی هر سخن ما دارد، که چه اهمیت دارد هر تصمیم ما و چه اهمیتی دارد هر عمل ما. رفیق می‌گفت مبارزه امری است سخت و طولانی و انقلابی کسی است که در برابر این سختی‌ها تسلیم نشود. رفیق می‌گفت ما در شرایط بسیار سختی مبارزه می‌کنیم. از یک طرف فشار دیکتاتوری و از طرف دیگر رکود مبارزات توده‌ها بر شانه‌های ما سنگینی می‌کند. اما باید دید منظور از این همه تاکید روی سختی شرایط مبارزه چیست؟ برخی از تاکیدات روی سختی شرایط مبارزه به این نتیجه می‌رسند که فعلا کاری نمی‌توان کرد. او همواره به ما می‌آموخت که وقتی شرایط مبارزه سخت‌تر می‌شود، ما باید در ادامه راه سخت‌تر، در انتخاب رفقای خویش سخت‌گیرتر باشیم. بیژن این آموزش را در عمل به کار بست و چنانکه دیدیم، هیچ‌یک از رفقای گروه ما قدم از راه باز نهند و در راه خلق باقی ماندند.

بیژن در طی سالهای ۴۵ تا ۴۶ پیگیرانه در جهت بازسازی گروه و آماده کردن آن برای فعالیت انقلابی کوشش کرد. اما در اواخر سال ۴۶، در دی‌ماه ۴۶، با دستبرد راهزنان ساواک به گروه ما، رفیق بیژن و رفیق عباس سورکی دستگیر شدند. ساواک این رفقا را به شدت شکنجه کرد تا شاید ردپائی از سایر رفقا به دست آورد ولی آنها نزد دشمن دم از سخن گفتن فرو بستند.

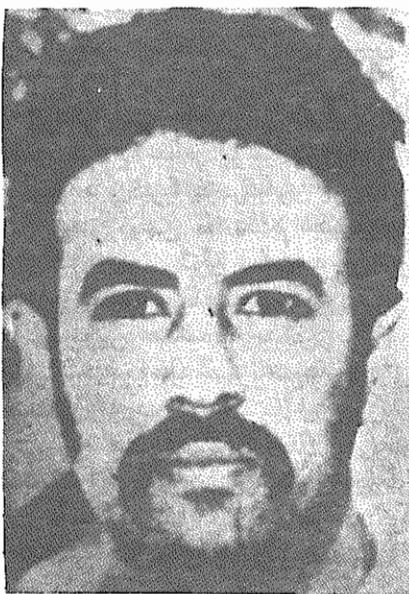
رفیق جزنی و ۱۳ تن از همزمان او دستگیر شده بودند. این دستگیری‌ها عمدتاً از دو طریق بود. یکی از طریق همکاری شخصی به نام ناصر آقایان با ساواک، و دیگر به خاطر همکاری تشکیلات حزب توده ایران با ساواک و دام - گستری‌های این تشکیلات در برابر گروه ما بود که منجر به دستگیری عده‌ای رفقا از جمله چوپانزاده و سعید کلانتری گردید. شکنجه‌های ساواک باعث نشد که گروه ضربه اساسی ببیند و اطلاعات زیادی به دست آنها بیفتد.

مسائل سیاسی ندیده‌ام. او همیشه ما را به برخورد سنجیده با مسائل و مسئولیت‌هایی که در پیش روی ماست، دعوت می‌کرد.

او با برخورد عجولانه نسبت به مسائل، سخت مخالفت می‌کرد و معتقد بود بدون تدارک کافی اقدام به عمل کردن به معنی پیشواز شکست و ناکامی است. رفیق جزنی همواره تاکید داشت که تصمیمات و کارهای ما باید قبل از همه پاسخگوی مصالح جنبش و انقلاب باشد. او اعتقاد داشت که انقلابی بودن تنها باز نمی‌گردد به اینکه تصمیمات سریع و قاطعانه گرفته شود، بلکه به این نیز بازمی‌گردد که تصمیمات سریع و قاطعانه در برابر رژیم تا چه اندازه در خدمت منافع خلق و منافع جنبش قرار می‌گیرد.

در اواخر سال ۴۷ و اوایل سال ۴۸ بیژن و دیگر همزمانش را تبعید کردند. رفیق بیژن به زندان شهربانی قم تبعید شد و من تا سال ۵۱ دیگر موفق نشدم او را ببینم. یادم نمی‌رود که

رفیق بیژن در مورد خطر نفوذ پلیس در سازمان‌های سیاسی تاکید واقعی جدی داشت. او مدام تاکید می‌کرد که ما در قبال جنبش خلق مسئولیم و هرگونه اطلاعی از نفوذ و رخنه پلیس یا همکاری بعضی از عناصر با ساواک داریم، باید با شهادت انقلابی آن را منتشر کنیم تا این عوامل موفق نشوند سایر نیروها را هم به دام بیاورند و مجری اهداف پلیس ساواک شوند. ما در آن زمان وسیعاً موضوع همکاری ناصراقیان را با ساواک و همچنین موضوع نفوذ گسترده پلیس در رهبری تشکیلات تهران را افشاء کردیم و همه در زندان‌های سیاسی و در جنبش اطلاع داشتند که در راس تشکیلات تهران عناصر ساواکی قرار گرفته‌اند و مشغول ضربه زدن به جنبش هستند. این مسائل حتی در خارج هم منعکس شده بود. من اطلاع موثق دارم که رفیق بیژن برای انعکاس هرچه بیشتر این حقایق در سطح جنبش خلق، کوشش بسیار و پیگیری بسیار به خرج داده



فدائی خلق رفیق شهید

سعید کلانتری مشعوف



فدائی خلق رفیق شهید
محمد چوپانزاده



فدائی خلق رفیق شهید
حسن ضیاء ظریفی



فدائی خلق رفیق شهید
عباس سورکی



فدائی خلق رفیق شهید
عزیز سردی

★ مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل

★ فدایی خلق رفیق شهید جلیل افشار

★ مجاهد شهید کاظم ذوالانوار

بیژن هنگام خداحافظی به همه ما گفته بود: " مطمئنم که وضع به همین صورت باقی نمی‌ماند. مطمئنم که زمین گرد است و ما باز هم همدیگر را خواهیم داد."

در تیرماه سال ۱۳۵۱ بود که من بار دیگر بیژن را در زندان عمومی قزل‌قلعه دیدم. ما زیر درخت بید معروف قزل‌قلعه یکبار دیگر دست همدیگر را فشردیم. من یاد حرف سه سال پیش بیژن هنگام خداحافظی افتادم و گفتم:

"بیژن، مثل اینکه واقعا زمین گرد است!"
در طول سه سالی که او را ندیده بودم، حوادث فراوانی بر من گذشته بود. من سفرها و ناکامی‌ها و کامیابی‌های خود را با او در میان گذاشتم. او با دقت به حرف‌های من گوش کرد و آخر گفت:

"می‌دانی اشکال کار تو چیست؟ اشکال کار تو در این است که مبارزه ذاتا امری است جمعی و تو هنوز به این الفبا خوب پی نبرده‌ای."
این حرف بیژن هم یکی از همان حرفهائی بوده‌است که همواره در گوش من طنین داشته است. یک دنیا حقیقت در این جمله نهفته است.

بمه در صفحه ۱۵

بود اما متأسفانه این کوشش‌ها در آن زمان از جانب رهبری حزب توده ایران مورد توجه واقع نشد و موجب شد که این دار و دسته پلیسی ضربات بازهم مهلک‌تری به جنبش خلق وارد کنند.

رفیق جزنی در زندان

بیژن زندان را به دانشکده انقلاب مبدل ساخت. او در تعبیر فضای زندان‌های سیاسی ایران درجهت توجه دادن زندانیان به تفکر و تحقیق پیرامون مسائل اساسی جنبش تاثیر قاطعی داشت. او در زندان لحظه‌ای از انجام وظایف و مسئولیت‌های خود به عنوان یک انقلابی غفلت نوریذ و همواره در تلاش این بود که برای تاثیر گذاری بر جنبش و تحکیم ارتباط خود با بیرون از زندان به منظور انجام دقیق‌تر و فعال‌تر وظایفی که در قبال جنبش و مردم بر عهده داشت، روش‌های موثرتری جستجو نماید.

چیزی که همیشه مرا تحت تاثیر قرار می‌داد، نبوغ، تیزبینی و هشیاری رفیق جزنی بود. تقریباً می‌توانم با اطمینان بگویم که هیچ رفیق دیگری هشیارتر از او نسبت به وقایعی که در پیرامونش می‌گذشت و تیزبین‌تر از او در تحلیل

بمه از صفحه ۱۴

لایحه پیشنهاد

بیژن هم تعریف کرد که در این سالها بر او چه گذشته و چه کرده است. در این مدت واقعا بیژن از شخصیتی که در رهبری یک گروه قرار داشت، به شخصیتی بدل می شود که در رهبری یک جنبش قرار دارد. جنبشی که با اقدامات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در حال اوج گیری بود. فرق اساسی وجود دارد میان فردی که رهبر یک گروه است با فردی که رهبر یک جنبش است. دیدم بیژن این بار مسائل را بسیار عمیق تر و بسیار وسیع تر بررسی می کند. تصمیمات او تضمیناتی است که می کوشد سرنوشت یک جنبش را دگرگون سازد. بیژن هرچه بیشتر این حقیقت را آشکار می ساخت: که شایسته این هست که در رأس جنبش عمومی و سراسری فدائیان خلق قرار گیرد.

بیژن در مقام رهبری جنبش فدائیان خلق

بیژن پیگیرانه و بطور کاملا مصممانه ای درصدد این بوده که مسائل و پیچیدگیهای جنبش انقلابی خلق را پاسخ گوید. همه فشارهایی که روی جنبش بود و راه بیرون رفتن از آن، مسائلی بود که تمام ذهن رفیق را به خودش مشغول داشته بود. او قلم دست گرفته بود و شاید روزانه بیش از ۱۶ ساعت کار می کرد. می نوشت و می خواند. رفیق جزئی تصمیم گرفته بود که به مسائل نظری جنبش پاسخ بگوید. او مطمئن بود که طرح یک سری مسائل نظری، راه را برای زدودن انحرافات درون جنبش باز می کند. رفیق جزئی در طی سالهای ۵۱ تا ۵۴ که سه سال آخر حیات پرثمر او بود، گام های بسیار عظیم در این راه به پیش برداشت.

لازم است متذکر شوم که قضاوت ما درباره شخصیت ها و سازمان های انقلابی، زمانی واقع-بینانه، علمی و منصفانه است که مبتنی باشد بر شرایط تاریخی پیدایش و رشد آن سازمان ها و آن شخصیت ها. این به نظر من یک قضاوت کاملا ایده آلیستی است هرگاه درباره یک سازمان یا یک شخصیت جدا از شرایطی که او را احاطه کرده و جدا از پروسه رشد او داوری کنیم. بخصوص تاکید می کنم که امروز این پدیده یکی از بیماری های تمام سازمان های انقلابی است.

ما وقتی که راجع به پیشرفت های فکری و تئوریک و عملی رفیق بیژن در سه ساله آخر حیات پرثمرش انگشت می گذاریم، دقیقا متوجه کل شرایطی هستیم که رفیق در آن قرار داشت و حد تکامل و رشد جنبش انقلابی خلق در آن مقطع را در مد نظر داریم. ما در شرایطی به سر می بردیم که هیچ تجربه انقلابی از گذشته برای ما به جا نمانده بود. سازمان های حزب توده ایران کاملا متلاشی شده بود و بقایایش هم به تسخیر ساواک درآمده بود. نسل گذشته ارتباطش با نسلی که من نیز از آن نسل هستم، بطور کلی قطع شده بود. رهبران گروه ما شاید آخرین کسانی بودند که بازگشت از تجربیات دوران مبارزاتی ۲۸ تا ۳۲ را همراه داشتند. بیژن در سالهای ۲۸ تا ۳۲ عضو ساده سازمان جوانان حزب توده ایران بود. بررسی این نظرات و نقش رفیق بیژن در سازمان ما با توجه به این واقعیت باید صورت گیرد که هیچ تجربه ای از گذشته باقی نمانده بود و آنچه که بود، نبوغ و خلاقیت و تجربه و کار و کوششی بود که می بایست خود رفقا در آن شرایط

طراقت فرسا در خود می پروراندند. این یک واقعیت تاریخی است که ما از صفر شروع کردیم. حتی زیر صفر. واقعا زیر صفر. وقتی ما روی شرایط سخت آن سالها انگشت می گذاریم، تنها توجه به این نداریم که فشار یلیس زیاد بود و جنبش توده ای در حال رکود، بلکه از آن مهم تر روی این تاکید داریم که هیچ سازمان انقلابی واقعا وجود نداشت که بتواند رهبری مبارزات خلق را در دست گیرد یا تجربیات خود را در اختیار انقلابیونی بگذارد که قدم در راه نهاده اند و می خواهند در راه رهایی ایران از قید دیکتاتوری شاه، ستم امپریالیستی و ستم سرمایه داری مبارزه کنند. برای اینکه نقش پیشرو رفیق بیژن را بهتر بشناسیم، کفایت به دو مسئله اشاره کنیم. من اشاره به این دو مسئله اساسی را کافی می دانم:

برای اینکه بفهمیم چنانکه رفیق بیژن امروز در بین ما بود، به کدام سو قدم می نهاد و به کدام سمت می نگرید و چه اندیشه هایی را رهنمون عمل انقلابیون کمونیست می ساخت، یکی مراجعه به اظهارات و نظرات رفیق است در مورد شرایط مبارزه انقلابی در میهن ما و دیگری بررسی نحوه نگرش او به جنبش جهانی کمونیستی و انحرافات درون آن.

در مورد اول زمانی که جنبش فدائیان خلق مواجه بود با درک های بسیار انحرافی از مسئله انقلاب و مضمون آن و شرایط آن، رفیق با شجاعت و با پیگیری تمام به رفقا نشان داد که برای اینکه بتوانیم نام انقلاب بر این مبارزه بگذاریم، برای اینکه بگوئیم قیام آغاز شده است باید بر این نظریه سترگ لنین که قانون اساسی انقلاب است و راهنمای عمل همه انقلابیون در تمام انقلاب ها است، گردن بگذاریم. رفیق این نظر را که موقعیت انقلابی در ایران فراهم است، قاطعانه رد کرد و شجاعانه ایستاد و از نظر خودش که درست بود و منطبق با واقعیت عینی بود، دفاع کرد. رفیق به همه آموخت قانون موقعیت انقلابی، قانون اساسی همه انقلاب ها است و لنین آن را به روشنی برای همه ما تعریف کرده است. این تعریف عام است و شامل انقلاب ایران هم می شود. وقایع سال های ۵۷ و انقلاب بهمین به درستی به همه ما بنا به تجربه آموخت که این نظر لنین تا چه حد داهیهانه بوده است. امروز همه رفقای ما که آن سالهای زندان را با هم بوده ایم، بهتر می توانند درک کنند که چه اهمیتی داشت این دفاع قاطعانه رفیق بیژن از فرمول لنینی موقعیت انقلابی و صحت آن در مورد تمام انقلاب ها. رفقای ما که در آن روزها در آن بحث ها شرکت داشتند، امروز بهتر می توانند به خاطر بیاورند که چگونه پای بندی به این اصل لنینی نقطه آغازی شد برای رد "مشی مسلحانه پیشتاز"، برای رد عملیات چریکی بمناب مشی عمده فعالیت انقلابی در شرایط رکود جنبش توده ای. یا به زبان دیگر همان گونه که رفیق بیژن مصطلح کرد، رد "نقش محوری مبارزه مسلحانه". بعدها همه رفقای ما متوجه شدند که چه رابطه تنگاتنگی وجود دارد میان شرایط عینی و اشکال مبارزاتی. بعدها همه ما به این نتیجه منطقی رسیدیم که وقتی موقعیت انقلابی در راه نباشد، مشی نظامی هم نمی تواند مشی ای اصولی و مورد قبول باشد. اما این مسئله ای که امروز بسیار ساده می نماید، آن روز یکی از پیچیده ترین مسائل جنبش ما بود.

بعدها رفقای که در جریان تحول نظریات رفیق بیژن بودند و در غیاب او این مسیر تحول را با گام های استوار و با کوششی بی نظیر به پیش بردند، با ایمانی عمیق همواره به خاطر می آورند که اگر آموزگارش رفیق بیژن هم در میان ما بود او هم مسلما به همین نتایج می رسید. این گونه

اظهار نظر رفقا در مورد پیش بینی پروسه تحول نظری رفیق بیژن از آنجا ناشی می شد که آنها در جریان سالها زندگی با او به این نتیجه قطعی دست یافته بودند که رفیق از هر تئوری علمی و از اصول مارکسیستی که بدان آگاهی می یابد، دفاع می کند و تحت تاثیر شرایط و موقعیت های خاصی که پدید می آید، اصولیت و وجدان علمی و مارکسیسم - لنینیسم را فدای بهره گیری از موقعیت نخواهد کرد.

مسئله دیگر، نحوه برخورد رفیق با مسائل انقلاب و سوسیالیسم در مقیاس جهانی است. رفیق بیژن در تمام طول زندگی پرشورش هیچگاه علیه سوسیالیسم و علیه جنبش جهانی کمونیستی و برضد اتحاد شوروی سخنی نگفت. اهمیت این سخن وقتی خوب درک می شود که به یاد آوریم که جنبش چریکی فدائیان خلق تا چه میزان آمیخته بود به اندیشه های انحرافی مائوئیستی و ماجراجویانه و تا چه حد آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم در جنبش انقلابی ما نفوذ داشته و ریشه دار بوده است. در شرایطی که زمینه بسیار مساعدی برای موضع گیری ضد شوروی در جنبش انقلابی ما فراهم بود، رفیق بیژن بیشترین تلاش خود را به کار می بست تا اذهان نیروهای انقلابی را متوجه انحرافات اساسی حزب کمونیست چین و رهبری آن کند. رفیق در آن زمان که هنوز سطح آگاهی ما به آن حدی نرسیده بود که این انحرافات را درک کنیم، در مورد انقلاب فرهنگی چین همواره می گفت: "این آنارشیسم محض است."

آن روز رفیق در مورد این گروه های پیرو مائو قضاوت درستی داشت. او در آن روزها در مورد این گروه ها که از اصطلاح "پروچینی" استفاده می کرد و در مورد آنها می گفت که پروچینی ها فقط بلدند که روی صفحه تلویزیون شاهنشاهی بدرخشند! کنایه او به خیانت های مکرر این گروه های از خارج برگشته به جنبش انقلابی خلق بود. آموزنده است هرگاه دقت کنیم که رفیق بیژن هرگز اصطلاح "پروشوروی" را به کار نبرد و نمی برد و با این اصطلاح مخالف بود و با به کار نبردن آن مخالفت خودش را با این اصطلاح نشان می داد. اصلیتی که برای حزب کمونیست اتحاد شوروی قائل بود، به نظر ما امروز قابل تحسین است. رفیق همواره اینطور به ما می آموخت که حزب کمونیست اتحاد شوروی اگر هم خطاهایی داشته باشد، آن را رفع خواهد کرد. به تجربه به ما ثابت شده که باید در مورد حزب کمونیست اتحاد شوروی این گونه قضاوت کنیم. رفیق در مورد حزب توده ایران نیز قضاوت صریحی داشت. رفیق همیشه تاکید می کرد که ما به آنها نمی گوئیم که آنها هم مبارزه مسلحانه را بپذیرند. این درست است که آنها اعتقادی به این مبارزه ندارند. ما به آنها می گوئیم شمالا اقل اعلامیه های خود را در میان کارگران و زحمتکشان شهر پخش کنید، لاقابل شعارها را روی دیوار بنویسید. این کار به سود جنبش خلق است. این کار به زیان رژیم شاه به شمار می رود. رفیق در مورد مبارزه روحانیون نیز همین اعتقاد را داشت و معتقد بود که آنها گرچه به صورت یک سازمان به مبارزه مسلحانه دست نمی زنند، ولی تبلیغات آنها در میان توده ها می تواند به روشن شدن اذهان نسبت به ماهیت رژیم شاه کمک رساند و باید مورد حمایت ما واقع شوند. به ویژه ارزیابی رفیق جزئی از نقش و موقعیت آیت الله خمینی که با صراحت و روشنی تمام در آثارش بیان شده است، نشانه نبوغ سیاسی و واقع بینی شگرف اوست.

او معتقد بود که آیت الله خمینی و طرفدارانش یک نیروی ضد امپریالیست است که باید مورد حمایت تمام نیروهای انقلابی از جمله کمونیست ها قرار گیرند. او به ویژه با توجه به

بقیه در صفحه ۱۶

نیمه از صفحه ۱۵

لایحه بیدارند...

ضعف‌های جدی جنبش کارگری و کمونیستی، بر احتمال به دست گرفتن رهبری جنبش خلق توسط آیت‌الله خمینی و پیروان او با صراحت تمام و در آثارش تاکید کرده است.

شهادت بیژن و هم‌زمانش

ما همیشه نسبت به وقوع این فاجعه بیمناک بودیم. رفقا روی نقش سازنده و پیشبرنده بیژن انگشت می‌گذاشتند و معتقد بودند که موقعیت بیژن از چشم رژیم پنهان نمانده است. در آن سالها بارها این صحبت پیش آمده بود که رفقا باید مواظب جان خود باشند. رژیم بسیار ددمنش بود و قرائن زیادی دال بر طرح ریزی توطئه‌ای علیه انقلابیون فعال در زندان دیده می‌شد. ما نمونه‌هایی داشتیم که رژیم درصدد برآمده بود تا طرح توطئه به شهادت رساندن رفقای ما را به اجرا بگذارد. از آن جمله طرح اعدام رفیق ضیاء‌ظریفی که پس از بیژن برجسته‌ترین فرد گروه بود، در سال ۵۰ بود. هرچه مردم آگاه‌تر می‌شدند، هرچه جنبش انقلابی اوج بیشتری می‌گرفت، درنده‌خوئی رژیم نیز برای مقابله با جنبش انقلابی، علیه انقلابیون شدت بیشتری می‌یافت. رژیم هر روز هارتر می‌شد.

روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ بود. چهار روز پس از اعلام موجودیت حزب رستاخیز توسط شاه. بلندگوهای زندان اسامی ۳۶ نفر زندانی را برای انتقال از زندان اعلام کرد. همه فعالین سیاسی زندان جزو این ۳۶ نفر بودیم. ما را دستبند زدند. چشم‌های ما را بستند و به ما نگفتند که ما را به کجا می‌برند. وقتی از آمبولانس پیاده شدیم، من از دیوارهای زندان شناختم که اینجا اوین است. در رخت‌کن زندان اوین من از زیر چشم‌بندی که به چشمانم زده بودند، رفیق بیژن جزنی را هم دیدم و فهمیدم که او را هم با ما به اوین آورده‌اند. ما را به سلول بردند. دیگر ما از همدیگر خبری نداشتیم. سلول‌های زندان اوین که بسیاری از مردم بعد از فتح آن آنجا را دیده‌اند، طوری ساخته شده که تقریباً زندانیان نمی‌توانند متوجه بشوند که چه کسانی در سلول‌های مجاور قرار دارند. من فقط متوجه شدم که در تمام سلول‌ها زندانی هست. اما تا مدت‌ها نمی‌دانستم که در این سلول‌ها کدامیک از رفقا را به زنجیر کشیده‌اند. بعد از مدت‌ها فهمیدم که رفیق عزیز هم در ردیف ما زندانی است. با او از طریق "مورس" تماس گرفتم. اسم خود را به روی دیوار برای من نواخت. مطمئن شدم که خود اوست.

روز پنجشنبه بیست و هشتم فروردین بود. عصر، من در سلول مشغول ورزش بودم. وقتی درهای سلول‌ها را یک به یک باز می‌کردند، برای اینکه غذا بدهند، من متوجه شدم که گویا یکی از زندانی‌ها را برده‌اند. کنجکاو بودم که بدانم این رفیق عزیز است یا نه؟ فردا وقتی مرا برای بردن به بهداری از سلول خارج کردند، دیدم که در سلول رفیق عزیز - که فهمیده بودم کدام سلول است - نیمه‌باز است. فهمیدم که رفیق عزیز را دیروز، عصر پنجشنبه، از سلول خارج

کرده‌اند. وقتی صدای درهای ردیف‌های دیگر را کنترل کردم، متوجه شدم که از ردیف‌های دیگر هم رفقای را برده‌اند. هنوز نمی‌دانستم که قضیه چیست...

سه‌شنبه دوم فروردین بود. صبح مرا از سلول صدا زدند. فکر کردم که مرا هم می‌خواهند به عمومی ببرند اما وقتی چشمانم را باز کردند، خود را در دفتر مدیر زندان یافتم. نمی‌دانستم او کیست. تا آن زمان او را ندیده بودم. شروع به صحبت کرد. از هر موضوعی صحبت کرد، بعد پرسید:

"تو آیا در گروه جزنی بودی؟"

من پاسخ مثبت دادم. گفت:

"می‌دانی همه‌شان کشته شده‌اند؟"

من فکر کردم از آن شوخی‌های بی‌مزه ساواکی‌ها است که می‌خواهند زندانی‌ها را بازیچه دست خود قرار دهند. خونسرد سکوت کردم. دوباره گفت:

"جدی می‌گویم. همه‌شان کشته شده‌اند."

من باز به چشمان او نگاه کردم و سکوت کردم. گفت:

"باور نمی‌کنی؟"

با خشم و بی‌پروا به چشم‌هایش خیره نگریستم.

زنگ زد که گماشته او روزنامه را برایش بیاورد. من قلمم به شدت می‌تپید. فکر کردم که چه اتفاقی ممکن است افتاده باشد. نگهبان روزنامه را آورد. تیتر بزرگ "کیهان" به چشم خورد که نوشته بود ۹ زندانی در حال فرار کشته شدند! عرق سردی بر پیشانی‌م نشست یک‌دفعه به یاد سلول خالی عزیز افتادم به شدت نگران شدم ناگهان فهمیدم که ممکن است مسئله‌ای جدی باشد توی عالم خودم بودم. نمی‌دانستم کجا هستم هنوز تصمیم نگرفته بودم که چه برخوردی داشته باشم نفرت و خشم غریبی سراپایم را فرا گرفته بود.

من نگاه‌عظیم‌آلودم را به چشمانش انداختم. احساس کردم که او نیز از عکس‌العمل من هراسان است. به نگهبان گفتم:

"زندانی را سرچایش برگردانید!"

وقتی از اتاق خارج می‌شدم، گفتم:

"روزنامه را به او بدهید بخواند."

در سلول روزنامه را خواندم، در این لحظات اول بیش از هر چیز مسائل عاطفی مرا در خود فرو برده بود. خاطرات ۱۶ سال همه جلوی چشمم رژه رفتند. هنوز نمی‌خواستم باور کنم که مسئله حقیقت دارد. احساس کردم هیچ چیزی نمی‌تواند خلاء وجود رفقا را برایم پر کند. نفرت غریبی سراپای وجودم را فرا گرفته بود. هر لحظه معتقدتر می‌شدم که این جنایت رژیم ناشی از زبونی اوست. رژیم فهمیده است که پایدار نمی‌ماند از این نظر جنگ و دندان تیز کرده تا انقلابیون خلق را یک‌یک از آغوش خلق برباید. معتقدتر شدم اگر روزی جنبش توده‌ای اوج گیرد و پایه‌های رژیم شاهنشاهی را به قصد سرنگونی به لرزه درآورد، آن روز بازهم رژیم ددمنشانه‌تر مردم را به گلوله خواهد بست و چنین نیز شد.

خیلی زود ما را به زندان عمومی آوردند. بحران سیاسی در رژیم شاه بر اثر بالا گرفتن بحران عمومی امپریالیسم و به تبع آن بحران در جامعه ما، در حال بالاگرفتن بود. نشانه‌های با اهمیتی در زمینه رشد و گسترش مبارزات اعتراضی و انقلابی توده‌های میلیونی مردم محروم هر روز آشکارتر می‌شد. زندان نیز به نحو قانونمند بر بستر این بحران‌ها به استقبال بحران خاص خود می‌رفت.

فقدان بیژن و حسن و دیگر رفقا محسوس بود

ما سرسخت و با شجاعت همه مسئولیت‌ها را پذیرفتیم و مصمم شدیم که با جنگ و دندان، با صداقت و ایثار، با فداکاری و پای‌بندی به مصالح مردم، انقلاب و سوسیالیسم وظایف و رسالت انقلابی را که بر عهده داریم، با تمام توان به انجام رسانیم.

بعدها روزی پس از شهادت رفیق حمیداشرف و هم‌زمان، من در حیاط زندان عمومی اوین با یکی از رفقا قدم می‌زدم و با هم به سرنوشت خلق و به سرنوشت انقلابی که در راه بود می‌اندیشیدیم. صحبت می‌کردیم که بیژن و حسن را از دست داده‌ایم و دشمن، حمید را نیز از ما گرفته است. می‌گفتیم بهترین رفقای ما شهید شده‌اند و از خود می‌پرسیدیم آیا رفقای ما که در خارج از زندان با رژیم پیکار می‌کنند، درک

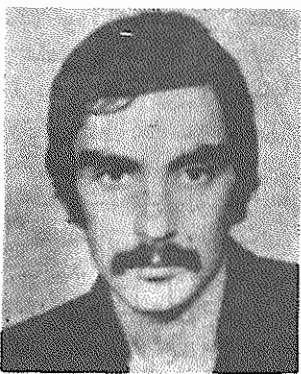
نیمه در صفحه ۲۴

در هر رگ برگ

خون یاران رفته است

خانواده شهدا و اعضا و هواداران سازمان با ارسال نامه‌های متعدد برای "کار" ما را در تکمیل لوح شهدای سازمان یاری نموده‌اند. ما ضمن ارج نهادن بر تلاش آن دسته از خانواده‌ها و رفقای که برایمان نامه فرستاده‌اند دعوت‌مان را مبتنی بر معرفی شهدای گمنام سازمان تکرار می‌نمائیم و اسامی چهار رفیق زیرین را به لوح شهدا می‌افزاییم:

- ۱ - ☆ رفیق شهید غفار یعقوبی (زحمتکش روستا)
- ۲ - ☆ رفیق شهید توفیق رجب‌پور (زحمتکش روستا)
- ۳ - ☆ رفیق شهید حمید رضوان (مهندس)
- ۴ - ☆ رفیق شهید فرامرز حمید



☆ فدائی
شهید رفیق
بهنام
موحد

رفیق بهنام موحد در سال ۱۳۳۴ در شهرضا بدنیا آمد پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه صنعتی شد و در رشته مهندسی برق به تحصیل پرداخت. رفیق بهنام که در میان خانواده آگاه و مبارزی بدنیا آمده بود و در دوره دبیرستان نیز با مسائل سیاسی آشنا شده بود بسیار زود در صف دانشجویان انقلابی این دانشگاه جای گرفت بطوری که طی سه سال در این دانشگاه سه بار دستگیر شد که بار سوم پس از تحمل یک سال شکنجه وحشیانه در زندان اوین آزاد گردید و بلافاصله به سازمان پیوست. رفیق شهید بهنام موحد در تاریخ دوم آبان ماه ۵۶ از طرف جلاوران ساواک شناسایی می‌شود و مورد تعقیب قرار می‌گیرد و پس از یک درگیری مسلحانه در خیابان کارگر (سی‌متری سابق) به شهادت می‌رسد.

ماهیت آمریکائی

● فلسطینی‌ها از مبارزه مردم و رهبران افغانستان علیه تحریکات امپریالیست‌ها و سفسطه‌جویان و مرتجعین حمایت می‌کنند.

جریان‌های ضد انقلاب افغانستان آشکارتر می‌شود

تلاش‌های اخیر محافل امپریالیستی در دفاع از به اصطلاح "مجاهدین" و "مبارزان" افغانی بار دیگر و این بار بطور آشکارتری پرده از ماهیت واقعی این مزدوران برداشته است. در روزهای اخیر "رونالد ریگان" رئیس جمهور آمریکا طی بیانه‌ای مجدداً خاطرنشان ساخت که آمریکا حاضر است سلاح‌های مورد نیاز "مجاهدین" افغانی را که علیه دولت قانونی و انقلابی مردم افغانستان می‌جنگند، تأمین کند. در همین زمان (سوم فروردین ۱۳۶۰) رادیوی امپریالیستی بی‌بی‌سی اعلام داشت که گروهی از مزدوران امریکائی و انگلیسی به پاکستان اعزام شده‌اند تا از آنجا به کمک "مجاهدین" مسلمان افغانستان بشتابند! و به دنبال آن وزیر امور خارجه انگلستان در پاکستان به دیدار اردوگاه‌های آوارگان افغانی رفت!

روزهای اخیر یک عضو کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین (تایسیرکوبه) بار دیگر حمایت مردم فلسطین را از انقلاب افغانستان اعلام داشته و گفت: "فلسطینی‌ها از مبارزه ملت افغانستان علیه تحریکات امپریالیست‌ها و سلطه‌جویان و مرتجعین حمایت می‌کنند" وی دروغ‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها را محکوم کرد... کوبه از تصمیم دولت ریگان مبنی بر ارسال اسلحه برای شورشیان افغانی کله کرد و آن را مداخله آشکار در امور داخلی افغانستان خواند. (جمهوری اسلامی ۱۱ فروردین) علیرغم این واقعیات آشکار و روشن که جای هیچگونه تردیدی درباره ماهیت امریکائی "مبارزان" افغانی باقی نمی‌گذارد، دولت جمهوری اسلامی همچنان در ارزیابی خود نسبت به انقلاب افغانستان دچار خطاهای بسیار جدی و خطرناک است. ابعاد خطرناک و فاجعه انگیز این ارزیابی نادرست به‌ویژه زمانی روشن‌تر می‌شود که دریابیم امپریالیسم آمریکا و گروه‌های امریکاساخته افغانی از میهن ما ایران به‌مثابه پایگاه فعالی در مبارزه برضد مردم افغانستان استفاده کرده و از امکانات فراوانی برای فعالیت ضدانقلابی و خرابکارانه علیه مردم افغانستان برخوردارند. آنها تنها علیه انقلاب افغانستان بلکه برای منافع امپریالیسم علیه مردم و انقلاب ایران نیز توطئه‌گری می‌کنند. در ارزیابی نادرست جمهوری اسلامی نسبت به انقلاب افغانستان، باید به‌ویژه به نقش لیبرال‌ها و جاسوسان سه‌جهانی‌شان اشاره کرد لیبرال‌ها و متحدان سه‌جهانی‌شان در پی سیاست امپریالیستی و دامن‌زدن به روش کینه‌توزانه دولت جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های ترقیخواه جهان به خصوص تبلیغات حساب شده و همه‌جانبه‌ای را پیش می‌برند. آنها با استفاده از تمامی تجارب تبلیغاتی امپریالیسم می‌کوشند

دولت جمهوری اسلامی را به دشمنی هرچه بیشتر با انقلاب افغانستان سوق داده و وحدت مردم دوکشور علیه امپریالیسم جهانی را تخریب کند لیبرال‌ها و متحدان سه‌جهانی‌شان در این تبلیغات زبان کاملاً مشترکی یافته و صفحات روزنامه‌هایشان همه روز جملات یکسانی در مورد انقلاب افغانستان نشر می‌دهد. به عنوان آخرین نمونه این زبان مشترک می‌توان به انتشار مقاله مفصل "افغانستان یک سال پس از تهاجم شوروی" (!) در روزنامه میزان ارگان لیبرال‌های ایران اشاره نمود که از نشریه "پکن رویو" چاپ چین به عاریت گرفته شده است اما علیرغم این تشبثات مذبوحانه واقعیت این است که اکنون خلق‌های همسایه و برادر ایران و افغانستان در گیر نبردی جدی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه هستند بدون تردید اتحاد و همکاری شریخش میان آنان گامی جدی در جهت حفظ و حراست و پیشبرد انقلابات ضد امپریالیستی دو کشور است با توجه به همین واقعیت مردم و دولت افغانستان بارها پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشته‌اند.

کردند. من هم همراهشان بودم. اول مردم را کتک زدند و اسلحه کمربندی یکی از روستائیان را گرفتند و حتی خانه‌هایشان را خراب کردند رئیس گروه ما به مردم روستا گفت: این روستا مال من است. شما به چه اجازه به اینجا آمده‌اید. از اینجا بروید. بروید به ایران... س: چه دولت‌ها و یسا سازمان‌هایی از خارج افغانستان به این گروه‌ها کمک می‌کنند؟ ج: معلوم است که کی به آنها کمک می‌کند. آمریکا، چین، پاکستان. متأسفانه دولت انقلابی ایران هم کمک‌هایی می‌کند. حتی یکبار که می‌خواستیم بروم افغانستان ۱۵ پاسدار ایرانی هم با ما بودند. حتی همین پالتوئی که به تن من است، از مصر آمده و سادات خائن به فتوادل‌ها داده است. س: آوارگان افغانی زیادی در ایران وجود دارند، نقش این گروه‌ها در آوارگی مردم افغانستان چیست؟ ج: فتوادل‌ها و پولدارها بعد از آنکه دولت به دست حزب خلق افتاد، همه جا می‌گفتند ای مردم مسلمان اینها می‌خواهند اسلام را نابود کنند و به ناموس شما تجاوز کنند. با اینها بجنگید، اینها زمین‌ها را می‌گیرند. حتی در بعضی موارد که مردم افغان حاضر به مهاجرت به ایران و پاکستان نمی‌شدند، مورد آزار و اذیت مجاهدان قرار می‌گرفتند... اوایل یک کمی مردم نسبت به گروه‌ها اعتماد داشتند

آمان ما!

ما با نظر فراختر از چشم‌های تو می‌بینیم، و قلبی بر باطن پشیمان‌ان دراز
خبر فضیلت، پشتیبانی از مردمان و توده‌های گمنام، و مرکب ساقی مبارزان
در چیدن لب‌ها و دایره‌ها، آواز و نغمه‌ها، و بالاخره پیروزی انقلاب
اسلامی سرخ‌نما می‌بریم. دین مجاهدان و اول‌مضای فدائیان آمان ما است

ولی حالا اعتمادشان از گروه‌ها سلب شده و آنها را دشمن خود می‌دانند. این روزها خانواده‌های فراوانی که به ایران آمده بودند، دارند برمی‌گردند به افغانستان و می‌گویند دولت افغانستان دشمن ما نیست، بلکه دشمن زمینداران و فتوادل‌ها می‌باشد. س: برنامه دولت افغانستان چیست و چه برنامه‌هایی بقیه در صفحه ۲۵

در زیر، متن افشاگرانه مصاحبه خبرنگار کار با یک "مجاهد" سابق افغانی را که پس از مدتی همکاری با ضد انقلابیون افغانستان پی به ماهیت ضد مردمی آنها برده است، انتشار می‌دهیم. این متن سند دیگری است علیه مزدوران افغانی که زیر پوشش "اسلام" برضد مردم ایران و افغانستان به توطئه‌گری و فعالیت‌های مخرب به نفع امپریالیسم آمریکا مشغولند.



معیار وزارت کار

برای تعیین حداقل دستمزد چیست؟

در فروردیم ماه هر سال ، مسئله تجدید نظر در میزان حداقل دستمزدها و چگونگی افزایش آن ، در رابطه با افزایش سطح قیمت ها ، به یکی از مسائل مورد بحث کارگران و مسئولین وزارت کار بدل می شود . در این روزها نیز کارگران در انتظار نتایج بررسی های دولت و مسئولین وزارت کار در این زمینه هستند . اینکه تاچه اندازه مسئولین دولتی در بررسی این مشکل بتوانند برخوردی مسئولانه و انقلابی داشته باشند و یا بالعکس با سیاست های نسجیده و توسل به اقدامات تنگ نظرانه بر حدت مشکلات بیفزایند مسئله ای است که از لحاظ منافع طبقه کارگر و مصالح انقلاب حائز اهمیت است . از این رو ما مسئله فوق را بر مبنای این محور (یعنی منافع طبقه کارگر و مصالح انقلاب) مختصراً مورد بررسی قرار می دهیم :

واقعیت آن است که کارگران و زحمتکشان میهن ما سال گذشته را با سنگین ترین نرخ تورمی و کاهش روز به روز قدرت خریدشان پشت سر نهادند و بارها و بارها خواستار اتخاذ سیاست های انقلابی و اقدامات قاطعانه و موثر از جانب دولت برای غلبه بر این مشکلات شده اند ولی سیاست دولت در این خصوص ، از صراحت و قطعیت لازم برخوردار نبوده است . از طرفی اثرات ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم و محاصره اقتصادی و از دست رفتن برخی از منابع ، امکانات دولت را در پاسخگویی به نیازهای عاجل زحمتکشان کاهش داده و از طرفی دیگر عدم برخورد جدی و انقلابی با عوامل اصلی تورم و گرانی و همچنین تعلل در تدوین یک قانون کار انقلابی ، کارگران را با مشکلات روز افزونی مواجه ساخته است . مسئولین دولتی باید بدانند که مادامی که بطور جدی با عوامل و انگیزه های گرانی مبارزه نکند ، مادام که

راه سودجویی های تجار بزرگ ، محتکران ارزاق عمومی مسدود نگردد و ... با هیچ توجیهی نمی توان از کارگران خواست تا از طرح مسائل عاجل و مشکلات اقتصادی روزمره شان صرف نظر نمایند . تردید و تزلزل در تدوین برنامه هایی که این نتایج را به دست دهد ، حقوق کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش پایمال کرده و موج ناراضی ها را در میان نموده کارگران دامن زده و زمینه مساعدی جهت تحریکات و توطئه های ضد انقلابیون و لیبرالها فراهم خواهد نمود .

و اما وظیفه تشکل های کارگری در قبال این مسئله چیست ؟ کارگران باید قبل از هر چیز توجه داشته باشند که راه حل مشکل را تنها در افزایش دستمزدها خلاصه نکنند . چه این یک برخورد خود بخودی و ساده با مسئله فوق الذکر بوده و گرنه از مشکل نخواهد گشود . اگر بنا باشد در شرایط کنونی ، پا به پای افزایش قیمت ها افزایش دستمزدها را طرح کنیم و میدان را برای مسابقه میان دستمزدها و قیمت ها باز گذاریم ، نه تنها قیمت ها قابل مهار نخواهند بود بلکه نمایندگان سرمایه داری مجال آن را خواهند یافت تا عوام فریبانه با استدلالاتی و از گونه مدعی شوند که :

علت اصلی تورم افزایش دستمزدهاست نه سرمایه های انحصاری و بزرگ و سودجویی غارتگرانه آنان .

اگر انگیزه ها و عوامل اصلی افزایش افسار کسحتت قیمت ها و فشارهای تورمی بر زحمتکشان را بدرستی بسیم آنگاه راه حل اساسی مشکل را خواهیم یافت و درمی یابیم که چرا شعار افزایش دستمزدها تنها مسکنی برای تخفیف فشارهای تورمی بشمار می آید کارگران باید مای اصلی طرح مسئله را ضرورت کاهش و تثبیت قیمت ها قرار دهند و

افزایش تورمی قیمت ها را به عنوان یک روند طبیعی و عادی نپذیرند ، بلکه باید آن را به مثابه مسا و معیاری نادرست ، ناسالم و موقعی بنگرند . چه حفظ قدرت خرید زحمتکشان در گروی تثبیت سطح قیمت ها است ولی کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای تامین حقوق اقتصادی شان باید خواهان افزایش قدرت خرید کنونی و کسب قدرت خرید واقعی شان باشند . و این میسر نخواهد شد مگر با مبارزه قاطعانه و متشکل خود (از طریق شوراها و سندیکا های انقلابی شان) علیه انگیزه ها و عوامل اصلی بحران و تورم کنونی که عمده ترین شعارهای این مبارزه است از این قرار است :

۱ - خلع ید از سرمایه داران و تجار بزرگ ، واسطه ها و محتکرین از طریق اجرای بیکیارانه شعار ملی کردن تجارت خارجی و تقویت تعاونی های تولید و توزیع .

۲ - مشارکت فعالانه در امر تدوین و اجرای یک قانون کار و تامین اجتماعی انقلابی و بویژه تدوین و اجرای یک طرح انقلابی ارزشیابی مشاغل که مبتنی بر اتخاذ ضوابط انقلابی جهت تعیین دستمزدها و درآمد کارگران باشد . باید تاکید کرد که تشکل های کارگری باید در این راه با هرگونه توطئه جینی و همچنین تعلل و تزلزل در امر تدوین و اجرای قوانین انقلابی قاطعانه مبارزه نمایند .

۳ - افزایش باروری تولید و تلاش برای تقویت بنیه اقتصادی کشور این مبارزه می تواند و باید زمینه منطقی افزایش سطح حداقل دستمزدها باشد . چه ، افزایش واقعی سطح دستمزدها منطقی در گروی افزایش باروری تولید در چارچوب مبارزه برای تامین استقلال اقتصادی است .

کارکنان سازمان آب و برق

خوزستان در جبهه کار

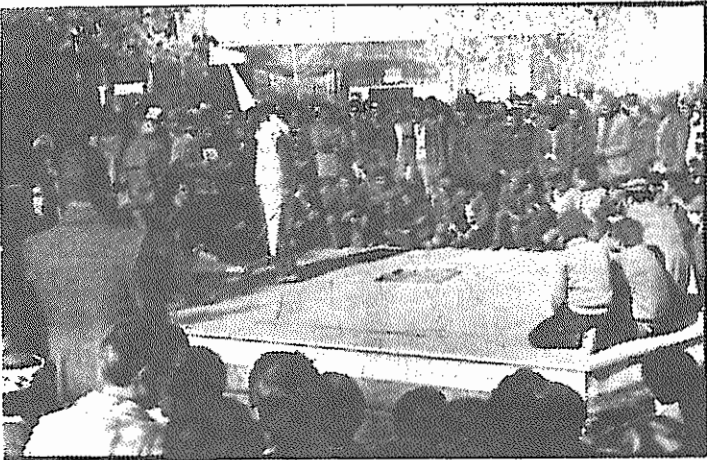
شجاعانه می رزمند

کارگران و کارمندان سازمان آب و برق خوزستان طی ۷ ماه پیکار حماسه آفرین خلق در برابر نیهکاری های امپریالیزم آمریکا و رژیم مرتجع صدام نمونه درخشانی از تلاش ، فداکاری و از خودگذشتگی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را در دفاع از انقلاب میهن و دستاوردهای انقلاب نشان داده اند . زیر آتش گلوله های توپ و خمپاره و موشک های ارتش حنایتکار صدام ، کارکنان آب و برق خوزستان ، یک لحظه از تلاش باز نایستاده اند و هرگاه بر اثر انفجار گلوله توپ و یا خمپاره ، خانه های ویران می شود ، لحنانی بعد می بینم که چگونه مصمم و خستگی ناپذیر کار و سازاری و مصمم خرابی های برق و تاسیسات روستایی و مرمت لوله های آب آسایشی مردم را در کوهپایه های زمان انجام می دهند . مدح مناطقی از شهر آبادان (که زیر آتش

مداوم گلوله های دشمن است) برق هیچک از شهرهای خوزستان در طول مدت جنگ حتی برای یک روز هم قطع نشده و اهالی شهر حتی احساس کمبود برق نیز نکرده اند . این نمونه ها خود نشان دهنده تلاش و فداکاری خستگی ناپذیر کارگرانی است که در جبهه کار و در خدمت به انقلاب و میهن ، با شوری تخسین انگیز احساس مسئولیت انقلابی می نمایند .

۲۸ شهید ، ۲۶ مجروح و ۳۲ اسیر از کارکنان آب و برق خوزستان ، در طول جنگ ، نیز به نوبه خود بیانگر جانبازی های دلآورانانه آنان در جبهه های پیکار انقلابی است .

ما ضمن تجلیل از جانبازی ها و فداکاری های ستایش انگیز کارگران و کارمندان مبارز دلیر برق خوزستان ، به خانواده های کارکنان شهید ، مجروح و اسیر درود می فرستیم .



• هواداران سازمان در میانه تئاتر خیابانی " بهاران عجبدهاد" را بد نمایش گذاشتند .
عکس فوق کوشدای از اجرای این نمایش و استقبال مردم از آن را نشان می دهد .

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

رویدادهای ترکمن صحرا

بندر ترکمن



زنان زحمتکش ترکمن صحرا
لحظه‌ای استراحت در ساعات تلاش برای آینده‌ای امیدبخش

به کمک ایادی اش وسائل نقشه برداری را از زمین کننده و مانع کار آنان می‌گردد. به دنبال آن قربان آخوند قی نجیک کاندیدای فتوادل‌ها برای مجلس شورای اسلامی و یکی از مهره‌های سرشناس ضدانقلاب در منطقه، در نماز جمعه اقدام به جمع‌آوری امضاء بر علیه شورا و جلوگیری از احداث مدرسه می‌نماید و این روزها نیز جلسان مرتب مخفیانه‌ای با حضور فتوادل‌ها و ضدانقلابیون معروفی همچون صادقیان، آرازقلی شیرمحمدلی، خلوت حاجی، آقی جان حاجی و خندان و... تشکیل داده که در آن توطئه‌هایی بر علیه جهاد و دیگر ارگان‌های انقلابی تدارک دیده می‌شود.

مناسب برای این امر متعلق به یکی از فتوادل‌های معروف منطقه به نام حاجی محمد صادقیان می‌باشد که هر چند سند مالکیت زمین‌های این شخص قبلاً توسط رادیو و تلویزیون و مطبوعات باطل اعلام گردید اما وی به کمک ایادی خود مقاومت کرده و مانع کار شورا می‌شدند. شورا ضمن ارسال شکایت نامه‌ای برای دادستان انقلاب و جهاد سازندگی گرگان که به امضای ۲۰۰ نفر از دهقانان رسیده بود، خواستار احداث مدرسه در زمین‌های مزبور گردید و دادستانی نیز حکم بلا مانع بودن آن را صادر و جهاد هم بودجه آن را تصویب می‌نماید. اما روز شنبه ۱۶ اسفندماه ۵۹ که از طرف جهاد برای نقشه برداری می‌آیند، فتوادل مزبور

قلعه توماچ لر : روستاییان توماچ لر برای احداث مدرسه در روستا نیاز به مقداری زمین داشتند. اما زمین‌های روستا متعلق به فتوادل مرتجعی به نام " حلیم بردی روشن فر " بود که وی از دادن بخشی از آن برای مدرسه امتناع می‌ورزید. روستاییان توماچ لر یکبار به عنوان اعتراض در اسفند ماه گذشته در فرمانداری بندر متحصن شده اما نتیجه‌ای نگرفتند و سرانجام به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر ترکمن مراجعه نمودند. پاسداران با مصادره زمین‌های فتوادل موافقت نموده و با اتفاق اعضای شورا به روستا آمدند در حضور فتوادل و مردم، جوانان روستا ضمن برشمردن ضرورت احداث مدرسه به افشای حرکات ضد مردمی فتوادل مزبور پرداخته و سرانجام با موافقت شورا و سپاه صورت جلسه‌ای تنظیم و قرار شد ۱۰ هکتار از زمین‌های فتوادل نامبرده در اختیار وی و بقیه به روستاییان واگذار گردد.

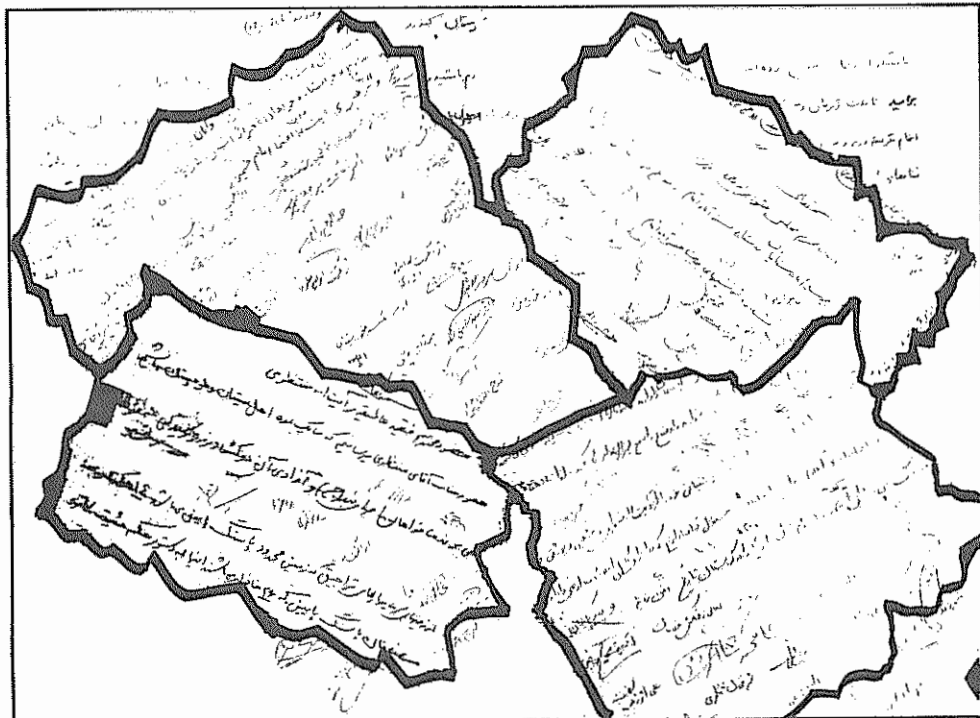
آق قلا

صحنه سفلی : شورای روستایی صحنه سفلی تصمیم به احداث یک باب مدرسه در روستا می‌گیرد، اما زمین

را برای جلوگیری از گسترش سیل و جبران خسارات وارده به عمل می‌آورند، اما واقعیت این است که عملاً کار چندانی از آنها ساخته نیست و می‌بایست از پیش برای این امر فکری می‌شد. در حال حاضر پیش‌بینی می‌شود که آبهای موجود در مناطق فوق زودتر از یکماه دیگر خشک نخواهد شد، لذا بهتر آن است که پس از خشک شدن نسبی زمین‌ها، آنها را شخم زده و در آن خربزه و هندوانه کاشته شود تا بدین وسیله خسارات وارده تا حدی تعدیل گردد. همچنین به جاست مسئولین امر در شرایطی که هر هکتار زمین زیر کشت اهمیت زیادی برای اقتصاد کشاورزی ما دارد و کاهش تولید از توان میهن انقلابی ما در مبارزه علیه امپریالیسم می‌گاهد، با یک برنامه‌ریزی درست از پیشامدهای مشابه در سایر نقاط جلوگیری نموده و حداقل برای سال آینده در این خصوص با برنامه عمل نمایند و طرح کانال‌کشی مناطق مذکور را که هم سطح دریا و در بعضی نقاط پایین‌تر از آن است به انجام رسانند.

امسال بارش پی‌درپی باران در ترکمن صحرا به ویژه در قسمت‌های غربی منطقه و سواحل دریای خزر، هزاران هکتار از زمین‌های زیر کشت گندم و جو را به مخاطره افکنده است. هم اکنون طغیان رودخانه‌های گرگان و قره‌سو نزدیک به ۱۵۰۰۰ هکتار از زمین‌های زیر کشت روستاهای اطراف بندر ترکمن گمش‌تپه و آق‌قلا را به زیر آب فرو برده است. مردم زحمتکش این مناطق سالها است که با چنین مشکلی دست به گریبانند، اما عدم وجود یک برنامه صحیح برای کانال‌کشی منطقه در رژیم گذشته و نیز برخورد‌های غیرمسئولانه دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی از جمله بخشدار سابق بندر که از تابستان گذشته اعتبارات کانال‌کشی را به علی غیر موجه صرف نموده و موجب قطع آن گشته است باعث شده که زحمتکشان منطقه امسال نیز مثل سال‌های گذشته خسارات زیادی را تحمل نمایند. هم اکنون جهاد سازندگی، دفتر عمران امام اداره آبیاری و هوداران سازمان ما به کمک مردم شتافته و تلاش وسیعی

اجرای بند (ج) خواست مشترک میلیون‌ها دهقان زحمتکش



" راز " و " جرگلان " شهرستان " بجنورد " - دهقانان زحمتکش روستای " وانان " از توابع " شهرکرد " با طوماری که به امضای ۱۰۰ نفر از دهقانان کم زمین و بی‌زمین رسیده است. - ۲۶ خانوار از زحمتکشان سیستانی و بلوچ روستای " پاستک پایین " از توابع " مینودشت " - دهقانان زحمتکش روستای حسن‌آباد امام " از توابع " اسدآباد همدان " - زحمتکشان روستای " تکل‌فوز " از توابع بخش " راز " و " جرگلان " طی طوماری که برای جهاد سازندگی این شهر ارسال داشتند، ضمن طرح یک سری از خواست‌های رفاهی خود خواستار اجرای هرچه سریعتر بند " ج " قانون اصلاحات ارضی گردیده‌اند.

توقف بند " ج " و " د " اصلاحات ارضی بزرگترین ضربه‌ای بود که بر کشاورزان ایران، میلیون‌ها دهقان زحمتکش و انقلاب ما وارد شد. امروزه اجرای بند " ج " و " د " گذشته از اهمیت اقتصادی آن به یک مساله مهم سیاسی که به گسترش و تعمیق پایه‌های انقلاب در عرصه پهناور روستاهای کشور بستگی دارد تبدیل شده و خواست مشترک میلیون‌ها دهقان ستمدیده و مومن به انقلاب می‌باشد. نامه‌های اعتراضی و طومارهایی که هر روز از گوشه و کنار کشور برای مقامات جمهوری اسلامی فرستاده می‌شود که در این شماره نشریه " کار " نیز نمونه‌هایی از آن را مشاهده می‌کنید گواه بارزی بر این امر است : - زحمتکشان روستای " غلامان " از توابع بخش

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

متحد شویم

* - هواداران سازمان در فریدونکنار اعلامیه‌ای منتشر کردند و ضمن افشاء و محکوم کردن سیاست لیبرال‌ها و عوامل ضدانقلاب، یادآور شده‌اند: ... ضرورت انقلاب می‌طلبد که دوستان و دشمنان خود را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی بشناسیم و بدانیم که کشورهای نظیر لیبی، سوریه، الجزایر، کوبا، کره شمالی، ویتنام و تمام کشورهای سوسیالیستی دوستان انقلاب می‌باشند.

با حفظ آرامش شهر، توطئه‌ها را خنثی کنیم

* - هواداران سازمان در قائم شهر اعلامیه‌ای با عنوان "با حفظ آرامش شهر، توطئه‌ها را خنثی کرده و مانع بروز تشنج و درگیری گردیم" منتشر کردند.

آقای رئیس جمهور برای حل مشکلات مردم

چه برنامه‌ای دارید؟

* - هواداران سازمان در خراسان اعلامیه‌ای با عنوان فوق خطاب به رئیس جمهور منتشر کردند در بخشی از اعلامیه چنین آمده است: ... آقای رئیس جمهور برای مبارزه با مشکلات مردم برنامه روشنی ندارد. اینکه بیکاری را چگونه می‌شود از میان برد، چگونه می‌توان مسکن مناسب برای زحمتکشان تهیه کرد و در مورد دیگر مشکلات مردم، رئیس جمهور تاکنون پیشنهادی ارائه نداده است ما از آقای بنی‌صدر می‌پرسیم، در آن وقتی که نه دولت وجود داشت و نه مجلس و شما هم رئیس جمهور و هم رئیس شورای انقلاب بودید، چه برنامه‌ای به نفع مردم اجراء کردید؟ واز آن موقع تاکنون چه برنامه‌ای ارائه داده‌اید؟!

توطئه‌های سرما به داران لیبرال را افشاء کنیم

* - چندی پیش "مهندس بازرگان" جهت انجام یک سخنرانی به زنجان رفت. هواداران سازمان ما با انتشار تراکتی سخنرانی بازرگان را تحریم کردند. در قسمتی از این تراکت چنین آمده:

"... لیبرال‌ها اکنون مدتی است که زیر شعار دمکراسی و آزادی‌خواهی به میدان آمده و همسو با سیاست‌های کاخ سفید به توطئه علیه انقلاب پرداخته‌اند."
(قابل ذکر است که سخنرانی ضدکمونیستی بازرگان با عدم استقبال مردم روبرو شد)

درگیری و تشنج به نفع لیبرال‌ها و امریکاست

* - هواداران سازمان در قزوین با انتشار اعلامیه‌ای ضمن اشاره به درگیری‌های اخیر قزوین و محکوم کردن سیاست‌های غیر مسئولانه مجاهدین خلق و مسئولان سپاه پاسداران قزوین که منجر به شهادت دانش‌آموز مجاهد "اصغر قدس" گردید اعلام داشتند:
"... ما ضمن ابراز تأسف از شهادت "اصغر قدس" خواهان پیگیری هرچه سریع‌تر این حادثه و همچنین آزادی دستگیرشدگان می‌باشیم. ما بار دیگر به تمامی نیروهایی که خواهان ادامه پیروزی انقلاب هستند، هشدار می‌دهیم که امپریالیسم آمریکا در کمین انقلاب است. باید تمام نیروهای مدافع انقلاب را متحد نموده و علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به کار گیریم."

چماق‌داران را دستگیر و محاکمه کنید

* - هواداران سازمان در استان سمنان - شاهرود اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند در بخشی از اعلامیه چنین می‌خوانیم:
"... باندهای جنایتکاری چون باند "ملا ابراهیمی" که زیر پوشش اسلام و دفاع از انقلاب اسلامی به وحشیانه‌ترین اعمال دست می‌زنند تنها به لیبرال‌ها و امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا خدمت می‌کنند. ما صریحاً اعلام می‌کنیم که هرگونه مامشات با این باندهای سپاه خیانت به انقلاب و کمک به ضدانقلابیون و لیبرال‌ها است."

هرگونه جو آشوب و درگیری به نفع امریکاست

* - شاخه فارس سازمان اعلامیه‌ای با عنوان "مردم مبارز شیراز و هموطنان جنگ‌زده خوزستانی برادرانه درکنار یکدیگر زندگی کرده و خواهند کرد" منتشر کردند.
در قسمتی از این اعلامیه ضمن اشاره به درگیری‌های اخیر شیراز و محکوم نمودن آن، چنین آمده است:

"چماق‌داران و عناصر مشکوک در جریانات اخیر شیراز از احساسات انسان دوستانه‌برخی از مردم سوءاستفاده کرده و با طرح مسائلی از این قبیل که به خاطر فلان مسئله باید غیرت به خرج داد و از آبادانی‌ها و شیرازی‌ها انتقام گرفت و یا شایعه نمودن اینکه بین آبادانی‌ها و شیرازی‌ها درگیری شده و یا طرح شعارهای ضدانقلابی از قبیل مرگ بر آبادانی کوشش نمودند که جو درگیری و تشنج را گسترش دهند."

از میان نامیده‌ها

حرف‌های زحمتکشان

نامه مادر رفیق شهید فرامرز حمید

من مادر فدائی خلق فرامرز حمید هستم. درودهای صمیمانه مرا از راه دور بپذیرید. فرزندانم، وقتی که روزنامه کار ارگان سازمان را ورق می‌زدیم، به موردی برخوردیم که نوشته بودید خاطره و یا عکس شهدای سازمان را ارسال دارید. من هم به این فکر افتادم که عکس فرامرز رفیق و هم‌رزمان را به اضافه این نامه که درد دل من با شماست و ۱۵۰۰۰ ریال برایتان ارسال دارم دلم خیلی گرفته است و می‌خواستم کمی برایتان از فرامرز بگویم. او همیشه در فکر زندگی زحمتکشان و رهایی آنان بود.

فرامرز علاوه بر آنکه یک دانشجوی انقلابی بود، یک کارگر مکانیک هم بود. او چندین ساعت از روز را با لباس کار و دستهای روغنی در گاراژ و در کنار پدرش کار می‌کرد و در حین کار کردن برای کارگران مکانیکی صحبت می‌کرد. فرامرز می‌گفت: "کار می‌کنم تا با آن مزدی که می‌گیرم، دیگر به پدرم زیاد فشار نیاورم." ولی حالا می‌فهمم که او علاوه بر این، کار می‌کرد چون در مراسم مفت خوری و ولگردی نبود. او کار می‌کرد تا بتواند چند ساعت از وقتش را با کارگران بگذراند.

فرامرز قبل از قیام موقعی که نفت کم بود، مسئول توزیع نفت در محل بود. از پول خودش نفت می‌خرید و از پمپ بنزین شهر آن را به محل می‌آورد و تا ساعت چهار صبح با دست خودش به خانه‌های مردم می‌داد.

در روزهای بعد از قیام تا صبح پاسداری از محل را انجام می‌داد و تا پاسی از شب آتش روشن می‌کرد و با اسلحه‌ای که از کمیته گرفته بود به گشت محل می‌پرداخت. وقتی به او می‌گفتم: "بیا شب بگیر بخواب. دیگر بس است، انقلاب تمام شده، شاه رفته" او می‌گفت که "مادر حالا تازه انقلاب شروع شده ما باید با پاسداری از انقلاب توطئه‌های ضدانقلاب و امریکا را خنثی کنیم." او همیشه می‌گفت: "مادر تا ما جانمان را فدای این مملکت نکنیم، ایران آباد نمی‌شود. ما هرکدام باید گل‌سرخي محله‌ها مان بشویم."

اما افسوس و صد افسوس که در جریان وقایع دانشگاه‌ها، او را که به انقلاب عشق می‌ورزید، ناجوانمردانه اعدام کردند.
بعد از شهادت فرامرز، آدم‌های بسیاری پیش ما آمدند. چند روستائی آمده بودند سراغ او را می‌گرفتند. یک زن پیر در تشییع جنازه او گریه می‌کرد و می‌گفت: "من بیچاره شدم دیگر از این به بعد چه کسی برایم نفت و... بیاورد و کمک زندگیم باشد."

بچه‌های من، آیا وجدان و شرف اینطور گفته که من که یک مادر هستم برای همیشه چشم به راه و داغدار فرزندم باشم. تا حالا جرم او را به ما نگفته‌اند. هرچند که می‌دانم جرم فرزندم این بود که او یک فدائی و یک انسان واقعی بود. با درود مادر فرامرز حمید - رشت

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اخبار شهرستانها

هوشیاری انقلابی مردم شیراز و

هموطنان خوزستانی به درگیری های پایان داد

● در روزهای اخیر ، شیراز شاهد حوادث ناسفباری که دو کشته (عباس اکبری ۲۲ ساله و سعید باقری ۱۷ ساله) برجای گذاشت ، بود . حادثی که قلب هر انسان شرافتمند و دلسوز به انقلاب را به درد می آورد . مروری کوتاه بر این وقایع نشان می دهد که دستهایی درکار است تا بین مردم اختلاف بیاندازد و آنها را به رودر رویی بکشاند تا بدین وسیله مبارزه علیه آمریکا را که دشمن اصلی بشریت است ، منحرف کرده و به اهداف پلید خود دست یابد .

دشمنان انقلاب تمامی کوشش خود را در این راه به کار می برند . اما مردم مبارز شیراز و هموطنان خوزستانی به خوبی پی برده اند که در شرایطی که دشمنان انقلاب جو آشوب را بوجود می آورند ، باید متانت و خونسردی خود را حفظ کنند .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) شاخه فارس نه تنها درگیری های روزهای اخیر را محکوم کرد ، بلکه بطور مشخص حمله به خوابگاهها و دهکها و ... را عملی ضدانقلابی دانست و خواستار دستگیری و مجازات عاملین قتل " عباس اکبری " و " سعید باقری " و حمله کنندگان به خوابگاهها گردید .

همبستگی زحمتکشان جاده ساوه

در کمک رسانی به جنگ زدگان

● در یکی از شهرکهای جاده ساوه که بیش از چهارهزار نفر جمعیت دارد ، جوانان محصل یا کمک انجمن اسلامی اقدام به جمع آوری کمکهای مالی و جنسی برای جنگ زدگان کردند . این حرکت که نشانگر روحیه همبستگی و تلاش برای کاستن هم میهنان جنگ زده بود با استقبال پرشور زحمتکشان منطقه روبرو شد . هنگامی که گروه مشغول جمع آوری کمک بود یکی از کارگران در خانه خود را باز کرد و قالیچه ای را که کف اتاقش بود جمع کرد و گفت :

" این قالیچه را هم ببرید برای جنگ زدگان . انشاء الله جنگ به زودی تمام می شود و ما پیروز می شویم ... "

در این حرکت که هواداران سازمان نیز فعالانه شرکت داشتند مقدار قابل توجهی کمک جنسی و مالی جمع آوری شد و در اختیار عده ای از خواهران و برادران جنگ زده قرار گرفت .

هواداران سازمان از مجروحین جنگ

دیدار کردند

● بر اساس گزارشهایی که از تهران و چند شهرستان دیگر به دست ما رسیده هواداران سازمان در تعطیلات نوروزی و نیز روزهای جمعه هر هفته به دیدار مجروحین رفته اند . رفقا با شاخه های گل و جعبه های شیرینی و پیام های امیدبخش از سربازان و پاسداران و سایر نیروهای رزمنده که در بیمارستان بستری هستند دیدار کردند . (ما ضمن ستایش از اقدام انقلابی هواداران سازمان به سایر رفقا توصیه می کنیم که از اینگونه حرکات استقبال کنند و با عیادت از مجروحین جنگ و یاری رساندن به آنان ، وظیفه انقلابی خود را انجام دهند) .

گرامی داشت شهادت کارگر فدائی

رفیق فریدون مرتضی زاده

میانکوه - در نخستین بهار شهادت کارگر رزمنده رفیق فریدون مرتضی زاده روز یکشنبه ۲۴ اسفند مراسم بزرگداشتی در میانکوه برگزار شد . در این مراسم زحمتکشان منطقه ، خانواده رفیق شهید و همکاران وی و جمعی از هواداران سازمان شرکت داشتند . در آغاز ، پدر رفیق از مبارزات او در کارخانه و سنگرهای کار و پیکار سخنی راند و در قسمتی از سخنانش گفت :

ما زحمتکشان ، فرزندانمان فریدون و فریدونها را در راههایی از یوغ ستمگران ، به انقلاب تقدیم کرده و خواهیم کرد . خون پاک فریدون و همزمان همراهش مبارزه ضد - امپریالیستی خلق های میهن ما را شکوفاتر خواهد ساخت .

سپس پیامی که از سوی گروهی از نفتگران سنگرهای آبادان به مناسبت بزرگداشت خاطره رفیق شهید فرستاده شده بود قرائت شد . در بخشی از این پیام چنین آمده است :

" ما که شاهد تلاش و پیگیری فداییان خلق (اکثریت) در سنگرهای مقاومت خلق می باشیم اینک با صراحت هرچه تمامتر به حمایت از آرمان انقلابی آنها برخاسته و خاطره فداکاری

و قهرمانی آنها را در مبارزه علیه تجاوزگران سخت می ستاییم . ما همچنین نام افتخار بخش کارگر شهید ، فدایی خلق فریدون مرتضی زاده را که در راه سرافرازی و استقلال میهن و پیروزی آرمان سترگ طبقه کارگر ، سنگرهای مقاومت خلق را با خون خویش آذین بست ، گرامی داشته و در اینجا ، بار دیگر بر پیمان دیرین خویش تاکید می ورزیم که تا شکستن لبخند پیروزی تمامی خلق ، لحظه ای از مبارزه با اشغالگران جنایتکار باز نایستیم " .

مراسم پرشور بزرگداشت رفیق با شعارهای مرگ برامپریالیسم و درود برفدایی پایان گرفت .

طنین پرشکوه مرگ بر آمریکا

در پارک بعثت

● روز سیزده بدر ، در گوشه ای از پارک بعثت تهران جمعیت زیادی جمع شده بود . در بالای سر جمعیت پلاکاردی دیده می شد که روی آن چنین نوشته شده بود :

" بهار زحمتکشان خجسته باد ، نمایشنامه ای به مناسبت سیزده بدر " .

کم کم محل نمایش که گنجایش هزار و پانصد نفر را دارد ، مملو از جمعیت شده بود . بازیگران که به نقش لیبرال ، عموسام ، تاجر عمده و حاجی فیروز نقال در آمده بودند ، با کوبیدن طبل و حرکت در پارک ، مردم را به دیدن نمایش فرا می خواندند .

نمایش با این جمله آغاز شد :

" سلام ، سلام به شما مردم مبارز و قهرمان " سپس تاجر عمده و عموسام روی صحنه آمدند بیکاره شعار مرگ بر آمریکا فضای پارک را پر کرد ، این شعار را بازیگران روی صحنه نگفتند بلکه ناگهان جمعیت حاضر با مشت های گره کرده و مصمم فریاد زدند :

مرگ بر آمریکا ، برو گمشو آمریکا "

با اینکه جمعیت خیلی زیاد بود ، اما نمایش بانظم و انتظاماتی که خود تماشاچیان برقرار کردند و همراه با به آتش کشیدن پرچم آمریکا به پایان رسید .



گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

من يك فداييم

● آنچه که در زیر می‌خوانید چکیده احساس یک رفیق کارگر نسبت به سازمان و پذیرش عضویتش در سازمان است. از آنجایی که صحبت‌های رفیق در این جلسه به‌گونه‌فشرده و گویایی بیانگر سمت‌گیری متحول سازمان در جهت پیوند هرچه ژرف‌تر با طبقه‌کارگر میهنمان است، ما عیناً به چاپ آن اقدام می‌کنیم. باشد که سازمان به همت والا و تلاش خستگی‌ناپذیر رفقای کارگر و همگی رفقای سازمان هرچه محکم‌تر و استوارتر به سوی هدف نهایی خویش که رهایی کارگران و زحمتکشان میهنمان است، گام بردارد.

ثروتمندها را بکشم. ولی نشان به آن نشانی که نتوانستم هیچ‌چیزی را در تمام آن سالها ببینم ولی روزهای قیل از قیام یادش به‌خیر، در کارخانه... وقتی رفته بودیم کمک کنیم و "حق کارگران را بگیریم" با چریک‌ها آشنا شدم و این شد ابتدای پیوند من با سازمان چریکهای فدایی خلق و اکنون بعد از دو سال که اشاره بدان لزوم ندارد که چه گذشت، در یک خانه، یک رفیق فدائی رسماً می‌گوید: "رفقا، آمدنتان را به‌سازمان خوش‌آمد می‌گویم". من تکامل سازمان را در لحن گفته‌ها و حرکات آن رفیق دیدم. شادی توام با تعجب آن رفیق در جلسه برای من فاصله تبدیل سازمان را از چریک‌ها به‌سازمانی که امروز کارگران پیشرو را به عضویت پذیرفته، نشان می‌داد. من یک نوع احساس شرم می‌کردم. حس می‌کردم بیشتر از اینها باید زحمت کشیده باشم و کار پیش برده باشم. حس می‌کردم هنوز لیاقت فدائی را ندارم. اگرچه فدائی را دیگر در آسمان چریکی نمی‌دیدم و اعتقاد داشتم مش قاسم نظافتچی ماهم می‌تواند یک فدائی باشد ولی چه‌کنم این احساس بود و احساس دیگر این بود که وظیفه من امروز سنگین‌تر از همیشه است. چون من فدائی شده‌ام و بیشترین تلاش و از خود گذشتگی را باید در مبارزه داشته باشم و "یک دنیا کار وجود دارد". من چنین فکر می‌کردم سازمان اعلام کرده عیبی ندارد ولی من خود بعداً وقتی خود را فدائی می‌دانم که خیلی کار کرده باشم.

به‌امید پیروزی کارگران و زحمتکشان
زنده باد سوسیالیسم

شاید بی‌فایده نباشد برای اینکه احساسم را در جشن عضویت بگویم یک مقدار به زمان عقب برگردیم. درست به یاد دارم در اطراف سال‌های ۵۰ وقتی به خیابان کنار محله‌مان می‌آمدم، خیابانی که اتومبیل‌های شورلت و جیب مستشاران و خانواده‌های آمریکائی شاد و خندان از آنجا عبور می‌کردند، و به ایستگاه راه‌آهن یا فرودگاه می‌رفتند، همیشه به تفنگ فکر می‌کردم و نارنجک و اینکه چگونه می‌شود اتومبیل‌ها را نکه‌داشت و همه‌شان را به ریکار بست. کینه شدید طبقاتی من در این احساس‌ها و افکار نمود پیدا می‌کرد. من آدم‌های محله‌مان را که فقیرترین کارگران شهری را در خود جای می‌داد با آنها مقایسه می‌کردم و با محله آلمانی‌ها که مدیران و روسای کارخانه در آنجا زندگی می‌کردند و در نزدیکی محله‌مان بود. در سال‌های قبل‌تر وقتی کوچک‌تر بودم حل تضاد را که بین رئیس‌ها و کارگران با تمام وجودم حس می‌کردم در این می‌دیدم که کلدان خانه مدیران کارخانه را بشکنم زیر گوش بچه‌ها بزنم، یا پرتقال باغ‌های آنها را بدزدم و اگر همه اینها را نمی‌توانستم درست یادم می‌آید که به زمین و زمان فکس می‌دادم که یک‌عده رادار کرده و یک عده را ندار و در سال‌های بعد شکل تکامل یافته‌تر این راه حل کینه‌ها اسلحه شد. یادم هست در اطراف سال‌های ۵۰ وقتی به تهران می‌آمدم در نزدیکی ساختمان‌های شیک‌بالای شهر فروشگاه‌ها یا کلانتری‌ها دنبال چریک می‌گشتم. می‌دانستم آنها اینجاها را به‌ریکار می‌بندند. می‌گفتم خدایا می‌شود آنها را در حین عملیات ببینم، به‌طرفشان بروم و بگویم من بچه کارکرم. من هم می‌خواهم مبارزه مسلحانه بکنم و آمریکائی‌ها و

ضدانقلاب را افشاء کنیم

(۴)

۱۰- فعالیت ضدانقلاب در فیروزکوه

فیروزکوه - باند ضدانقلاب فیروزکوه زیر پوشش هیئت اسلامی فیروزکوه‌های مقیم تهران سازماندهی می‌شود.
" احمد کادوگر " رئیس سابق حزب رستاخیز محله فیروزکوه و " سید محمد حسینی " (رئیس سندیکا ی کامیونداران) که از سرسپردگان به رژیم گذشته است، از جمله سرکردگان این باند ضدانقلابی در فیروزکوه هستند.
این ضدانقلابیون هفته‌ای یکبار جلساتی در منزل اعضای باند تشکیل می‌دهند و توطئه‌های جدید علیه انقلاب طرح‌ریزی می‌کنند.

۱۱- آمدورفت عناصر ضدانقلاب

در خلیج فارس

میناب - اخیراً " حسن رستمی " ساواکی و قاچاقچی معروف منطقه بیابان و سیریک در یکی از مسافرت‌هایش به مناطق خلیج فارس توسط مقامات امارات متحده به خاطر ورود غیر مجاز بازداشت می‌شود. وی چهارمیلیون تومان پول نقد همراه داشته است.
همچنین " مهربانیکخواه " فرزند " پیرداد " که از زمینداران بزرگ و طرفدار بختیار و تیمسار مدنی می‌باشد بایک فرزند قایق شیوف که حامل چندین قبضه اسلحه و مقدار زیادی مهمات بود، توسط واحدگشتی دریایی امارات متحده در راس الخیمه دستگیر و به زندان ابوظبی برده می‌شود.
" مراد انوشیروانی " یکی از عمال سلطان قابوس و برادرش " عظیم " که در دستگاه شیوخ منزلتی دارند، فعالانه برای آزادی این دونفر در تلاشند. و تاکنون توانسته‌اند رضایت مقامات شیخ‌نشین را جلب کرده و " حس رستمی " را آزاد کنند.

۱۲- همکاری عوامل خسرو قشقائی با

ضدانقلابیون کودتاجی

فارس - اخیراً رفت‌وآمدهای مشکوکی در مناطق یاسوج، نورآباد و " وردشت " دیده شده که نشانگر تدارک توطئه‌ای تازه در این مناطق است ملاکین و ضدانقلابیون این مناطق که با خسروخان قشقائی در تماس‌اند، در رابطه با طرح کودتایی که ظاهراً قرار بود در ۲۲ بهمن به اجرا درآید، عوامل خود را مسلح کرده بودند. این عناصر که جلسات منظمی در روستاهای " مهرگرد "، " مروگ، " مزمه " داشته‌اند، با کانون‌های کودتا در اصفهان در رابطه بوده‌اند. آنها کماکان به جلسات و فعالیت‌های خود (در جهت همکاری با طراحان کودتا) ادامه می‌دهند و نیروهای انقلابی منطقه را شناسایی می‌کنند. یکی از آنها گفته است " لیستی ۶ نفری از افراد سپاه و کمونیست‌ها تهیه کرده است ".



پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

نامه‌یکی از معلمین پاکسازی شده از جبهه‌جنگ آبادان و خونین شهر به "مشکینی" مدیرکل آموزش و پرورش لرستان

« شما ما را پاکسازی کنید و ما دشمن متجاوز را »

خود و اربابان جهان خوارشان بهره‌برداری نمایند .

آقای مشکینی! می‌خواستم چیزی ننویسم لیکن خاموش ماندن در مقابل اعمال و حرکاتی که ضربات مهلک و جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب ما می‌زند خطایی نابخشودنی می‌دانم! (حتی اگر در زیر باران خمسه‌خمسه‌های عراقی باشیم) ما مخالف پاکسازی و سالم‌سازی و محاکمه و افشاء ساواکی‌ها و وابستگان سرسپرده رژیم منحوس شاه جلاد نیستیم ولیکن پاکسازی بدون دلیل (و یا به دلائل واهی) هزاران معلم مبارز و آگاه و متعهد بدون ارائه هیچ‌گونه سند و مدرکی و تنها به صرف داشتن عقیده‌ای خلاف عقیده انحصارطلبان، برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است و تنها بین صفوف نیروهای

آقای مشکینی! با قلبی مالامال از کینه به دشمنان انقلاب یعنی به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و عشقی عمیق به رهایی زحمتکشان و با عزمی استوار عازم جبهه جنگ شدم که بلکه دین خود را در این برهه نسبت به انقلاب کبیر میهنمان ادا نمایم ... مدتی بود که جان بر کف در کنار سایر رزمندگان وطنمان در خط مقدم جبهه آبادان و خونین شهر می‌جنگیدیم ... که باخبر شدم "پاکسازی!!!" شدهام! ...

روزی که این خبر به من رسید برادران رزمنده پاسدار در یکی از مناطق جنگی زیر آتش شدید دشمن قرار داشتند و از آتشبار ما کمک می‌خواستند! به علت نبودن "دیده‌بان" امکان کمک نبود!!! و "من" داوطلب شدم. چهره برادران پاسدار از هم شکفت و من قبضه تفنگم را محکم فشردم و راهی منطقه تجمع دشمن متجاوز شدم ...

آقای "مشکینی! شما (و بطور کلی حاملین خط شما در حاکمیت) آگاهانه اقدام به پاکسازی صدها معلم زحمتکشی که گناهی غیر از مبارزه بی‌امان با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و غیر از پاکی و صداقت و ... ندارند، نموده‌اید. باید به شما هشدار داد که اعمال و پیشبرد اینگونه سیاست‌ها تنها آب به آسیاب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا خواهد ریخت. تنها موجب تقویت و بهره‌برداری سرمایه‌داران، فئودال‌ها و طیف وسیع ضدانقلاب زیر پوشش "لیبرال‌های" خائن خواهد شد (که حتما یکی از اتهامات ما انتقاد از دولت این لیبرال‌های ضدانقلاب و جاده‌صاف‌کن‌های آمریکا بسرکردگی بازرگان و شرکاء و افشاء به موقع عملکردهای ضدانقلابی آنهاست!)

در مقطعی که از یک سو گرانی، تورم، بیکاری، کمبود مایحتاج عمومی و فشارها و عوارض ناشی از جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم صدام همسوی با امپریالیسم آمریکا و کارشکنی‌ها و محاصره اقتصادی دوستان امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا توده‌های زحمتکش و رزمنده ما را زیر تازیانه شدید خود گرفته است و از سوی دیگر به علت عدم آگاهی طبقاتی و توان سیاسی بخشی از توده‌ها و ذهنیت حاکم بر آنها به خاطر عدم تحقق خواسته‌هایشان و اعمال سیاست‌های ضد-دمکراتیک و انحصارطلبانه از سوی حاکمیت و سرخوردگی روزافزون آنها از جمهوری اسلامی و همینطور تردید و مماشات "خط امام" با لیبرال‌ها و ... همه وهمه دست به دست هم داده‌اند که ضدانقلابیون په رهبری لیبرال‌های رسوا، تمساح‌گونه در نبود آزادی‌ها اشک از چشمانشان سرازیر سازند و بر این بستر، حتی سانسورچی شارلاتانی مثل قطب‌زاده که در نوکری‌اش به امپریالیسم آمریکا غیر از ناآگاهان هیچ‌کس شکی ندارد و تجار خائن و محتکر (و محترمی!!) از قبیل دستمالچی‌ها از این عدم آزادی‌ها فغان بردارند و با تمام توان، خود را متشکل نموده و برای قبضه نمودن حاکمیت خیز بردارند و دندان‌تیز نمایند در روزنامه‌های سرمایه‌داران و نوکران داخلی امپریالیسم به یاوه‌سرایی و سمپاشی علیه انقلاب بپردازند و مذبح‌خانه بکوشند که از این موج نارضائی‌ها به نفع

یک ظرف غذا می‌خوردیم، و یا هر غروب‌گاهان که در افق خونین کارون به موضع برمی‌گشتیم و سربازان و پرسنل توپخانه تکبیرگویان و هورا - کشان از "دیده‌بان‌لر" استقبال می‌کردند و گزارش می‌خواستند که چگونه تانک‌ها و مهمات و سنگرهای دشمن به آتش کشیده شد و ... تمام خستگی‌های عالم از تنم بیرون می‌شد ... آقای مشکینی خطای شما باعث شد که مصمم‌تر و با ایمان بیشتری بجنگم! ما نه به خاطر ترس از تصفیه و پاکسازی و نه به خاطر حقوق ماهیانه (حتی اگر به ارزش اعتبار تمام بانک‌های دنیای انحصارات باشد) و نه به خاطر مشکینی‌ها و نه به خاطر هیچ پست و مقامی نمی‌جنگیم. به خاطر پایه و گروه و خوش‌آمدن یا آن سردمدار جانمان را به خطر نمی‌اندازیم، بلکه ما در راه آرمان مقدسمان و به خاطر محو استثمار و به خاطر رهایی زحمتکشان از قید و بند انحصارات جهانی می‌جنگیم و جان می‌دهیم و اگر میلیون‌ها بار بمیریم و زنده شویم بازهم در این راه جان خواهیم داد.

راستی آقای مشکینی! شما و هیئت‌های پاکسازیتان که کارتان چیزی جز تشدید تفرقه و دامن زدن به اختلافات داخلی نیست (امر مهمی که در این منطقه برادر، مهندس لطفی ساواکی معروف به خوبی شما از پس آن برنیامد!) چرا از پشت میزهای تان بر نمی‌خیزید و لااقل سری به جبهه‌های جنگ نمی‌زنید و در میان ایثار و شهادت، خون و گلوله، رشادت و از جان‌گذشتگی صدها معلم رزمنده‌ای که به اشاره امثال شما به اصطلاح پاکسازی شده‌اند و به "پاکسازی" دشمن متجاوز به قیمت جانشان مشغولند، از نزدیک نیم‌نگاهی نمی‌اندازید!!! چرا از انرژی و قدرت جوان‌ها و نیروهای که می‌توانند در خدمت انقلاب باشند در جهت مبارزه با فاشیست‌هایی که بیش از چند ماه است که ۸۰۰ کیلومتر نوار مرزی غرب و جنوب کشور ما را در نور دیده‌اند و در خاک وطنمان به کشت و کشتار زحمتکشان بی‌دفاع و بی‌پناهمان پرداخته‌اند استفاده نمی‌کنید!!!

آقای مشکینی! و آنگاه که پس از چندی در جبهه جنوب سنگر به سنگر پیچید که به دستور "مشکینی" مدیرکل آموزش و پرورش لرستان، دختری دانش‌آموز به ضرب گلوله به شهادت رسید و پیامد آن تشدید وضعیت قرمز و انفجاری در شهر خرم‌آباد بود و به خاطر اعمال ترور و خفقان شدید از سوی باندهای سیاه رسوا و افشاء شده که مسلماً از کیسه گل‌وگشاد سرمایه‌داران زالوصفت این شهر تغذیه می‌شوند، دیگر تردیدی برای ما باقی نماند که جز به ضدانقلاب خدمتی نمی‌کنید!

آقای مشکینی! شما باید فردا در مقابل تاریخ جوابگو باشید. دور نرویم لااقل از کودتای ۲۸ مرداد و از اقیانوس خروشان انقلابی توده‌های میلیونی در ۲۲ بهمن ۵۷ درس بگیرد ...

جبهه‌های آبادان و خونین شهر
یک معلم

۵۹ دی‌ماه

● "به‌ناحق از اداره و یا سازمانی پاکسازی شدن برای ما مهم نیست، مهم این است که از قلب‌های مهربان و دردمند توده‌های زحمتکش پاکسازی نشویم"

ضدامپریالیست شکاف خواهد انداخت. اعمال این شیوه‌های دشمن شادکن از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی موجب تضعیف "خط امام" و رشد لیبرال‌ها در مقابل آن و در نهایت تضعیف صف انقلاب در مقابل دشمن شماره یک تمامی خلق‌های جهان یعنی امپریالیسم آمریکا خواهد شد ...

آقای مشکینی! اگر غشی در کارتان نیست چرا در یک محکمه عادلانه و در پیشگاه خلق قهرمان ایران، دلائل و اسناد خود را ارائه نمی‌دهید!!! گرچه توده‌ها با انزجار شدید خود از اعمال تفرقه‌افکنانه شما که در جهت به آشوب‌کشیدن منطقه می‌باشید قضاوت خود را نموده‌اند. و این را بدانید که به‌ناحق از اداره و یا سازمانی تصفیه و پاکسازی شدن برای ما هیچ مهم نیست. مهم این است که از قلب‌های مهربان و دردمند توده‌های زحمتکش پاکسازی نشویم که صداقت و عملکردهای ما در گذشته و حال و اعمال‌ننگین شما در همین چند ماه اخیر (و گذشته‌تان هم که برایمان مبهم است!) نشان‌دهنده این است که ما بیشتر در قلب توده‌ها جای گرفته و بیش از پیش موجب وحشت و نفرت دشمنان انقلاب قرار گرفته‌ایم.

انتشار خبر پاکسازی‌های شما در جبهه نه‌تنها هیچ‌گونه خللی در رویارویی‌مان با متجاوزین بعثی وارد نساخت، بلکه آن‌گاه که برادر پاسداری با چفیه‌ای پر از غذا و میوه، عرق ریزان و نفس‌نفس زنان به بالای "برجک" دیده بانی می‌آمد و دست‌های یکدیگر را مردانه می‌فشردیم و در چند صدمتری دشمن با هم در

نصفه از صفحه ۵

خواستهای عادلانه

واقعی خلق کرد بود مورد حمله قرار داده و سعی در لووت کردن آن نمودند تجربه دوساله نشان داد که دلیل مخالفت آنها با برقراری صلح در کردستان ، تضعیف مواضع آنها در دوره صلح و آرامش است ، برای این جریانها صلح مرکبار است .

در زمینه مبارزه با ضدانقلاب در یکسال گذشته سازمان موفقیت‌های بزرگی بدست آورد ، افشاکری‌های پی‌درپی سازمان علیه گروه‌ها و دستجات ضدانقلابی ، ماهیت بسیاری از آنها را که اکثراً زیر پوشش " کردیتی " فعالیت می‌کردند برای مردم کردستان روشن ساخت و زدوبندهای آنها را با گروه‌های ناسیونالیست برملا کرد . سازمان ما نقاب از چهره خودفروختگانی چون : " سمکوعلیار " " شیخ جلال حسینی " ، " حامد بیگ " " علی قاضی " (گوری رهش) ، " جهانگیرخان دری " سپاه مزدور رزگاری و . . برداشت ، و رابطه باند قاسملو و گروهک‌های آشوب طلب را با آنها افشاء و محکوم کرد .

رزمندگان فدایی در تاپستان گذشته عده‌ای از مزدوران رژیم صدام را همراه سرکرده آنها " حسن آغا جوانمردی " خلع سلاح و دستگیر کردند . رفقای فدایی سال گذشته ، همچنین " حامد بیگ " مزدور معروف صدام جنایتکار را دستگیر کردند ، " حامد بیگ " در اعترافات خود که در سراسر کردستان پخش شد علاوه بر اینکه به روابط خود با رژیم صدام و گرفتن کمک‌های مالی و نظامی برای مسلح کردن صدها مزدور از این رژیم اعتراف کرد پرده‌ها از روی روابط خود با کومله ، شیخ‌عزالدین و باند قاسملو نیز برداشت . " حامد بیگ " و " حسن آغا جوانمردی " همزمان با آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام به وسیله رزمندگان فدایی اعدام شدند .

افشاکری‌های مداوم و سیاست‌های قاطع سازمان ما در برابر ضدانقلاب ، دشمنی شدید آنها را نسبت به سازمان برانگیخت ، در سالی که گذشت ضدانقلاب نوظئده‌های زیادی علیه سازمان ما به انجام رسانید از آن جمله حمله مزدوران سپاه رزگاری به رفقای ما در مریوان و به شهادت رسانیدن رفیق " رضا سیدالشهدایی " و زخمی کردن و به کروکان گرفتن چند تن دیگر از رفقا ، انفجار بمب در میتینگ سازمان در مهاباد در نیرماه سال گذشته به وسیله عوامل کوری‌رهش و شهادت ۸ نفر و از جمله رفیق " حسن حسن زاده " و زخمی شدن بیش از ده نفر ، شهادت رفیق " رضا پیرانی " در مهرماه سال گذشته به وسیله باند قاسملو ، حمله به دفتر بوکان در آبان ماه گذشته توسط باند قاسملو با همکاری گروهک‌های آشوب طلب بهدید و ارباب ، حبس و شکنجه هواداران سازمان از سوی باندهای ضدانقلابی و به‌ویژه‌دار و دسنه قاسملو و موارد بسیار دیگر را می‌توان نام بود .

شدت و ابعاد این نوظئده‌های ضدانقلابی علیه سازمان ما بخوبی نشان می‌دهد که سازمان وظیفه خود را در افشاء و شناساندن چهره ضدانقلاب به مردم با قاطعیت انجام داده است .

چگونه حقوق ملی خلق کرد را در چارچوب جمهوری اسلامی حل کنیم ؟

در زمینه حل صلح‌آمیز مشکل کردستان و تامین حقوق ملی خلق کرد در سال گذشته

ما بطور مستمر و پیگیر از این اعتقاد و سیاست دفاع کرده‌ایم که مشکل کردستان مساله به رسمیت شناختن حقوق ملی نزدیک به چهار میلیون از محرومترین مردم این سرزمین است که ریشه و ابعاد تاریخی دارد . بدون تأیید این واقعیت امکان برخورد واقع‌بینانه با این مشکل فراهم نخواهد شد . اعتقادی که نمی‌خواهد ویژگی‌های کردستان را بشناسد هیچگاه به راه حل اصولی نمی‌رسد و همواره برخوردهای قشری و ننگ‌نظرانه را جایگزین راه حل واقعی می‌نماید . در دوسال گذشته ما بارها شاهد بن‌بست و شکست چنین سیاستی در کردستان بوده‌ایم .

اگر راهی برای شکست ضدانقلاب در منطقه وجود داشته باشد آن راه نیست ، مگر توجه جدی و مسئولانه به ریشه اصلی مساله . یعنی کوشش در تامین حقوق ملی مردم کردستان . دوسال درگیری و خصومت و تکرار مکرر اشتباهات ، چنان جوی از بی‌اعتمادی در منطقه ایجاد کرده که قبل از ارائه هرگونه طرح و برنامه کلی ، دولت باید با انجام یک سری اقدامات عاجل آثار و عواقب شوم بی‌اعتمادی‌ها و سوءظن‌ها را از میان بردارد . این اقدامات با جلب حمایت نوده‌ها و تضعیف ضدانقلاب زمینه لازم را برای توافق نهایی فراهم خواهد ساخت . از نظر ما این اقدامات عبارتند از :

۱ - اجرای کامل و دقیق پیام اول بهمن " آیت‌الله خمینی " دایر بر عفو عمومی که باید بدون قید و شرط به مورد اجرا گذاشته شود . برخی از مسئولین و نهادها در منطقه بر سر اجرای کامل پیام " امام " مانع ایجاد می‌کنند . اینگونه برخوردها هرچه زودتر باید قطع شود .

۲ - دولت باید به محاصره اقتصادی مناطق روستایی و برخی شهرهای منطقه که زمینه مناسبی برای عوام‌فریبی ضدانقلاب بر بستر مشکلات زندگی مردم فراهم نموده پایان بخشد .

۳ - اکنون ماههاست که دولت از پرداخت حقوق کارکنان دولت در برخی شهرها خودداری کرده است همچنین تعداد زیادی از معلمین و فرهنگیان طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اخراج شده‌اند . پرداخت مجدد حقوق کارکنان دولت و بازگردانیدن مجدد این قبیل معلمین به سود تقویت انقلاب در منطقه است .

۴ - در دو سال اخیر از طرف جمهوری اسلامی ایران ، بخصوص در زمان دولت موقت تعدادی از فتوادل‌ها و عناصر بدنام وابسته به رژیم سابق در منطقه ، مورد حمایت قرار گرفته و مسلح شده‌اند وجود این عناصر در نهادهای حکومتی در منطقه همواره عامل تشدید تشنج و درگیری و دور کردن و سلب اعتماد مردم نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده است . دولت باید جهت طرد و تصفیه این قبیل عناصر و نیروها با قاطعیت تمام اقدام نماید .

اقدام قاطع دولت در موارد فوق که برخی از آنها طی ماه‌های اخیر با نواقصی به مورد اجرا گذاشته شده‌اند را برای انجام اقدامات اساسی جهت تامین حقوق ملی مردم کردستان در چارچوب جمهوری اسلامی ایران خواهد گشود . آنچه دولت در این مورد با رهنمون قرار دادن پیام ۲۶ آبان ۵۸ " آیت‌الله خمینی " و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند انجام دهد عبارتند از :

۱ - تعیین حدود جغرافیایی استان کردستان با نظرخواهی از مردم منطقه و لغو تصمیمات جغرافیایی رژیم سابق در مورد کردستان که هدف نابودی فرهنگ و سنت‌های قومی مردم کردستان را دنبال می‌کرد .

۲ - تشکیل شورای استان کردستان و سپردن اداره امور محلی به دست نمایندگان این شورا

نصفه از صفحه ۱۶

لایحه بیدارند...

می‌کنند که چه مسئولیت سنگینی بر عهده آنهاست؟ آیا ما بر مسئولیت سنگینی که برعهده داریم عمیقاً واقفیم؟ ما می‌دانستیم که انقلاب به نیروهای اجتماعی احتیاج دارد که بتوانند پاسخ صحیح مسائل آن را بیابند ، بتوانند خلق را به درستی رهبری کنند ، می‌دانستیم که طبقه کارگر احتیاج دارد به رهبرانی کارآزموده ، پرتجربه ، آگاه ، صادق و عمیقاً انقلابی که با تمام وجود خویش در راه آرمان او جانبازی کنند ، درد او را درد خویش بدانند و در راه پیروزی او مصممانه پیکار کنند . رهبرانی چون بیژن ، حسن ضیاء‌طریفی و حمید اشرف در زمره شایسته‌ترین کسانی بودند که می‌توانستند در شمار چنین رهبرانی قرار گیرند . با اینهمه تاریخ سخت و پرصلابت جریان دارد و از درون جوشش پیروزمند آن ، غریو نیک‌فرجام رهبران شایسته به کوش می‌رسد . من وقتی به این مسائل فکر می‌کنم همواره یک پاسخ بیشتر برای آن پیدا نمی‌کنم و آن اینکه ما باید دست همدیگر را محکم‌تر بگیریم ، بازو در بازوی هم بیاندازیم ، فکر خود را روی هم بگذاریم و متحدتر و فشرده‌تر شویم تا بتوانیم با گام‌های سریع‌تر و استوارتر راه استقلال ، صلح ، دمکراسی و سوسیالیسم را پیکارجویانه بپیمائیم .

که با رای مردم کردستان انتخاب خواهند شد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین شوری را به رسمیت شناخته است .

۳ - کوشش به خاطر حفظ و اعتلای فرهنگ و ادبیات غنی و اصیل مردم کردستان ، از جمله به رسمیت شناختن تدریس به زبان کردی در مدارس و آموزشگاه‌ها در کنار زبان رسمی و عمومی کشور .

۴ - انجام اصلاحات اجتماعی ترقی‌خواهانه به خاطر رفع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی ، بالابردن سطح زندگی مردم از طریق ایجاد اشتغال از قبیل انجام اصلاحات ارضی و مبارزه با بزرگ‌مالکان که همواره به عنوان پایگاه اصلی ضدانقلاب عمل کرده‌اند . همچنین اختصاص بودجه‌ای ویژه جهت اجرای برنامه‌های اقتصادی و عمرانی به خاطر مبارزه با عوارض ناشی از عقب‌ماندگی شدید اقتصادی در منطقه و ایجاد اشتغال و در وهله اول ترمیم خرابی‌های جنگ و جبران زیان‌هایی که به مردم کردستان در اثر دوسال جنگ مداوم وارد شده است .

ما از برنامه فوق جهت تامین حقوق ملی خلق کرد قاطعانه دفاع کرده‌و این برنامه را در چارچوب جمهوری اسلامی ایران قابل تحقق می‌دانیم . ما امیدواریم که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه جدی به حقوق حقه مردم کردستان در سال جدید کام‌های اسنوارتری به پیش بردارد به این امید که سال ۶۰ ، سال حل مشکل کردستان باشد و همه نیروهای مترقی و ضدامپریالیست بتوانند با حل این مساله ، وحدت انقلابی خلق‌های ایران را تحکیم بخشیده و راه را برای رسیدن به پیروزی‌های بازم بیشتر بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هموار نمایند .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
شاخه کردستان

فروردین ماه ۱۳۶۰

۱۰

بقیه از صفحه ۲۷

با انقلاب یا...

مردم ایران نیز از چند دهه پیکار بی‌امان، اتحاد، استقامت، مبارزه و سرانجام پیروزی مردم ویتنام در مقابل اشغالگران ژاپنی، فرانسوی و آمریکایی درس لازم را گرفته‌اند: "آمریکا تو خالی است ویتنام گواهی است"

اما آنچه به نقطه نظرات وزیر امور خارجه ویتنام در مصاحبه خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی ویژگی پیچیده بخشیده قرار گرفتن این نظریات در کنار نظرات (در ظاهر سوالات!) خبرنگار انقلاب اسلامی و درخشش آن است. خبرنگار انقلاب اسلامی صلاح را در این دیده است که به وزیر امور خارجه ویتنام درس استقلال طلبی بدهد! آن بخش از این مصاحبه (بهرتر است بگوییم مناظره!) را که در ارتباط است با استقلال برای خوانندگان "کار" عیناً نقل می‌کنیم.

س: به نظر شما سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

ج: ما سیاست شما را عمیقاً تحسین می‌کنیم. سیاست شما در برابر ایالات متحده در مورد مسئله شاه و پس گرفتن اموال ایران و عدم دخالت آمریکا در امور ایران خوب بود. سیاست ایران در مورد حفظ استقلال خود و حمایت از سایر کشورها برای بدست آوردن استقلال قاطعانه است و یک مسئله مهم این است که شما پیمان سنتورا از هم پاشانید. این خیلی خوب بود همه گفتند که مهمان بزرگ سنتورا ترک کرد.

س: شما می‌دانید که یکی از اصول انقلاب اسلامی ایران این است که ما می‌گوییم نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی. نظر شما در این مورد چیست و آیا به این شعار اعتقاد دارید؟

ج: به عقیده من مسئله اساسی صلح و استقلال است هر کس که از صلح و استقلال ما حمایت کند دوست ماست و هر کس که علیه صلح و استقلال ما باشد دشمن ماست. این سیاست ماست. یعنی شرق و غرب هدف ما نیست. هدف ما صلح و استقلال است. شرق و غرب هر دو وجود دارند اما نباید مانع صلح و استقلال ما شوند.

س: من معتقدم که ما با هم دوست هستیم اما این برای ما مسئله بزرگی است که مردم کشور ما خیال می‌کنند ویتنام در جبهه روسیه است و شما از آنها حمایت می‌کنید؟

ج: (باخنده) این چه حرفی است که شما می‌زنید در این مدت ۲۵ سال فقط شوروی به ما کمک کرد و هیچکس دیگر به ما کمک نکرد. می‌بینید که فرانسه مخالف ماست آمریکا مخالف ماست چین مخالف ماست و تمام کشورهای بزرگ دیگر. اگر کمک شوروی نبود نمی‌توانستیم روی پا بایستیم. هیچکس در مورد استقلال ما تردید ندارد. هیچکس در این دنیا، آمریکا بیش از همه در مورد ما غبطه می‌خورد. ما می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم. ما الان در آن واحد در سازمان‌های (کومه‌کن) و (ولی‌بان) هستیم (ولی‌بان) آمریکایی است و (کومه‌کن) مربوط به شوروی (ولی‌بان) کمک‌هایش را به ویتنام قطع کرده است ولی شوروی هنوز به ما کمک می‌کند.

شما باید به کشور ما بیایید ببینید که مردم

ما چگونه زندگی می‌کنند. هیچکس در این دنیا در مورد استقلال ما تردید ندارد هیچکس.

آمریکا دشمن اصلی

● حجت‌الاسلام شجونی نماینده مجلس شورای اسلامی در طی یک سخنرانی که به دعوت واحد بسیج سپاه پاسداران قزوین ایراد کرد بار دیگر بر خطر آمریکا به عنوان دشمن اصلی مردم ایران تاکید کرده و گرایش ضدانقلابی را که می‌کوشند "شیطان بزرگ" را با پیش کشیدن به اصطلاح "خطر شوروی" از زیر ضرب مردم ایران خارج سازند محکوم کرد. حجت‌الاسلام شجونی در قسمت‌هایی از سخنرانی خود چنین گفت:

"ما یک دشمن خارجی داریم و امروز دشمن این انقلاب آمریکا با اقمارش است. ولی آنهایی که از فرنگ برگشته‌اند این آقایان (رهبران جبهه ملی) اصرار دارند که نخیر شوروی دشمن اکبر است. این آقایان می‌خواهند کاری کنند که ریگان برای آنها لبخند بزند ولی ما دیگر فریب نمی‌خوریم ما ۲۸ مرداد را دیدیم که با این مترسک جنبش را به شکست کشاندند. چرا امروز آمریکا با ما می‌جنگد و قبلاً نمی‌جنگید؟ برای اینکه تمام منابع و ثروت این کشور را با دست نشانده‌اش شاه چپاول می‌کرد و حالا تمام این چپاولگری‌ها قطع شده است."

ما یک دشمن داخلی هم داریم و آن بقایای رژیم گذشته و وابسته به دربار و ساواکی‌ها هستند که از روز اول انقلاب اختلاف، کارشکنی و توطئه می‌کنند.

بقیه از صفحه ۱۷

ماهیت آمریکائی جریان‌های...

تاکنون در کشور افغانستان پیاده کرده است؟
ج: دولت زمین‌های فئودال‌ها را از آنان گرفته خانه‌های خوانین و اعیان و اشراف را تبدیل به مدرسه و بیمارستان کرده ولی با آشوبی که فئودال‌ها در افغانستان برپا کردند تا اندازه‌های جلوی رشد فعالیت دولت گرفته شده ولی این دولتی که من می‌بینم برای مردم افغانستان کارهای بسیاری خواهد کرد و پدر فئودال‌ها را در خواهد آورد و سایه شوم‌شان را از سر زحمتکش افغانی کم خواهد کرد...
س: برخورد دولت افغانستان با مردم و زحمتکش افغانی

چگونه است؟
ج: اگر کسی تحت تاثیر فئودال‌ها قرار نگرفته باشد و دست به چنانی نزنده باشد دولت به او کاری ندارد. حتی دولت به مردم اسلحه می‌دهد تا در برابر فئودال‌ها و دار و دسته‌های مسلح‌شان از خود و ناموس و جان و مال خود دفاع نمایند.
س: می‌دانید که دولت جمهوری اسلامی از این گروه‌ها به عنوان گروه‌های مبارز نام می‌برد، در ذهن مردم ایران وابستگی و ارتجاعی بودن این گروه‌ها پوشیده مانده اگر در این مورد مطلبی دارید، بیان

کنید.
ج: بله متأسفانه دولت ایران گروه‌های افغانی را مبارز قلمداد می‌کند ولی مردم حالا دیگر خیلی چیزها برایشان روشن شده همانطور که خیلی چیزها را دولت نمی‌داند ولی مردم خوب آنها را می‌فهمند. دولت عاقبت به اشتباهش پی می‌برد که چگونه ماری را در آستینش پرورش می‌دهد و امروز نه، فردا چوبش را یک جایی خواهد خورد...
س: پیامتان برای آوارگان افغانی که در ایران هستند چیست؟ اگر مطلبی دارید بفرمائید.

ج: من به تمامی زحمتکش افغانی پیام می‌دهم که برگردند به افغانستان و به حرف‌های این مزدوران وابسته به آمریکا توجهی نکنند که فقط دارند از احساسات شما برادران استفاده می‌کنند برای اینکه دوباره قدرت را به دست بگیرند و حکومتشان را برقرار کنند. ولی دیر شده دیگر مردم افغانستان هم آگاه شده‌اند. دولت افغانستان دولت زحمتکش است. به همه زمین می‌دهد، کار می‌دهد، همه چیز در افغانستان در مسیر استقلال، آزادی و رفاه زحمتکش است.

اجرای بند (ج) اولین گام در برنامه ریزی کشاورزی

در هفته‌های گذشته وزیر کشاورزی و عمران روستایی طی مصاحبه‌یی با خبرنگاری پارس اعلام نمود: "تاکلیف مالکیت روشن نشود برنامه ریزی کشاورزی ممکن نیست". این چندمین بار است که مسئولین مملکتی خودنیز به ضرورت تعیین تکلیف هرچه سریعتر مساله مالکیت زمین‌های کشاورزی تاکید می‌نمایند. حقیقت این است که هم اکنون به دلیل توقف بند "ج" اصلاحات ارضی وضع مالکیت زمین در

روستاهای کشور معلق مانده است و امنیت اقتصادی برای کشت زمین‌ها و افزایش تولید از بین رفته است، این امر به نوبه خود باعث آغاز مجدد حرکات ضد - انقلابی فئودال‌ها و زمینداران بزرگ بر علیه کشاورزان زحمتکش و تهدید شوراهای روستایی و گاهی انحلال آنها گردیده و به دنبال آن اعتراضات گسترده و سیل نامه‌ها و تلگراف‌های زحمتکش به مقامات آغاز شده که همگی بر ضرورت اجرای بند "ج" و ادامه فعالیت هیئت‌های

هفت نفره تاکید دارد. وزیر کشاورزی و عمران روستایی نیز که از ابتدای تصدی این مسئولیت همواره بر ضرورت پیشبرد سریع اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست زمینداران بزرگ و فئودال‌ها گام برداشته این بار نیز با توجه به تاکیدات همه مسئولین و مقامات مسئول جمهوری اسلامی همچنین تاکید آیت‌اله خمینی در پیام نوروز و پیام دوازدهم فروردین ماه به صراحت بر ضرورت برداشتن گام‌های اصولی، به نفع

محروران روستا تاکید کرده است. جا دارد که مجلس شورای اسلامی هرچه زودتر اجرای قاطع اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" آن را در دستور قرار دهد و با تصویب این قانون میلیون‌ها روستایی زحمتکش میهنان را به انقلاب و آینده خویش امیدوار ساخته و گامی استوار در جهت استقلال اقتصادی ایران از طریق قطع نفوذ زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و افزایش تولید محصولات زراعی بردارند.

کوخ نشین ها یا کاخ نشین ها

" شما این انقلاب را به ثمر رساندید و ثابت کردید که کاخ نشین ها هستند که ضعیف اند و پوسیده اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده و نخواهند کرد . "

غلبه کرد و الان هم که در جبهه ها جنگ هست باز این طبقه محرومند که در تلویزیون نشان می دهد مشغول خدمت هستند . آن کاخ نشین ها یک شاهی خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد آنها اگر مشغول فساد و فساد نباشند بی تفاوت هستند . "

این سخنان روشن صریح و بی پرده امام در جانبداری از طبقات محروم زحمتکش جامعه و ضدیت ایشان با " کاخ نشین ها " و دشمنان و استثمارگران زحمتکشان باید به هر مسلمان مبارزی که خود را در خط امام می دانند معیار لازم برای شناخت از دوستان و دشمنان انقلاب را بدست دهد . چه کسی در عمل مدافع و پشتیبان توده های محروم و زحمتکش است ؟ چه کسانی در انقلاب خونبار ایران صمیمانه و فعالانه شرکت داشتند و در رفع تجاوز صدام جانفشانی کردند ؟ اینان دوستان انقلابند . آنچه مسلم است ما یک نمونه در دست نداریم که در لیست شهدای انقلاب بهمین و پس از آن جبهه مقاومت در مقابل تجاوز صدام نام یک لیبرال بزرگ مالک ، تاجر بزرگ و به عبارت دیگر نام یک " کاخ نشین " ثبت شده باشد .

آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند بلکه کارشکنی هم تا اندازه ای که می توانستند می کردند و الان هم هرقدر که بتوانند می کنند یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد . بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد . "

امام خمینی در ادامه صحبت های خود ، دوستان و دشمنان انقلاب را اینگونه ترسیم می کنند :

" شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروه هایی که در سرتاسر کشور این انقلاب را به ثمر رساندند همان زن و مرد محروم و همان هایی که مستضعف هستند و کاخ نشینان آنها را استضعاف می کنند و اینها ثابت کردند که کاخ نشین ها هستند که ضعیف اند و پوسیده اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده اند و نخواهند کرد . "

امام خمینی همچنین با اشاره به حصار ، اهالی جنوب شهر در حسینیه جماران گفتند :

" شما بودید که در میدان ها در خیابان ها اجتماع کردید و با مشت گره کرده در مقابل توپ و تانک و مسلسل و اینها ایستادید و با ایستادگی و شجاعت ، زن و مرد شما بزرگ و کوچک شما فداکاری کرد و شهید داد تا

امام می دانند ولی هنوز که هنوز است فرق بین سرمایه دار و کارگر ، بزرگ مالک و دهقان ، استثمارگر و استثمارشونده را نمی دانند و نمی دانند " کوخ نشینان " توسط " کاخ - نشینان " استثمار می شوند یا به قول امام به " استضعاف " کشانده می شوند حتی دیده شده است که عده ای که خود را در خط امام می دانند با تفسیر

خاصی که از کلمه مستضعف می کنند آب پاک را بر دست های تبهکار دشمنان انقلاب و ضدانقلابیون می ریزند .

سخنان یکشنبه ، ۱۶ فروردین " امام خمینی " در دیداری با گروهی از گودنشین ها " و افشار مختلف جنوب شهر از این نظر اهمیت دارد که ایشان بار دیگر به لزوم سمت گیری فوری انقلاب با منافع زحمتکشان جامعه ، کوخ نشینان ، تکیه می کنند .

امام خمینی در سخنان خود چندین بار تاکید کرده اند که :

" من وقتی که در حال انقلاب می دیدم که یک پیر مردی از آن گودنشین ها از آن منزل محقر خرابه بیرون می آمد و می گفت که ما با بچه هایمان صبح که می شود می رویم برای تظاهر یک موی شما بر همه آن کاخ نشین ها و

خط امام رابه درستی تشخیص داده و نقاب از چهره آنان بدرند .

آیا مضحک نیست که امثال " قطب زاده ها " " امیر انتظام ها " ، تیمسار مدنی ها توانسته اند برای مدت ها خود را در خط امام جا بزنند و مضحک تر از آن طرفداران صادق و ناآگاه خط امام در مقام دفاع ، بدترین تهمت ها را به افشاء کنندگان چهره های نامبرده وارد ساختند ؟

آیا می شود ، در سرای " دستمالچی " دل تاجر محتر را بدست آورد ، بر علیه انقلاب و نیروهای مدافع و دینفع در آن لجن - پراکنی کرد و در خط امام بود ؟

آیا می شود هم مدافع بزرگ مالکان و مخالف اجرای بند " ج " و " د " بود و هم مدافع خط امام ؟

آیا می شود مخالف ملی کردن صنایع وابسته و بزرگ ، دولتی کردن تجارت خارجی بود و از خط امام هم پشتیبانی کرد ؟

گرچه که در طول این مدت بعد از انقلاب اغلب نیروهای مسلمان - مدافع خط امام به نقش دوستان و دشمنان انقلاب پی بردند - هرچند بطور محدود - اما هستند محافل و نیروهایی که خود را صادقانه مدافع خط

همواره این سؤال برای بخشی از طرفداران ناآگاه خط ضدامپریالیستی امام خمینی مطرح بوده که به چه نیروها و طبقات اجتماعی باید تکیه کنند . این کدام اقشار و طبقاتی بودند که واقعانظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را با اتحاد خود سرنگون ساختند و در ادامه این انقلاب و پیشبرد خط " امام خمینی " چه نیروهایی دینفع اند . سردرگمی در این مورد تاکنون ضربات جبران ناپذیری به روند گسترش انقلاب و به اتحاد نیروهای ضدامپریالیست وارد ساخته است .

از این سردرگمی بیش از همه بورژوازی لیبرال ، تاجر عمده ، فئودال ها و زمینخواران ، باندهای سیاه ضدانقلاب و بطور خلاصه مخالفین و دشمنان انقلاب حداکثر استفاده را کرده اند . وقتی نهضت آزادی و ارگان آن " میزان " بعضی از تجار و بزرگ مالکین و پاره ای از گروه ها و باندهای تروریستی در این گوشه و آن نقطه کشور خود را طرفدار خط امام جامی زنند ، بیانگر این واقعیت است که نیروها و جریانات ترقیخواه در خط امام در مورد دوستان و دشمنان انقلاب هنوز سردرگمند و نتوانسته اند دشمنان و مخالفین انقلاب و

نامه گروهی از زندانیان وابسته به سازمان از شیراز

محکومیت های غیر قانونی زندانیان سیاسی لغو باید گردد

بر لزوم اقدامات انقلابی جدی تر به نفع زحمتکشان و محرومین جامعه به ممنوعیت فعالیت قانونی فدائیان خلق (اکثریت) که مغایر با مصالح انقلاب و ناقض قانون اساسی جمهوری اسلامی است اعتراض کرده و خواهان رسیدگی مجدد به پرونده های خود شده اند . این رفقا در قسمتی از نامه خود نوشته اند " ... غرض دوم ما از نوشتن این سطور گوشزد نقض

گروهی از زندانیان سیاسی وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) از زندان عادل آباد شیراز نامه ای خطاب به ریاست دیوان عالی کشور نوشته اند که یک نسخه از آن به دست ما رسیده است .

رفقای زندانی در نامه خود ، ضمن تشریح وضعیت کنوسی و پشتیبانی از اقدامات ترقیخواهانه و ضدامپریالیستی دولت جمهوری اسلامی و تاکید

قانون اساسی و (حتی) مصوبات شورای انقلاب ... می باشد . طبق مصوبات شورای انقلاب توزیع نشریات ممنوعه ۳ ماه تا ۶ ماه حبس تادیبی دارد در صورتی که به همین اتهام ما را از یک سال تا ده سال یا " جرائم " توزیع نشریه کار (اکثریت) و پخش اعلامیه های سازمان محکوم کرده اند . "

رفقا سپس میزان اتهامات و مجازات خود را به شرح زیر به اطلاع ریاست دیوان عالی

شده اند .

۵ - حشمت اله رئیسی : به اتهام همراه داشتن اعلامیه های سازمان به ۱۰ سال حبس توسط دادگاه انقلاب اسلامی آبادان محکوم شده است

سازمان با تاکید بر خواست های عادلانه این دسته از رفقا مبنی بر تجدید نظر در محاکمات آنها از مقامات مسئول جمهوری اسلامی می خواهد که با توجه به سخنان اخیر امام و همچنین لزوم برقراری " حاکمیت قانون " در سال جاری مصوبات قانون

اساسی جمهوری اسلامی را درباره زندانیان سیاسی نیز اجرا کرده و به محکومیت های غیرقانونی که برای این رفقا تعیین کرده اند ، پایان بخشند .

کشور رسانده اند :

۱ - نادر جگین به جرم داشتن نشریه کار و نبرد دانش آموز محکوم به ۱ سال حبس توسط دادگاه انقلاب اسلامی شیراز .

۲ - محمد جمالی : به جرم همراه داشتن دو برگ افشاگری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) علیه تیمسار دریادار مدنی و یک برگ پیام ۸ تیر سازمان به ۲ سال حبس و ۳۰ ضربه شلاق توسط دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس محکوم شده است

۳ و ۴ - حسن ساریانی و احمد قریشی به اتهام داشتن دو قوطی رنگ هر کدام به ۱ سال حبس و اخراج از مشغله تحصیلی و صادره موتور سواری توسط دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس محکوم

بسته از صفحه ۴

پایگاههای ...

اراضی سومالی را بدست آورد. در عوض آمریکا به رژیم زیادبایره وعده داد که در سال ۱۹۸۱ معادل ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی و اقتصادی بدهد که این مبلغ فزون بر ۷۷ میلیون دلار کمک اقتصادی واگذار شده آمریکا به سومالی و آن ۵۰ میلیون دلاری است که آمریکا به موجب بودجه سال ۱۹۸۱ به سومالی اختصاص داده است.

۳- کنیا

در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۰ موافقتنامه مشابهی میان کنیا و آمریکا به امضاء رسید. بنا به اعلامیه وزارت خارجه آمریکا، واشنگتن در نظر دارد دسترسی نیروهای مسلح آمریکا به مراکز نظامی کنیا، منجمه به بنادر دریایی و فرودگاهها را گسترش دهد. علاوه بر این شمار "مامورین مخابراتی" نظامی آمریکا و تعداد کارشناسان نظامی موجود در این کشور افزایش خواهد یافت.

ب- خط دوم: تجاوز بخش شمال غربی

خط دوم تجاوز همانگونه که قبلا اشاره رفت، پایگاههای نظامی آمریکا واقع در ترکیه، مصر، اسرائیل و عربستان سعودی را در برمیگیرد.

۱- ترکیه

پس از سرنگونی رژیم شاه ژاندارم آمریکا در خلیج فارس، آمریکا موافقتنامه‌ای تحت عنوان به اصطلاح "همکاری در زمینه دفاع مشترک" با ترکیه منعقد ساخت. بطوری که نیویورک تایمز نوشت:

"تجدید موافقتنامه با دولت ترکیه اهمیت زیادی دارد زیرا این پایگاهها می‌توانند برای عملیات احتمالی در ایران و افغانستان مورد استفاده قرار گیرند. در حال حاضر حدود ۳۰ مرکز نظامی آمریکا و ناتو با خدمه‌ای بیش از ۷۰ هزار تن از نظامیان آمریکایی در ترکیه وجود دارند. در سال ۱۹۸۰ "کمکهای" نظامی و اقتصادی آمریکا به ترکیه به بیش از ۴۵۰ میلیون دلار رسید و همچنین قرار است آمریکا جنگ‌افزار و مهمات به این کشور تحویل دهد."

۲- مصر

از نظر آمریکا استفاده از پایگاههای نظامی مصر علیه کشورهای خاور نزدیک و میانه اهمیت وافری دارد. آمریکا به ویژه به سه پایگاه توجه دارد. یکی از آنها در محدوده پایتخت مصر واقع می‌باشد که در آن تا اکتبر ۱۹۸۰ طی دو ماه گروهی مرکب از ۱۲ شکاری بمبافکن "اف-۴" آمریکایی به تمرین پرداختند. دو پایگاه دیگر عبارتند از: فرودگاه "کنا" در ساحل رود نیل و "راس بناس" در ساحل دریای احمر.

فرودگاه "کنا" به هنگام عملیات نافرجام تجاوزکارانه علیه ایران به ارتش آمریکا خدمت کرد. درست از همین فرودگاه بود که هواپیماهای "سی-۱۳۰" به پرواز درآمدند. هواپیماهای "آواکس" آمریکایی که چندین ماه است در این بخش عمل می‌کنند، در این پایگاه مستقر می‌باشند. در "راس بناس" در پایگاهی که متخصصین استراتژی پنتاگون می‌خواهند آن را به

شرطی از نقشه‌های نظامی آمریکا هواداری می‌کند ابراز آمادگی نموده است که حاضر است پایگاههای خود در ساحل غربی این کشور را در اختیار کامل آمریکا بگذارد و در بازسازی آن شرکت نماید تا زیردريائی‌های اتمی و ده‌هزار تن از نظامیان آمریکایی بتوانند در آنجا مستقر شوند.

با استفاده از پایگاههای استرالیا می‌توان شمار پروازهای اکتشافی را افزایش داد و این هواپیماها را با بار زیاد بمب‌های سنگین‌شان به محل عملیات احتمالی نزدیک ساخت.

پنتاگون علاوه بر استفاده از پایگاههای نظامی استرالیا از بزرگترین ایستگاه دریایی جهان که در این منطقه قرار دارد، نیز استفاده می‌کند.

در اواخر اوت و اوائل سپتامبر ۱۹۸۰ در اقیانوس هند و نزدیک سواحل استرالیا بزرگترین مانور در تاریخ پیمان آنزیوس با شرکت آمریکا، استرالیا و زلاند نو برگزار شد.

۲- فیلیپین

پایگاه نظامی سوپین - بی در فیلیپین در میان کلیه پایگاههای آمریکایی واقع در کشورهای همجوار اقیانوس هند مهم‌ترین نقش را ایفاء می‌کند. این پایگاه به یکی از مراکز اساسی بینابینی برای واحدهای ضربتی نیروهای دریایی آمریکا تبدیل خواهد شد که به نوبت در اقیانوس هند عوض می‌شوند.

د- دیه‌گوگاریسیا

همانند سابق، توجه اساسی واشنگتن به پایگاه نظامی جزیره دیه‌گوگاریسیا که برای تامین عملیات نیروهای نظامی در اقیانوس هند از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، می‌باشد. در آستانه دهه ۸۰ برنامه تکمیل این پایگاه با هزینه ۱۷۵ میلیون دلار تهیه گردید. در این پایگاه شهرک نظامی برای ۸۲۰ نفر و مجموعه بزرگی از انبارها ساخته شده است. بندرگاه جزیره تا ۴۵ فوت عمیق شده که بزرگترین ناوهای هواپیما بر آمریکایی می‌توانند در آن پهلو بگیرند.

تا پائیز سال ۱۹۸۰ در جزیره دیه‌گوگاریسیا ۷ ناو حمل و نقل آمریکایی با تانکها، نفربرهای زرهی، مهمات و تجهیزات نظامی کافی برای تجهیز یک تیپ پیاده نظام دریایی مرکب از ۱۲ هزار نفر متمرکز گردید.

بدین سان است که پایگاههای استراتژیک آمریکا در پیرو سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا به تامین منافع امپریالیسم در حوضه اقیانوس هند و ایجاد شرایط جهت برقراری سلطه آمریکا در منطقه کمک می‌نمایند.

امپریالیسم آمریکا با توسعه نفوذ نظامی خود در منطقه اقیانوس هند و در پیروی از سیاست تشدید نظامی‌گرایی، تشنج‌فزائی و بازگشت به دوران جنگ سرد، مذبوحانه می‌کوشد در مقابل امواج خروشان انقلاب جهانی که هر دم ضربه جدیدی بر پیکر پوسیده استعمار، نو استعمار و امپریالیسم و ارتجاع جهانی وارد می‌آورد، سد ایجاد کند. میلیاردها دلار صرف هزینه‌های نظامی می‌کند و از هیچ توطئه و جنایتی فروگذار نمی‌کند اما امواج انقلاب، مرگ محتوم آن را هر دم نزدیک‌تر می‌کند و سرانجام امپریالیسم را راهی زباله‌دان تاریخ خواهد کرد.

*

این مقاله با استفاده از گزارش خبرگزاری آ. ت. ب. آن تهیه شده است.

طرزی مدرنیزه کنند که بتوانند بمب‌افکن‌های استراتژیک "ب-۵۲" و هواپیماهای سوخت‌گیری "ک-۱۳۵" آنها را بپذیرد، ۱۸ هزار تن از ارتشیان آمریکا دائما حضور خواهند داشت برای تکمیل بناهای نظامی در پایگاه "راس بناس" ۴۰۰ میلیون دلار اختصاص داده شده است.

علیرغم آنکه مدرنیزاسیون پایگاههای مصر هنوز آغاز نشده، پنتاگون استفاده موثر از آنها را شروع کرده است. در اواسط سال ۱۹۸۰ انتقال نخستین واحدهای "نیروهای گسترش سریع" به تعداد ۲ هزار نفر برای شرکت در مانورها به پایگاه "راس بناس" آغاز شد.

هواپیماهای آواکس مستقر در اراضی مصر برای اجرای عملیات تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا در منطقه در نظر گرفته شده‌اند. هواپیماهای آواکس شدت ضربات ۱۵۰ شکاری و دیگر هواپیماهای مستقر در دو ناو هواپیما بر آمریکایی در دریای عرب را اعتلاء می‌بخشند. ایمن گران‌قیمت‌ترین هواپیما (۱۳۵ میلیون دلار) می‌تواند ۱۱ ساعت در هوا پرواز کند و مسافت ۵۳۰ مایل را طی کند.

۳- اسرائیل

اسرائیل نیز در استراتژی آمریکا در منطقه اقیانوس هند و به ویژه منطقه خلیج فارس نقش مهمی به عهده دارد. در نیمه اول اکتبر سال ۱۹۸۰ جونز نماینده‌ستاد مشترک آمریکا از تل‌آویو دیدن کرد و در آنجا درباره امکان "اجاره دو پایگاه نظامی به وسیله آمریکا" مذاکره نمود.

پایگاه "اسیون" واقع در انتهای شمالی خلیج عقبه به عقیده سردمداران پنتاگون می‌توانست امکان سریع دستیابی به بخش خلیج فارس را برای آمریکا تامین نماید لیکن بنا به زد و بند کمپ دیوید، هر دو پایگاه در سال ۱۹۸۲ باید به مصر واگذار شوند.

۴- عربستان سعودی

با شروع سال ۱۹۷۹ هنگامی که آمریکا فعالیت‌های دیپلماتیک خود در کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه افزود و هیئت‌های نمایندگی بسیاری را پشت سر هم به این کشورها اعزام داشت به گسترش شبکه پایگاههای نظامی در عربستان سعودی در طرح‌های آمریکا توجه زیادی مبذول گردید.

امریکا موفق شد که از سه پایگاه در عربستان یعنی پایگاههای "یانبو" و "جوبیل" در ساحل دریای احمر و "دهران" در ساحل خلیج فارس استفاده نماید.

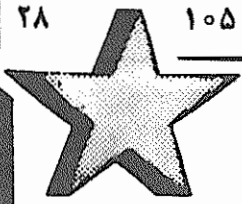
در نیمه دوم سال ۱۹۸۰ پنتاگون با استناد به تشدید تشنج حاصله از جنگ عراق و ایران، چند فروند هواپیماهای آواکس و همچنین دستگاه‌های رادار زمینی و وسایل مخابراتی به عربستان گسیل داشت و البته آمریکا این "حق" را برای خود محفوظ داشت که در صورت بروز عملیات جنگی نیروهای اضافی برای دفاع از آنها وارد عمل نماید.

ج- خط سوم: تجاوز بخش شرقی

پنتاگون در بخش شرقی اقیانوس هند خط تجاوزی دربرگیرنده پایگاههای استرالیا و فیلیپین را ایجاد کرده است.

۱- استرالیا

دولت استرالیا که علنا و بدون هیچگونه قد و



در راه خلق هداکار و در برابر دشمن مردم تسلیم نباید باشیم . گرامی باد خاطره رفقای شهید فروردین ماه

- ☆ احمد جلیل افشار
- ☆ عبدالله صوفی زاده
- ☆ جواد سلامی
- ☆ جلیل ارازی
- ☆ خشیایار سنجرى
- ☆ غفور عمادی
- ☆ عباس هوشمند
- ☆ قربان شفعی
- ☆ حمید اکرامی
- ☆ علی خلغی
- ☆ عزیز سرمدی
- ☆ بیژن جزینی
- ☆ عطاء خانجانی
- ☆ منصور فریبدی
- ☆ بداله سلسلی
- ☆ بهرام آق آتابای
- ☆ علی میرابون
- ☆ پروین زه انجام
- ☆ حسن ضیاء ظرفی
- ☆ حبیب اله مؤذنی
- ☆ محمدرضا کامیابی
- ☆ سعید بنجه شاهی
- ☆ بردی محمد کوبه غزوی
- ☆ سعید متعوف تلاتری
- ☆ اراز محمد دردی پور
- ☆ غزال (زیدخت) آینی
- ☆ جلیل حواری نسب
- ☆ آنا بردی سرافراز
- ☆ محمد معصوم خانی
- ☆ علی محمد خوجه
- ☆ نسرین بنجه شاهی
- ☆ محمد جویانزاده
- ☆ عباس سووی

در دفاع از انقلاب... در دفاع از استقلال... در راه آرمان...
گازر، فدائیان خلق در سگهای سرح طاقت... در فرسای از بهنگار تاریخار خلق
برزگه سا، هر روز جارهای میروی را در راه انقلاب شایر می کند
حون پاک رفقا، دشمنها و دروغهای سپهر را کتلون می بارد و سارک می دهد
لاله لاریان سرخی را که ایران مستقل، آباد و دنگرانیک فردای بهوری رخصتسان
بر آن بنا می نود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سگهای بهنگار با تجاوزگران

- ☆ اکبر ندلی
- ☆ اکبر لاجور
- ☆ امر امانی
- ☆ علی مصاف
- ☆ جواد کجی
- ☆ البرز نوسخی
- ☆ مریم رنشی
- ☆ رحیم سمنلی
- ☆ سعید کوسلی
- ☆ بهرام ورامسی
- ☆ محسود اجسو
- ☆ خسرو کریمی
- ☆ حسن بریمی
- ☆ عبدالله مرادی
- ☆ محمد ساردار
- ☆ نبی اسکویی
- ☆ حسن صالحی
- ☆ عباس ده دار
- ☆ علام عباس محمد
- ☆ عتاب الله رنسی
- ☆ محمدرضا افران
- ☆ سهلا سمان راده
- ☆ حساله فرحجسی
- ☆ اسراهم سکرچی
- ☆ عبدالحسن ساه سر
- ☆ محسود اسری آبادی
- ☆ فریدون مریمی راده
- ☆ محمدنصیر شام سکی
- ☆ محمدنهدی بنت ایدام
- ☆ محمداسدالله پاد رودبه
- ☆ محمدحسن صدر آبادی
- ☆ رحمانه (لسر) اسمندار پور
- ☆ بوری سکاان
- ☆ سعید (عباس) آقاپور
- ☆ علیرضا خلغی
- ☆ افراساب زرویس سلسلی
- ☆ کاظم عدلی
- ☆ علیرضا کاظمی
- ☆ علی خام راده
- ☆ ابرح حسنا
- ☆ لطف غلبراده
- ☆ پرو بر کرسان
- ☆ اسحاق بابازاده
- ☆ مرضی دارابی
- ☆ زهره موسویون
- ☆ وحدت نک سر
- ☆ سرنار ناهرزاده
- ☆ کورس پاک س
- ☆ حمید ولادوسب
- ☆ غلامرضا صمر سراد
- ☆ محمدرضا جعفری
- ☆ منصور دهمانی
- ☆ سیدرضا طالب موسوی
- ☆ حسن ده دار

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

نامه گروهی از زندانیان وابسته به سازمان
از زندان شیراز

محکومیت های غیرقانونی زندانیان سیاسی لغو باید گردد

در صفحه ۲۶

ماهیت آمریکائی جریان های ضد انقلاب افغانستان آشکارتر میشود

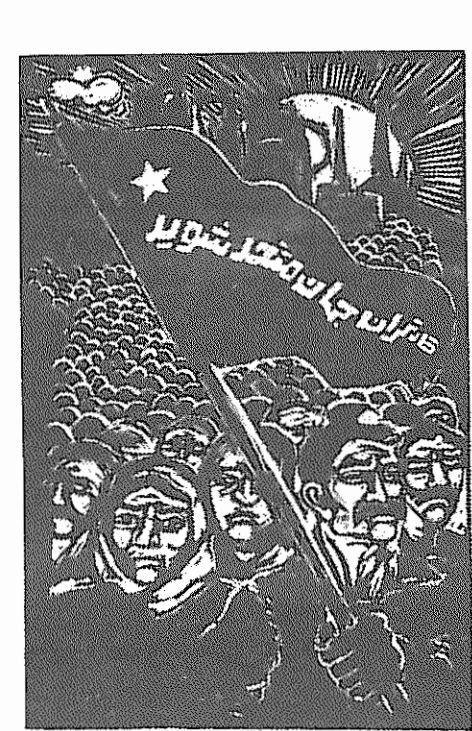
● تلاش های اخیر محافل امپریالیستی در دفاع از به اصطلاح "مجاهدین" و " مبارزان " افغانی باردیگر و این بار بطور آشکارتری پرده از ماهیت واقعی این مزدوران برداشته است . در روزهای اخیر "رونالد ریگان" رئیس جمهور امریکا طی بیانیهای مجددی خاطر نشان ساخت که امریکا حاضر است سلاح های مورد نیاز "مجاهدین" افغانی را که علیه دولت قانونی و انقلابی مردم افغانستان می جنگند ، تامین کند .
امپریالیسم درست منطبق بر منافع غارتگرانه اش سیاست پشتیبانی و حمایت فعال و همه جانبه از فتوادلها ، زمینداران و گروه های امریکائی ساخته افغانی را که هدفی جز سرنگونی رژیم انقلابی افغانستان و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده امریکائی ندارند ، در پیش گرفته است .
در این شماره متن افشاگرانه مصاحبه خبرنگار کار با یک "مجاهد" افغانی را که پس از مدتی همکاری ، با ضد انقلابیون افغانستان پی به ماهیت ضد مردمی آنها برده است ، می خوانید :
در صفحه ۱۷

کردستان در سالی که گذشت خواستنه های عادلانه مردم کردستان همچنان بی پاسخ مانده است (قسمت دوم) در صفحه ۵

نامه یکی از معلمین پاکسازی شده از جبهه جنگ آبادان به مشکینی مدیرکل آموزش و پرورش لرستان .

"شما ما را پاکسازی کنید و ما دشمن متجاوز را" در صفحه ۲۳

صف را فشرده تر کن



سپیده باز دمید هاست ، اول ماه مه است ، برویم تا توان رنج هایمان را مصادره کنیم برویم تا بنیان های کهن را ویران سازیم دیگر نمی گذاریم ، بریا کنندگان ستم نیروی بازویمان را تاراج کنند .
قانون کهنه را به دور افکن
این قانون ، شلاق ستمگرانست
ما قانون بهتری خواهیم آورد ،
قانون اتحاد ، کار ، مساوات ، آزادی
در سحرگان اول ماه مه
شیپور " کمون " دمیده می شود
تا پرولتاریای سراسر جهان ، این گارد سرخ تاریخ
بیا خیزد
به یاد " کموناردهای " قهرمان که پرچم سرخ را
برافراشتند
صف رزمندگان را فشرده تر کن ،
دیروز را به یاد آر در رنج ، امروز را ببین در رزم
و فردار را بی شک ، در فتح .
ما پیشتاز دنیای تازه ایم
پارتیزان هدف های اصیل
و در گولها مان : فردای نو ، انسان نو ، زندگی
نو را بر پشت می کشیم .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر